

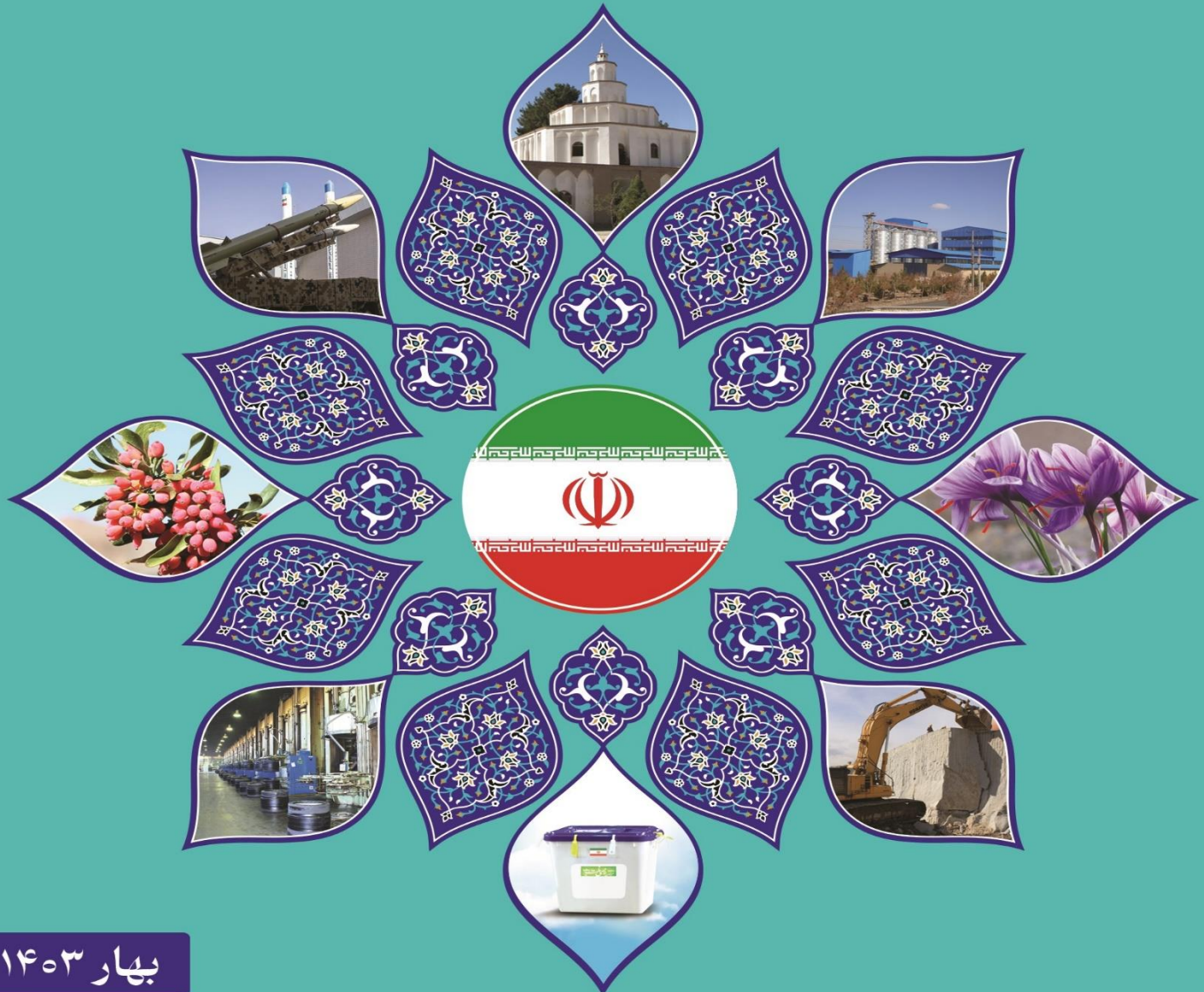


جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

جلد اول

اقتصاد مردم پایه

(بررسی الزامات تحقق شعار سال ۱۴۰۳)



بهار ۱۴۰۳





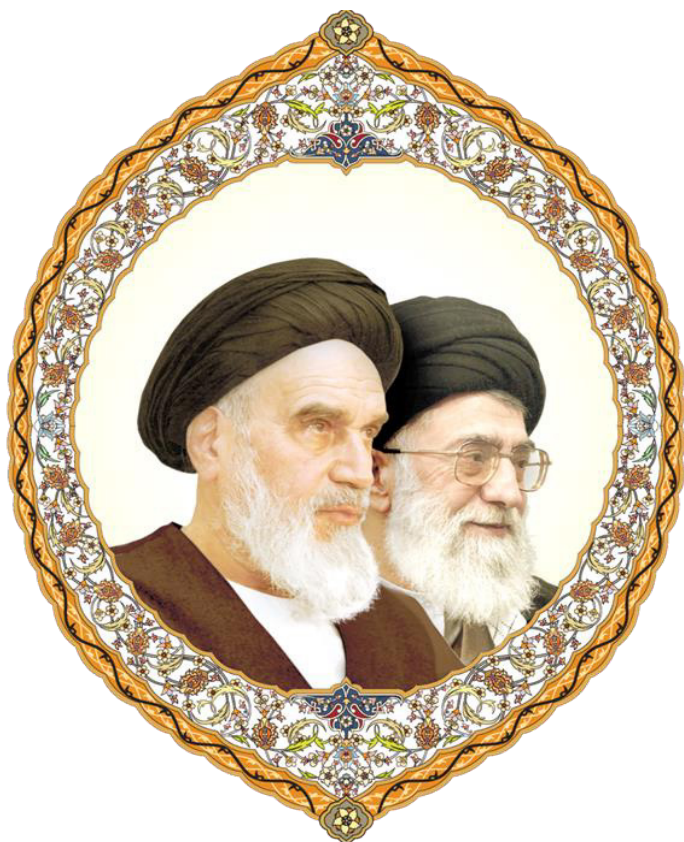
جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی



اقتصاد مردم پایه؛ (بررسی الزامات تحقق شعار سال ۱۴۰۳) جلد اول



بهار ۱۴۰۳



سرشناسه	ذاکریان، مرتضی، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور	اقتصاد مردم پایه: (بررسی الزامات تحقق شعار سال ۱۴۰۳) جلد اول/ تهیه و تدوین مرتضی ذاکریان، یعقوب فاطمی زردان، محسن مودی: [برای] وزارت امور اقتصادی و دارایی اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی.
مشخصات نشر	تهران: فکر بکر، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۱۱۸ ص.
شابک	۷-۷۸-۸۹۲۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان دیگر	(بررسی الزامات تحقق شعار سال ۱۴۰۳) جلد اول.
موضوع	ایران -- سیاست اقتصادی -- قرن ۱۵ -- مشارکت شهروندان ۲۱st century -- Citizen participation -- Iran -- Economic policy
موضوع	رشد اقتصادی -- ایران -- آینده نگری Economic development -- Forecasting -- Iran
موضوع	توسعه پایدار -- مشارکت شهروندان Sustainable development -- Citizen participation
موضوع	ایران -- سیاست اقتصادی -- قرن ۱۵ ۲۱st century -- Iran -- Economic policy
رده بندی کنگره	HC۴۷۳
رده بندی دیویی	۳۳۸/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۹۶۷۹۷۵۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا



اقتصاد مردم پایه: (بررسی الزامات تحقق شعار سال ۱۴۰۳) جلد اول

مدیر و ناظر پروژه: مرتضی ذاکریان نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان

تهیه و تدوین: مرتضی ذاکریان، یعقوب فاطمی زردان، محسن مودی

طراحی جلد: صادق نوری مقدم

ناشر: انتشارات فکر بکر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت و سال چاپ: اول-۱۴۰۳

چاپ و لیتوگرافی: چاپ و نشر امروز خراسان جنوبی

شابک: ۷-۷۸-۸۹۲۳-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق این اثر متعلق به اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی می باشد.
حق چاپ محفوظ است.

✉ Morteza.Zakerean@gmail.com

☎ تلفن: ۰۵۶-۳۲۴۰۰۱۶۱

📷 @Dr.morteza_zakerian

📍 بیرجند، بلوار صنعت و معدن، سایت اداری

🌐 <https://kj.mefa.ir>

امروزه مشارکت مردمی به عنوان سرمایه اجتماعی و کلید توسعه اقتصادی شناخته می شود و موضوع مردمی کردن اقتصاد یکی از مهم ترین اصول انقلاب اسلامی است. به طوری که در قانون اساسی و به طور خاص در اصل ۴۴ به صراحت به این موضوع اشاره شده است. بنا بر رهنمودهای مقام معظم رهبری در حال حاضر مهم ترین چالش کشور، مشکلات اقتصادی است که بخش زیادی از آن به دلیل تصدی گری بیش از حد دولت در اقتصاد و پایین بودن مشارکت مردمی اتفاق افتاده است و باعث آسیب های جدی مانند کسری بودجه، افزایش نقدینگی، کاهش رشد اقتصادی، تنزل بهره وری عوامل تولید، طولانی شدن زمان سرمایه گذاری، افزایش فساد اداری، ایجاد رانت های اقتصادی و غیره، گردیده است. در این راستا، تاکنون سیاست های ویژه ای نیز برای این منظور ابلاغ شده است؛ ولی نتایج و بیانات رهبری نشان از عدم تحقق اقتصاد مردمی دارد. به همین دلیل، تاکید رهبر معظم انقلاب طی چندسال اخیر بیشتر متوجه اقتصاد و افزایش تولید به کمک مشارکت دادن مردم و کاهش تصدی گری دولت بوده است؛ تا از این طریق بتوان ضمن سهم شدن بیشتر آحاد جامعه از اقتصاد کشور و ایجاد عدالت اجتماعی، جهش تولید نیز اتفاق بیافتد. البته جهش تولید باید در همه حوزه ها اعم از جهش در حوزه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره اتفاق بیافتد تا به واسطه این جهش، ایران قوی و مقتدرتر از گذشته در عرصه داخلی و بین المللی در زمینه های مختلف بوجود آید.

بنابراین، اهمیت و شناخت دقیق موضوع و عدم وجود پژوهش های کافی در این حوزه، ما را بر آن داشت تا به مطالعه دقیق و بررسی اقتصاد مردم پایه پردازیم و الزامات و راهکارهای لازم جهت تحقق آن را ارائه نماییم. در تدوین کتاب حاضر سعی شد به بررسی موضوعاتی نظیر؛ بررسی شعار سال، مفهوم شناسی جهش تولید با مشارکت مردمی، مبانی اصل ۴۴ قانون اساسی، بررسی وضعیت کشور و استان خراسان جنوبی در اقتصاد مردم پایه، بررسی تجربیات سایر کشورها و ارائه الزامات و راهکارها تحقق این مهم، پرداخته شود. در هر صورت، تدوین این کتاب، می تواند گام اساسی در مسیر شناخت اقتصاد مردم پایه برای مدیران و تصمیم گیران باشد. با این حال، از آنجائی که تدوین و تالیف کتاب با بهره گیری از آمار و اطلاعات موجود و در دسترس صورت گرفته است؛ این امکان وجود دارد که به صورت جزئی اشکالاتی در کتاب وجود داشته باشد که از کلیه اندیشمندان، محققان، مدیران و صاحب نظران محترم تقاضا می گردد ما را از پیشنهادها و رهنمودهای ارزنده خود بهره مند نمایند. در پایان، پس از حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال به دلیل توفیق انجام این تکلیف، جا دارد از زحمات و تلاش های بی پایان همه مدیران و کارشناسان دستگاه های اجرایی و همکاران در معاونت اقتصادی این اداره کل که با تلاش خود این مجموعه را گردآوری نموده اند، تشکر و قدردانی نمایم.

مرتضی ذاکریان

نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

امام خمینی (ره): این را مکرراً گفتم که به شرکت دادن مردم در امور توجه کنید. اگر یک کشوری را بخواهید اداره کنید تا شرکت مردم نباشد نمی‌توان اداره صحیحی داشت. وقتی بنا باشد مردم در کارها شرکت کنند، مایع رشد اسلام و شما می‌شوید. مردم را در همه امور شرکت بدهیم، دولت به تنهایی نمی‌تواند این بار بزرگی که الان بر دوش ملت است بردارد همه اعتراف دارند که بدون ملت ما نمی‌توانیم. این ملت را از دست ندهید، نگهش دارید.



رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی): هم تجربه به ما نشان می‌دهد و هم بیانات و معارف اسلامی تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. يَدْ اللّٰه مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی هم هست؛ نشانه و نمونه‌ی آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه‌ی آن خود انقلاب، و نمونه‌ی آن گذر از گردنه‌های دشوار است. چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه‌ی اقتصادی به این کمتر بها دادیم. بنابراین، باید موانع حضور مردم در بخش تولید برطرف شود و ظرفیت‌های بزرگ مردمی فعال شوند. اگر چنانچه بتوانیم نه در حرف که دائماً گفته‌ایم، بلکه در عمل مشارکت مردم را جلب کنیم، رشد تولید قطعی خواهد بود. آن چیزی که قطعاً رشد تولید را به وجود می‌آورد، حضور مردم در تولید است.

رئیس جمهور شهید آیت الله رئیسی: باید بستر را برای مشارکت مردم فراهم کنیم. کار دولت هدایت، حمایت و نظارت است. هر جا که دولت خودش ورود می‌کند کار دشوار می‌شود، اما هر جا نظارت و حمایت کرد، بخش خصوصی موفق عمل کرد. رضایت مردم زمینه رضایت پروردگار است. باید کارها به گونه‌ای باشد که رضایت مردم فراهم شود. بنابراین مردمی‌سازی یعنی آسان کردن و تسریع زمینه حضور مردم در عرصه‌های مختلف است. لذا مشارکت مردم در حوزه اقتصادی باید به صورت جد دنبال شود و در واقعیت به آن جامه تحقق پوشاند و به مردم میدان داد.





دکتر خاندوزی؛ وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی: مردمی

سازی اقتصاد یکی از عناصر مهم در الگوی حکمرانی انقلاب است. بنابراین، باید ظرفیت‌های مردم استفاده کنیم. در حقیقت، مردمی سازی اقتصاد در نگاه ساده به این معناست که بتوانیم ارتباط و اقناع بیشتری با خواست و رفع مشکلات مردم داشته باشیم. مردم‌داری یعنی از ظرفیت مردم در اتخاذ و اجرایی کردن سیاست‌ها و پیاده سازی و اصلاح امور استفاده کنیم. در مردمی سازی اقتصاد، مردم نقش بهره‌بردار از فعالیت اقتصادی را دارند و در مرحله بعد مردم از بهره‌برداری به میدان‌دار تبدیل می‌شوند.



دکتر قناعت؛ استاندار محترم خراسان جنوبی:

برای شکوفایی اقتصادی نیاز است که همه چرخ دنده‌های بزرگ و کوچک را به‌کار اندازیم و از ابتکارهای مردمی استفاده کنیم. هر جا دولت زمینه حضور مردم را فراهم کرده و مردم در صحنه بودند توفیقات بیشتری حاصل شده است. با حضور مردم می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم و توطئه‌های دشمن را خنثی نماییم. بنابراین، باید بیش از پیش مقدمات حضور مردم در اقتصاد برای حرکت به سمت جهش تولید فراهم شود.



دکتر ذاکریان؛ نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی

استان: جهش به معنای حرکت رو به جلو با یک توان مضاعف و بیش از حد معمول است و یکی از ضروری‌ترین پیش نیازها برای جهش در اقتصاد، ایجاد انگیزه و امیدآفرینی است تا از طریق همگرایی و اتفاق نظر همه آحاد مردم و مشارکت آن‌ها در اقتصاد، اتفاقات خوبی رقم بخورد. در این راستا، در حوزه تولید باید سه رویکرد تثبیت و تقویت واحدهای فعال و موجود، پیگیری احیای واحدهای راکد و نیمه فعال و سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد توجه قرار گیرد، که تحقق این اهداف بدون مشارکت مردمی دشوار خواهد بود.



فهرست مطالب

فصل اول: بررسی شعار سال	۱
نگاهی بر نامگذاری سال‌های گذشته از سوی رهبر معظم انقلاب	۲
هدف از شعار سال ۱۴۰۳	۳
دلیل انتخاب کلیدواژه مشارکت مردمی	۴
آیا منظور از مردمی سازی اقتصاد، خصوصی سازی است؟	۵
تحقق شعار امسال ادامه دهنده اهداف شعار سال گذشته	۶
فصل دوم: مفهوم شناسی	۹
مفهوم جهش	۱۰
مفهوم تولید	۱۲
مفهوم مشارکت مردمی	۱۳
انواع مشارکت مردمی	۱۳
الف) مشارکت اقتصادی	۱۳
ب) مشارکت فرهنگی	۱۴
ج) مشارکت سیاسی	۱۴
ویژگی های مشارکت	۱۴
نقش مشارکت مردم در پیشرفت کشور	۱۵
سرمایه اجتماعی	۱۷
اقتصاد مقاومتی	۲۰
مفهوم اقتصاد مردمی	۲۳
فصل سوم: مبانی اصل ۴۴ قانون اساسی	۲۷
مبانی تاریخی	۲۸
مبانی قانونی و اجرایی	۲۹

۳۰	الف) مبانی قانونی.....
۳۲	ب) مبانی اجرایی.....
۳۲	مرحله اول) قبل از واگذاری.....
۳۲	مرحله دوم) حین واگذاری.....
۳۳	مرحله سوم) پس از واگذاری.....
۳۴	جایگاه اقتصادی مالکیت در شرع و قانون.....
۳۸	سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.....
۳۹	اهداف اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴.....
۴۱	برخی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی.....
۴۳	فصل چهارم: بررسی وضعیت کشور و استان خراسان جنوبی
۴۴	عوامل تولید.....
۴۴	۱. سرمایه یا منابع درآمدی.....
۴۵	۲. نیروی کار.....
۴۵	۳. تکنولوژی.....
۴۶	۴. انرژی.....
۴۷	۵. مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری.....
۴۹	۶. دانش محور بودن تولید(توجه به اقتصاد دانش بنیان).....
۵۰	۷. بهره وری تولید.....
	آیا سیاست کاهش هزینه دولت(به عنوان راهکاری برای کاهش حجم دولت) باید برای تمامی استان‌ها به یک
۵۲	شکل صورت گیرد؟.....
۶۰	آیا سیاست حمایت از تولید کننده برای جهش تولید کافی است؟.....
۷۳	تعارض منافع مدیران؛ مانعی برای جهش تولید.....
۷۶	اقتصاد دانش بنیان و توجه به زنجیره ارزش؛ راهکاری برای جهش تولید.....
۸۰	خصولتی سازی مانعی بر خصوصی سازی.....

رتبه بندی استان های در فراهم بودن شرایط تحقق اقتصاد مردم پایه	۸۲
فصل پنجم: تجربیات سایر کشورها	۸۵
الف) تجربه کشورها در اقتصاد مردم پایه	۸۶
کشور آلمان	۸۶
کشور ژاپن	۸۷
کشور مالزی	۸۸
ب) تجربه کشورها در جهش تولید	۸۸
کشور چین	۸۸
کشور کره جنوبی	۹۰
کشور ژاپن	۹۱
کشور مکزیک	۹۱
مقایسه وضعیت تولیدات در ایران و سایر کشورهای آسیایی پیشرفته	۹۱
فصل ششم: الزامات و راهکارها	۹۳
الف) الزامات و راهکارهای جهش تولید با مشارکت مردم از دیدگاه مقام معظم رهبری	۹۴
ب) الزامات و راهکارهای جهش تولید با مشارکت مردم از دیدگاه کارشناسان اقتصادی	۱۰۱
منابع و مآخذ	۱۰۶
الف) کتب و مقالات	۱۰۶
ب) مراکز و سازمان های ارائه دهنده آمار و اطلاعات	۱۰۸

فصل اول



نگاهی بر نامگذاری سال‌های گذشته از سوی رهبر معظم انقلاب

همانطور که از جدول زیر مشخص است، نامگذاری اکثر سال‌ها (از سال ۱۳۷۳) بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مرتبط با اقتصاد هست و هرچه از گذشته به امروز نزدیک می‌شویم شعارها رنگ و بوی اقتصادی‌تری گرفته‌اند و تاکید آن بیشتر بر محور تولید بوده است.

نگاهی بر نامگذاری سال‌های گذشته از سوی رهبر معظم انقلاب

سال	شعار سال	سال	شعار سال	سال	شعار سال
۱۳۷۳	وجدان کاری و انضباط اجتماعی	۱۳۸۴	همبستگی ملی و مشارکت عمومی	۱۳۹۵	اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل
۱۳۷۴	انضباط اقتصادی و مالی	۱۳۸۵	سال پیامبر اعظم (ص)	۱۳۹۶	اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال
۱۳۷۵	رعایت منابع مالی کشور و مبارزه با اسراف	۱۳۸۶	سال اتحاد ملی، انسجام اسلامی	۱۳۹۷	حمایت از کالای ایرانی
۱۳۷۶	مقابله با اسراف	۱۳۸۷	سال نوآوری و شکوفایی	۱۳۹۸	رونق تولید
۱۳۷۷	صرفه‌جویی	۱۳۸۸	سال حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف	۱۳۹۹	جهش تولید
۱۳۷۸	امام خمینی (ره)	۱۳۸۹	سال همت مضاعف و کار مضاعف	۱۴۰۰	تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها
۱۳۷۹	امام امیرالمؤمنین، علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)	۱۳۹۰	سال جهاد اقتصادی	۱۴۰۱	تولید دانش بنیان و اشتغال‌زدایی
۱۳۸۰	تلاش برای ایجاد اشتغال مفید و مولّد	۱۳۹۱	سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی	۱۴۰۲	مهار تورم، رشد تولید
۱۳۸۱	سال عزت و افتخار حسینی	۱۳۹۲	حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی	۱۴۰۳	جهش تولید با مشارکت مردم
۱۳۸۲	سال خدمت‌گزاری	۱۳۹۳	اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی	تاکید رهبر انقلاب بر تولید در چند سال اخیر	
۱۳۸۳	سال پاسخگویی	۱۳۹۴	دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی		

هدف از شعار سال ۱۴۰۳

هدف شعار سال

- بهبود اوضاع اقتصادی در همه مسائل کشور
- شکوفایی اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی
- ورود همت‌ها، سرمایه‌ها و ابتکارات ملت و استفاده از ظرفیت‌های پر توان، پر انگیزه و با شوق در سراسر کشور در بخش‌های مختلف علمی و حوزوی و فرهنگی و هنری
- پشتوانه‌ای قوی به واسطه حضور مردم و افزایش مشارکت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره
- سهیم شدن بیشتر مردم در اقتصاد
- کاهش بی‌ثباتی اقتصاد (مخصوصاً تورم) به واسطه افزایش تولید
- بهینه‌سازی الگوی مصرف
- افزایش بهره‌وری در عرصه‌های مختلف
- پیش‌بینی پذیر شدن اقتصاد
- وحدت ملی و اتحاد دل‌ها و عزم‌ها و اراده‌های مردم
- تقویت بنیه تولید داخلی
- استقلال و خودکفایی کشور

*** ایران قوی و مقتدرتر از گذشته در عرصه داخلی و بین‌المللی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره**
*** توسعه اقتصادی و رشد پایدار کشور**

دلیل انتخاب کلیدواژه مشارکت مردمی

چه در زمان انقلاب و قبل از آن و چه بعد از انقلاب و زمان جنگ عمده کارهایی که در کشور انجام به وسیله مردم صورت می گرفت. حضور در تظاهرات گسترده قبل از انقلاب، هزینه کردن از جان و مال برای پیروزی انقلاب، نهضت سوادآموزی بعد از انقلاب، شرکت در چندین انتخابات مختلف در سال بعد از انقلاب، حضور گسترده گروه‌های مردمی در جنگ، کمک مالی به جنگ جهاد سازندگی بعد از جنگ و غیره همه و همه فعالیت‌هایی بودند که کاملاً مردمی با استفاده از سرمایه و نیروی کاری و مدیریتی مردم صورت می پذیرفت و لذا مردم خود را مالک این کارها می دانستند؛ این احساس مالکیت در مردم انگیزه ایجاد می کرد و باعث می شد تا با شوق و تلاش مداوم فعالیت، کنند کاستیها را برطرف کنند و در شرایط سخت کشور، با شادی و رضایت به زندگی بپردازند.

اما هرچه از پایان جنگ گذشت امکان حضور مردم در اداره کشور در حوزه‌های مختلف چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی کاهش یافت. شرایط کشور به ثباتی نسبی رسید و فعالیت‌های اقتصادی گسترش یافت. اما این فعالیت‌ها را یا دولت می‌توانست انجام دهد یا سرمایه داران بزرگ؛ در نتیجه فرصتی برای نقش آفرینی مردم در این زمینه ایجاد نشد و هر چه می گذشت، مردم از روزهایی که مستقیماً در اداره کشور نقش داشتند به روزهایی میرسیدند که حضورشان در اداره کشور به انتخابات چند سال یکبار و حضور در تظاهرات و راهپیماییهای سالیانه کاهش یافته بود حدود ۲۰ نهاد مردمی که حضرت امام دستور تشکیل و تاسیس آنها را پس از پیروزی انقلاب داده بود رفته رفته دولتی شد و موقعیت‌های اثرگذاری مردم کمتر از گذشته شد؛ مثل جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی که تبدیل به وزارت شدند (جهاندیده و عباسی، ۱۳۹۱).

تحریمهای دشمن توانست در حوزه اقتصادی کشور را دچار مشکل کند. به این دلیل بود که بزرگترین عامل اقتصادی کشور دولت بود که با حجم گسترده در اقتصاد حضور داشت این سبب گردید تا دشمن با محدود کردن دسترسیهای دولت به اهدافش در فشار به مردم دست پیدا کند تا بتواند حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را وادار به کوتاه آمدن از آرمان‌هایش کند. این در حالیست که اگر اقتصاد ما اقتصادی مردمی بود و مردم در آن حضور موثری داشتند دیگر دشمن نمی‌توانست از تحریمهای اقتصادی نتیجه بگیرد. امام مدظله العالی خامنه ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۱ به این نکته تصریح کرده اند: «ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیبهایی از تحریم به اقتصاد ما به مسائل گوناگون ما وارد شده است؛ این آسیبها ناشی از چیست؟ انسان اگر چنانچه درست موشکافی کند میببیند این آسیبها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است. یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است، [یعنی] دولتی کردن اقتصاد؛ بیشتر ناشی از اینها است.»

حضور مردم در اقتصاد نیازمند بهبود شرایط توسط حاکمیت است تا مردم مایل و قادر به تولید و سرمایه گذاری در اقتصاد باشند و در این زمینه حرکت کنند. در واقع نقش اصلی حاکمیت و دولت در مردمی کردن اقتصاد،

تسهیل‌گری و سکنداری و هدایت و حمایت هوشمندانه است که تصدی‌گری دولت در حوزه‌های مختلف کاملاً بر خلاف این اهداف است. همچنین واگذاری تصدی بدون فراهم کردن شرایط نیز به نتیجه نمی‌رسد و در نتیجه حاکمیت باید علاوه بر ایجاد شرایط حضور مردم در اقتصاد که سبب ایجاد انگیزه آن‌ها می‌شود، به توانمندسازی مردم نیز بپردازد. چرا که اگر مردم توان نقش‌آفرینی در اقتصاد را نداشته باشند، نمی‌توانند حضور موثری داشته باشند^۱.

از طرفی همانطور که اشاره شد در سال‌های اخیر رشد اقتصادی کشور پس از یک دهه توقف، روند نسبتاً مناسبی را در پیش گرفته است و درآمد کشور به واسطه افزایش فروش نفت تا حدودی بهبود پیدا کرده است. اما اثرات تحریم‌های ظالمانه و نوسانات متغیرهای اقتصادی هنوز به طور کامل رفع نشده است و اعتبارات دولت آنقدر زیاد نیست که بتوان در همه بخش‌های اقتصادی فقط با تکیه بر این منابع سرمایه‌گذاری نمود و آن را جلو برد. از این رو رهبر معظم انقلاب سرمایه‌ای دیگر را مدنظر قرار داده‌اند تا این سرمایه در کنار دولت بتواند چرخ اقتصاد را به حرکت درآورد. سرمایه مدنظر رهبر انقلاب اقتصاد مردم پایه یا مشارکت مردمی در اقتصاد می‌باشد. بنابراین در این برهه زمانی که درآمدهای دولت محدود هست و خیلی از فعالیت‌های موجود برای دولت هزینه‌زا هستند، رهبر معظم انقلاب به مشارکت مردمی و سرمایه‌های اجتماعی توجه ویژه داشته‌اند تا از این طریق هم مردم کشور از اقتصاد سهم بیشتری داشته باشند و هم هزینه‌های دولت کاهش یابد.

آیا منظور از مردمی‌سازی اقتصاد، خصوصی‌سازی است؟

مردمی‌سازی اقتصاد به معنای خصوصی‌سازی نیست. مردمی‌سازی اقتصاد به معنای مشارکت گسترده مردم در فعالیت‌های اقتصادی است. اما خصوصی‌سازی به معنای واگذاری مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی است. خصوصی‌سازی یکی از راه‌های مردمی‌سازی اقتصاد است، اما تنها راه آن نیست. مردمی‌سازی اقتصاد می‌تواند از طریق اقداماتی انجام شود. اولاً دولت باید دخالت خود را در اقتصاد کاهش دهد و به مردم اجازه دهد تا نقش اصلی را در اقتصاد ایفا کنند. همچنین دولت باید فضای کسب و کار مناسب را برای مردم فراهم کند. این امر شامل تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، حمایت از تولیدکنندگان و کارآفرینان و کاهش هزینه‌های تولید است. دولت همچنین باید مردم را در زمینه اقتصاد آموزش دهد. این امر می‌تواند منجر به افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی شود. در این اقدامات، خصوصی‌سازی یکی از راه‌های کاهش دخالت دولت در اقتصاد است. اما مردمی‌سازی اقتصاد می‌تواند از طریق اقدامات دیگری نیز انجام شود. به عنوان مثال،

۱. با اقتباس از مقاله: یوسفی، احمدعلی؛ غفاری، مجتبی؛ (۱۳۹۵)، نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب)، پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، شماره ۱، صص ۱۱۳ تا ۱۴۲.

دولت می‌تواند با تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، زمینه را برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط فراهم کند. این کسب و کارها می‌توانند نقش مهمی در اشتغال زایی و تولید ایفا کنند.

هرچند برای تحقق این هدف اقداماتی صورت گرفته، اما اجرای مردمی سازی اقتصاد با چالش‌های زیادی نیز همراه بوده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به تحریم، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگ حاکم بر اقتصاد ایران، چالش‌های تامین مالی، بی‌ثباتی اقتصاد، نااطمینانی و ریسک بالای اقتصاد و غیره اشاره کرد.

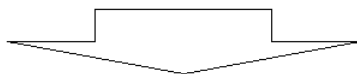
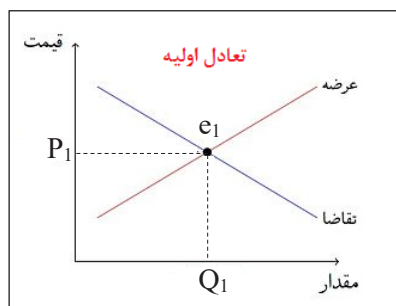
برای دستیابی به این مهم، کنترل نقدینگی و باز کردن فضا برای تولید بخش خصوصی، تنگ تر کردن فضا برای انجام فعالیت‌های غیرمولد نظیر دلالتی در کالاهای سرمایه‌ای و از همه مهم‌تر تعریف مسیر ورود سرمایه‌ها و نیز افزایش توان اقتصادی مردم به عرصه اقتصاد و تسهیل آن باید در اولویت قرار بگیرد. همچنین، وجود برخی ناترازی‌ها در بودجه عمومی ناشی از تصدی‌گری‌ها در دولت هست. این در حالی است که چابک سازی دولت از طریق برون سپاری‌ها به مردم و بخش خصوصی واگذاری می‌تواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی بیشتر و خروج از برخی تنگناها و در نتیجه جهش در اقتصاد کشور شود. همچنین، نظام بانکی کشور با اعطای تسهیلات به واحدها می‌تواند به بهبود شرایط تولید و تکمیل طرح‌های توسعه‌ای کمک کنند. انتظار می‌رود که بانک‌های تخصصی در تامین منابع اعتباری و حمایت از صنایع و واحدهای معدنی، تولیدی، کشاورزی و گردشگری و غیره همراهی بیشتری داشته باشند. در مجموع، مردمی سازی اقتصاد یک هدف بلندمدت است که تحقق آن نیازمند تلاش و همکاری همه جانبه دولت، مردم و بخش خصوصی است.

تحقق شعار امسال ادامه دهنده اهداف شعار سال گذشته

نکته‌ای که در خصوص شعار امسال وجود دارد این است که این شعار ادامه دهنده شعار سال گذشته می‌باشد. این مهم از دو طریق اتفاق می‌افتد: اولاً، افزایش مشارکت مردمی و حمایت دولت از این اقدام و تسهیل شروع کسب و کارها منجر به افزایش درآمد جامعه می‌شود که به دنبال این افزایش درآمد، تقاضا در جامعه افزایش پیدا می‌کند و منتج به رونق اقتصادی، تحرک بخش عرضه و رشد تولید می‌گردد. ثانیاً، با مشارکت مردمی و افزایش اشتغال و حرکت نقدینگی‌های جامعه از سمت فعالیت‌های نامولد به سمت فعالیت‌های مولد، افزایش تولید و عرضه در اقتصاد اتفاق می‌افتد، که به دنبال آن اشتغال افزایش یافته و تورم روند کاهشی در پیش خواهد گرفت و قدرت خرید مردم را افزایش خواهد داد. نتیجه این روند در نمودار بعدی قابل رویت است.

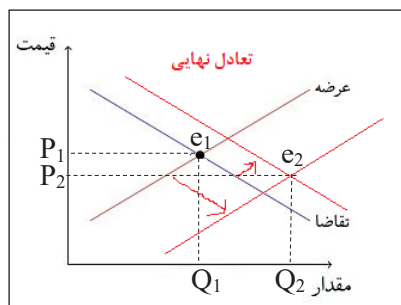
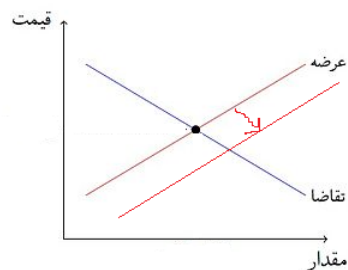
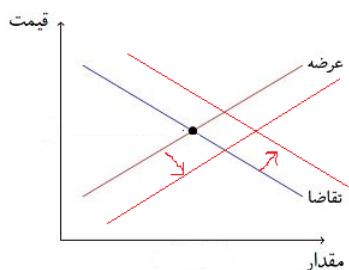
فصل اول - بررسی شعار سال

شعار امسال ادامه دهنده اهداف شعار سال گذشته



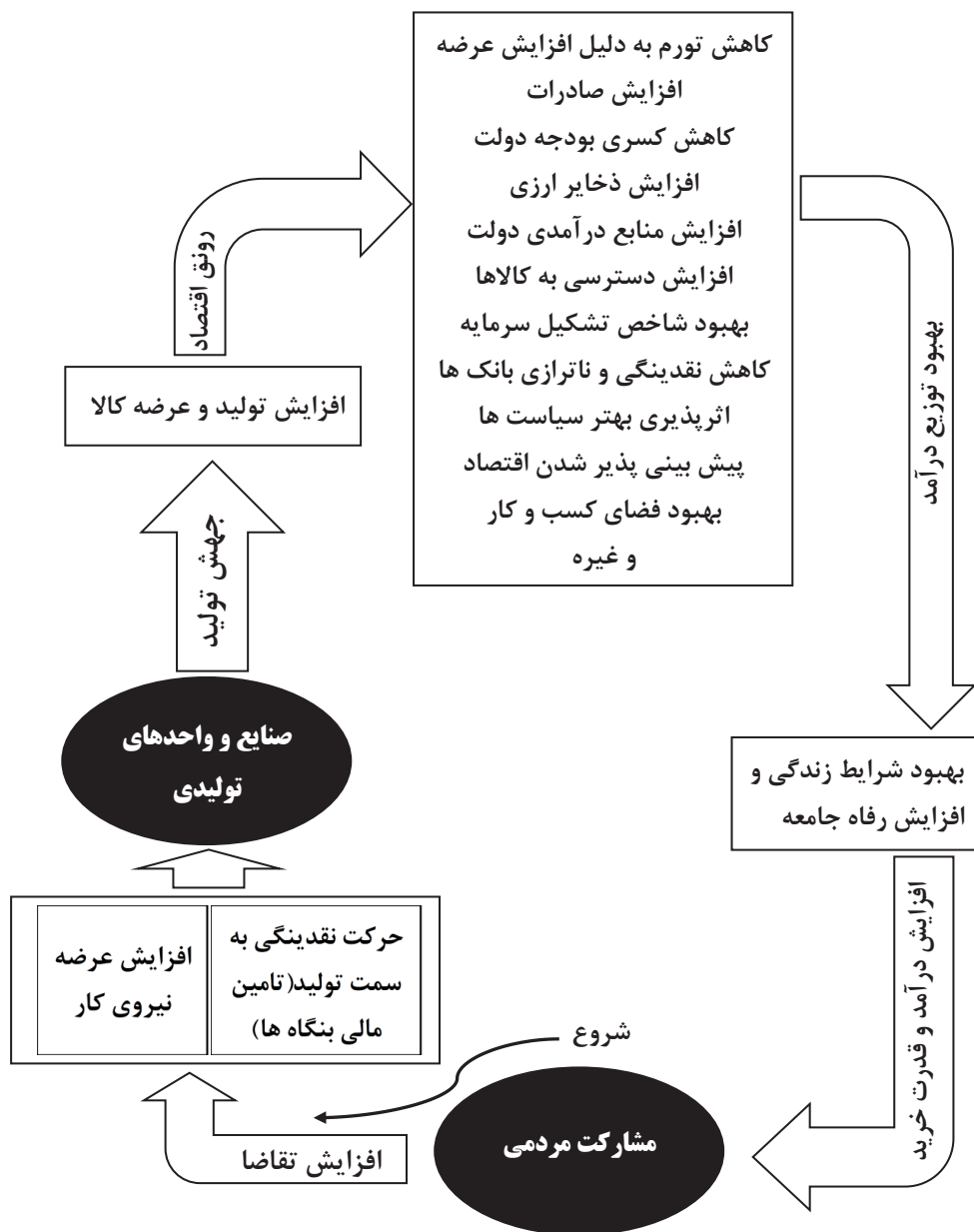
افزایش عرضه و تقاضا به دلیل بهبود منابع درآمدی جامعه به دلیل مشارکت مردم در اقتصاد و حمایت دولت از کسب و کارهای مردمی

افزایش تولید به دلیل حرکت نقدینگی های جامعه از سمت فعالیت های نامولد به سمت فعالیت های مولد



نقطه تعادل جدید (نقطه e_2) خواهد بود که نسبت به نقطه تعادل اولیه (e_1) دارای تولید بیشتر و قیمت کمتر است.

بر این اساس می‌توان مدل زیر را انتظار داشت:



فصل دوم



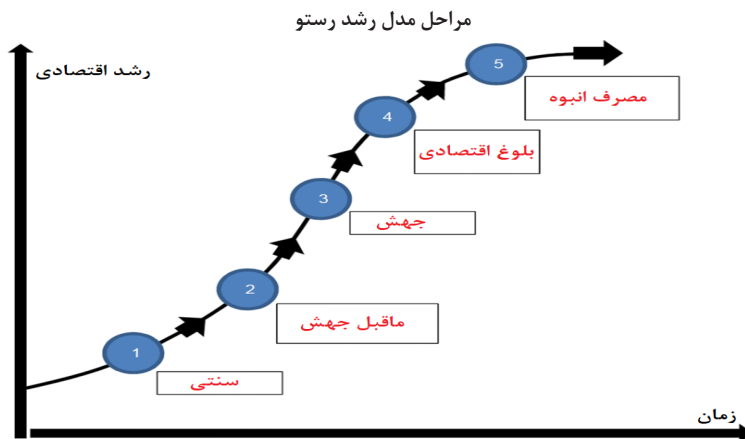
مفهوم جهش^۱

جهش در لغت به معنی جست و خیز، جهیدن و انجام یک پرش بزرگ یا حرکت ناگهانی و معمولاً از یک مکان به مکان دیگر می باشد (دایره المعارف معین، دهخدا، و فرهنگ لغت کمبریج). در اصطلاح، وقتی روند رشد یک متغیر را در بستر زمان مطالعه می کنیم، گاهی افزایش بوجود آمده به تدریج اتفاق افتاده است، اما گاهی به یکباره متغیر مورد نظر با یک افزایش محسوس و غیر قابل پیش بینی مواجه می شود؛ اقتصاددانان برای توصیف حالت دوم از تعبیر «جهش» استفاده می کنند (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای). بنابراین، جهش در تولید به معنی؛ جبران عقب ماندگی های حوزه های تولید با حداکثر سرعت در حداقل زمان ممکن می باشد.

اما جهش در علم اقتصاد به چه شکل است؟ اگر نگاهی به تئوری های اقتصاد توسعه داشته باشیم موضوع جهش اقتصادی را در نظریاتی مانند مدل رشد رستو می توانیم پیدا کنیم. این دیدگاه به پنج مرحله برای توسعه اقتصادی اشاره می کند که این مراحل به شرح زیر هستند:

۱. جامعه ی سنتی.
 ۲. شرایط ماقبل جهش اقتصادی که در آن شروط ضروری محقق شده اند.
 ۳. جهش اقتصادی (مرحله خیز).
 ۴. مرحله بلوغ اقتصادی (میل و خیز به سوی کمال).
 ۵. مرحله ی سطح بالای مصرف انبوه.
- هر کدام از این مراحل نشانگر وضعیت خاصی از توسعه اقتصادی یک کشور هست. این مراحل را می توان در نمودار زیر (نمودار S رستو) مشاهده کرد:

^۱. Leap (جهش تولید: Production leap)



بر اساس پژوهش های انجام شده (مانند کتاب؛ مدارهای توسعه نیافتگی اقتصاد ایران پرفسور حسین عظیمی) ایران در مرحله گذار اقتصادی است و نیازمند جهش تولید می باشد؛ که این موضوع را می توان در تاکیدات مقام معظم رهبری در شعار سال های گذشته به وضوح دید. به عبارتی رهبر انقلاب با تاکید بر شعار جهش اقتصادی، حرکت از مرحله گذار اقتصادی و رسیدن به بلوغ اقتصادی را مدنظر داشته اند.

اما نظریات مختلفی برای انجام جهش اقتصادی و حرکت به سمت مرحله بلوغ اقتصادی مطرح شده است که از مهم ترین آن ها می توان به نظریه فشار بزرگ (Big Push) یا همه جانبه (رشد متوازن) رودن-روزن اشتاین و نظریه رشد نامتوازن هیرشمن اشاره نمود.

نظریه فشار بزرگ یا رشد متوازن: در نظریه رشد متوازن روزن اشتاین به این موضوع اشاره شده است که با سرمایه گذاری کم در تمامی بخش ها یا سرمایه گذاری زیاد تنها در یک بخش اقتصاد، رشد و توسعه پدیدار نمی شود و برای رشد باید فشار بسیار بزرگی (مانند فشار زیادی که به هواپیمای در حال برخاستن از باند وارد می شود) به اقتصاد وارد گردد تا بتواند به نتیجه مطلوب برسد. به عبارتی باید در همه بخش ها سرمایه گذاری گسترده ای انجام شود. انتقادی که به این نظریه وارد می شود این است که اکثر کشورها (مخصوصاً کشورهای فقیر) منابع درآمدی کافی را برای سرمایه گذاری گسترده بر روی همه بخش ها ندارند.

نظریه رشد نامتوازن: هیرشمن با انتقاد به نظریه رشد متوازن بیان می کند که با توجه به محدودیت منابع درآمدی نیازی نیست در همه بخش های اقتصادی سرمایه گذاری انجام شود بلکه کافی است در بخش هایی سرمایه گذاری انجام شود که دارای پیوند پیشین و پسین قوی در اقتصاد هستند و به نوعی جزء بخش های پیشرو یا پیشران اقتصاد محسوب می شوند.

اما، با توجه به شعار سال نگاه رهبر انقلاب برای حرکت از مرحله جهش به سمت بلوغ اقتصادی چیست؟ در سال های اخیر رشد اقتصادی کشور پس از یک دهه توقف، روند نسبتاً مناسبی را در پیش گرفته است و درآمد کشور به واسطه افزایش فروش نفت تا حدودی بهبود پیدا کرده است. اما اثرات تحریم های ظالمانه و نوسانات متغیرهای اقتصادی هنوز به طور کامل رفع نشده است و اعتبارات دولت آنقدر زیاد نیست که بتوان در همه بخش های اقتصادی فقط با تکیه بر این منابع سرمایه گذاری نمود و آن را جلو برد. از این رو رهبر معظم انقلاب سرمایه ای دیگر را مدنظر قرار داده اند تا این سرمایه در کنار دولت بتواند چرخ اقتصاد را به حرکت درآورد. سرمایه مدنظر رهبر انقلاب اقتصاد مردم پایه یا مشارکت مردمی در اقتصاد می باشد. بنابراین در این برهه زمانی که درآمدهای دولت محدود هست و خیلی از فعالیت های موجود برای دولت هزینه زا هستند، رهبر معظم انقلاب به مشارکت مردمی و سرمایه های اجتماعی توجه ویژه داشته اند تا از این طریق هم مردم کشور از اقتصاد سهم بیشتری داشته باشند و هم هزینه های دولت کاهش یابد.

مفهوم تولید

در علم اقتصاد مفهومی با عنوان تولید ملی مطرح است که به ارزش پولی همه ی کالاها و خدماتی که در دوره ی معینی، معمولاً یک سال، در کشوری تولید شده، گفته می شود در این تعریف تولید ملی یک جریان در واحد زمان است و معمولاً بر حسب دلار در سال پوند در سال، و مانند اینها بیان می شود و درآمد ملی به ارزش پولی تمامی درآمدهایی که در دوره ی معینی در کشوری در جریان تولید، کسب شده گفته می شود و در این حیث هزینه ملی به ارزش پولی تمام هزینه هایی که در دوره ی معینی در کشوری پرداخت شده است گفته می شود. اما حمایت از تولید ملی، مفهوم جدیدی است که ما در این تحقیق مطرح نموده ایم. این مفهوم از یک طرف ریشه در مفاهیم اقتصادی دارد و از طرف دیگر وابسته به بستر و زمینه ای اجتماعی است. حمایت از تولید ملی، اشاره به حمایت شهروندان از تولیدات داخلی دارد، یعنی حمایت از محصولاتی که در داخل کشور و براساس تکنولوژیهای موجود در کشور ساخته می شود و در عرف به آن «ساخت ایران» گفته می شود حمایت شهروندان از تولید ملی از یک طرف اشاره به اعتماد شهروندان به کیفیت خدمات پس از فروش و قیمت محصولات تولید داخل کشور دارد و از طرف دیگر این حمایت می تواند با حمایت شهروندان با خریداری محصولات داخلی و یا پیشنهاد محصول به دیگران و یا سرمایه گذاری بر روی محصولات داخلی توأم باشد.

مفهوم مشارکت مردمی^۱

مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر میسازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگیشان تأثیر قاطع بگذارند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند (انصاری، ۱۳۹۰). مشارکت مردمی به معنای همکاری داوطلبانه شهروندان در برنامه‌ریزی جوامع می‌باشد و موجبات توسعه اقتصادی را در تمامی ابعاد فراهم می‌آورد. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می‌توانند با افزایش مشارکت مردمی بسته به شرایط در سطوح مختلف استفاده نمایند تا از این طریق، دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی را تسریع بخشند و در نتیجه علاوه بر کاهش هزینه در تأمین مالی پروژه‌ها، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی را بالا برند و با توسعه فرهنگ مشارکت در جامعه و جلب اعتماد شهروندان، چشم‌اندازهای سرمایه‌گذاری تحقق بخشند. به عبارتی، مردمی کردن اقتصاد به معنی سهم کردن همه مردم در تولید ثروت مولد و توزیع آن است. یعنی تمامی امکانات را به گونه‌ای تجهیز شود که تک‌تک ایرانیان امکان داشته باشند در گردونه تولید مولد اقتصاد حضور پیدا کرده و نقش ایفا کنند. به عبارتی، مشارکت به این معناست که مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از نزدیک در فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، درگیر شوند و به طور مداوم به تصمیم‌گیری و قدرت دسترسی داشته باشند. مردمی‌سازی اقتصاد به معنای ایجاد زمینه برای مشارکت گسترده مردم در فعالیت‌های اقتصادی است. این مشارکت می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری، تولید، کارآفرینی و مصرف صورت گیرد.

انواع مشارکت مردمی

مشارکت مردم دارای انواع مختلفی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد.

الف) مشارکت اقتصادی

در واقع مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند (غفاری، ۱۳۸۰). مشارکت اقتصادی با فرایند تولید و نظام‌های تولیدی رابطه تنگاتنگ دارد. تعاونی‌ها سازمان یافته‌ترین اشکال مشارکت اقتصادی اند. در کل می‌توان ادعا کرد که منظور از مشارکت اقتصادی حضور آگاهانه و مختارانه اقشار مختلف مردم در جهت تولید، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری بیشتر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلانی

^۱ people's participation

و بهینه از منابع مادی، طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است (سعیدی، ۱۴۰۱).

ب) مشارکت فرهنگی

یکی از محورهای اصلی توسعه را باید مشارکت فرهنگی دانست. اگر بنا باشد توسعه فرهنگی تحقق یابد باید فرهنگ از وضعیتی که در آن به شکل کالایی لوکس مطرح است خارج شود و در دسترس همگان به ویژه گروه‌های محروم اقتصادی، اجتماعی قرار گیرد. مشارکت فرهنگی بهره‌مندی و بهره‌گیری عموم مردم از مجموع کالاهای، تجهیزات اشیاء و محتوای فرهنگی را ممکن می‌کند. عوامل متعددی می‌تواند مشارکت مردم به ویژه جوانان را به عنوان سرمایه‌های انسانی در فعالیتهای فرهنگی تحت تأثیر قرار دهد. بدیهی است برای بررسی این عوامل به آگاهی از شیوه‌های رفتاری مردم، علاقه، نگرش و انگیزه آنان نسبت به فعالیتهای فرهنگی و شناخت موانع و محدودیتهای مشارکت فرهنگی نیاز است. به طور کلی مشارکت فرهنگی، بهره‌مندی و بهره‌گیری عموم مردم از منابع فرهنگی تعریف می‌شود. منظور از منابع فرهنگی، در معنای وسیع کلمه مجموع کالا و اشیای در دسترس است که انجام فعالیتهای فرهنگی را ممکن یا تسهیل می‌کند. فعالیتهای فرهنگی، فعالیت‌هایی هستند که اعضاء یک جامعه از طریق آن، استعدادهای خود را توسعه و شخصیت خود را گسترش می‌دهند (جوانی وادیپ، ۱۳۹۰).

ج) مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی مجموعه فعالیتهای قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش قصد دارند به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنان اثر بگذارند. تعاریف مقام معظم رهبری از مشارکت چنین است: «مشارکت مردم یعنی حکومت بار اداره جامعه را به تنهایی بر دوش نگیرد بلکه با کمک مردم بگیرد که این بسیار منطقی است» (جهانپنده و عباسی، ۱۳۹۱). در نظام جمهوری ایران مشارکت سیاسی به معنای حق دخالت مردم در امر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظارت بر آنها با توجه به اصل قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. این مشارکت مبتنی بر اصول قانونی مذهبی و عرفی حاکم بر روابط اجتماعی مردم ایران است. مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است.

ویژگی‌های مشارکت

از جمله ویژگی‌هایی مشارکت مردم در اقتصاد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مشارکت مشروط به برابری انسان ها و منوط به آزادی آنهاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای تأثیرگذاری بر سیاست ها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند.
- مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیزی نیازمند اقدام آگاهانه است. مشارکت امری تحمیلی یا دعوتی نیست بلکه نوعی توان بخشی به گروه های ضعیف توأم با مشکلات است. چنین شرایطی نه فرمایشی است، نه وضع کردنی، بلکه باید آن را به دست آورد. یعنی امتیاز نیست که حکومت به اتباع خویش می دهد بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند.
- مشارکت فعالیت کمی و کیفی و دارای درجاتی است. لذا گستره و ژرفای آن متغیر و در عین حال مهم می باشد. وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب پذیر می گرداند.
- مشارکت دارای پیامدهای دوسویه است و چنانچه بنا باشد مؤثر واقع گردد، مستلزم تغییراتی در اندیشه و عمل است که باید از درون جامعه بجوشد و در قالب های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد.

نقش مشارکت مردم در پیشرفت کشور^۱

امروزه به مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک ناپذیر توسعه نگریسته می شود. پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در تحقق آن، قبول ویژگیهای عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی و حسابگری و برنامه ریزی نهفته است. به طوری که در تنظیم روند هر نوع توسعه لازم است بین اهداف و وسایل دست یابی به آنها هماهنگی ایجاد شود و تمامی این منابع در ابعاد مختلف خود ارزش گذاشته شود. به عبارتی مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می باشد که به نقش فعال و خلاق و اثر بخش مردم در روند توسعه توجه دارد. در بررسی برنامه ها عدم بهرمندی از مشارکت مردم به عنوان عامل اصلی شکست برنامه های توسعه ارزیابی شده است. مشارکت مردم در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در درجه نخست از طبع اجتماعی انسان و منابع فراوان حاصل از این کارکرد ریشه می گیرد. عنصر اجتماعی در جامعه، علایق مشترکی را پدید می آورد که حفظ و پاسداری از آنها امر مشارکت را برای هر یک از افراد جامعه اجتناب ناپذیر می سازد. مشارکت در امور اجتماعی نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت یا ممکن است در قالب فعالیت معین و نامحدودی صورت پذیرد (مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی) یا اینکه ساختار حقوقی و اقتصادی به خود گیرد. اعضای جامعه به دلیل دارا بودن نقشهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی خود در حکم گلبولهای قرمز و سفید بدن انسان هستند. همان گونه که

۱. با اقتباس از مطالعه جهانپنده و عباسی، ۱۳۹۱

افزایش یا کاهش گلوبولهای یاد شده به بدن آسیب میرساند، نارسایی در مشارکت، سیاسی اجتماعی و اقتصادی نیز باعث ایجاد مشکلاتی می‌شود.

مردم به شکل ملموس و واقعی با امور اجرایی برخورد نموده و از این رو شکاف آنان از دستگاه‌های دولتی، دولت‌های محلی و نیز تعارض منافعشان رو به کاهش خواهد گذاشت. یکی از با ارزشترین جنبه‌های مشارکت این است که علاوه بر تشویق به حداکثر تلاش و کوشش افراد عواملی نظیر ابتکار، خلاقیت و سازندگی افراد را نیز شکوفا می‌کند. شوق به انجام کار گروهی و مسئولانه، افراد را وادار می‌کند که بر هر مشکلی، بهترین و عملی‌ترین راه حل را پیدا کنند و در شرایط خاص مدیریت را دوست و همفکر و همکار صمیمی گروه به حساب آورد و دوشادوش او فعالانه تلاش و همکاری کنند. مشارکت مردم احساس مسئولیت افراد را برمی‌انگیزاند و انگیزشی برای همکاری برای آن‌ها به وجود می‌آورد. مشارکت عامل تقویت بنیانهای اعتقادی و عامل بروز شکوفایی افکار و ایده هاست.

تدوین راهبردهای مبتنی بر سازماندهی مردم در رابطه با سیاست‌ها و خط مشی‌هایی که در جهت کسب حداکثر مشارکت مردم تنظیم می‌گردند از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. البته باید اشاره نمود که سیاست‌های مشارکتی به خودی خود و بدون همراهی سیاست‌هایی که در جهت برقراری تساوی و عدالت اقتصادی مطرح می‌شوند قادر نخواهند بود تأثیر مثبتی بر مطلوبیت و کارایی ارگانها و نهادها در جامعه داشته باشند.

مشارکت مردمی از جمله برنامه‌های ایده آل و راهبرد های این انقلاب اسلامی دربره کنونی هست که اگر به شکل حساب شده و رعایت تمامی جوانب آن مورد بهره برداری قرار گیرد؛ بدون شک نظام اسلامی ایران را به پیشرفت‌های چشم‌گیری، در ابعاد مادی و معنوی نظام خواهد رسانید و قله‌های تکامل و سعادت رادر سطحهای جهانی فتح خواهد نمود و مملکت را از گزند و آسیبهای داخلی و خارجی مصون خواهد داشت. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) مردم را مهم‌ترین عامل در پیشرفت و تکامل جامعه و تحقق برنامه‌های مورد نظر میداند و در مورد نقش و جایگاه مردم در این باره چنین می‌فرماید «این را مکررا گفتم که به شرکت دادن مردم در امور توجه کنید. اگر یک کشوری را بخواهید اداره کنید تا شرکت مردم نباشد نمی‌توان اداره صحیحی داشت. وقتی بنا باشد مردم در کارها شرکت کنند، مایع رشد اسلام و شما می‌شوید. مردم را در همه امور شرکت بدهیم، دولت به تنهایی نمی‌تواند این بار بزرگی که الان بر دوش ملت است بردارد همه اعتراف دارند که بدون ملت ما نمی‌توانیم. این ملت را از دست ندهید، نگهش دارید». همچنین، مقام عظمای ولایت و رهبری، ملت و مردم را عامل اساسی پیشرفت جامعه و تحقق برنامه‌ها و اهداف نظام میدانند و چنین می‌فرمایند: «ملت ایران باید با ساختن جامعه نمونه که در آن پیشرفتهای مادی و علمی به همراه معنویت و اخلاق در سطح عالی است الگوی

کامل از نظام اسلامی را به جهانیان ارائه کند.... و باید گفت که این مشارکت مردمی و حمایت آنان است که می‌تواند چنین چشم اندازی را به منصف ظهور گذارد».

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به روابط میان افراد در شبکه های اجتماعی هنجارهای عمل متقابل و قابلیت اعتمادی که از آن‌ها ناشی می‌شود، اشاره دارد. در این معنی، سرمایه اجتماعی به طور دقیقی با آنچه برخی اخلاق مدنی نامیده اند، ارتباط دارد و دستیابی به منافع مشترک را تسهیل می‌کند (بانک جهانی). در برخی پژوهش‌ها سرمایه اجتماعی شامل نهادها، روابط گرایش‌ها، ارزشها و هنجارهایی معرفی شده است که بر رفتارها و تعاملات بین افراد حاکم است. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند. این تعاریف به گونه‌ای شامل تمام تعاریفی است که تا به حال از سرمایه اجتماعی ارائه شده است. چو^۱ معتقد است که سرمایه اجتماعی شامل سه سطح است:

الف) سطح خرد: در برگیرنده جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های روابط اجتماعی افراد خانواده‌ها ارزشها و هنجارهای مرتبط با آن است که تأثیرات مثبت یا منفی بر اجتماع به مثابه یک کل دارد. سرمایه اجتماعی در سطح خرد به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱) سرمایه اجتماعی درون گروهی: سرمایه اجتماعی درون گروهی از پیوندهای اجتماعی نیرومندی که مبتنی بر روابط خانوادگی خویشاوندی جنسیت، قومیت و دین است، ناشی می‌شود.
- ۲) سرمایه اجتماعی برون گروهی: سرمایه اجتماعی برون گروهی، بر روابط و پیوندهای اجتماعی ضعیف میان اعضای جامعه مبتنی است. در این نوع از سرمایه اجتماعی ارزشهای مشابه و ویژگیهای همسان افراد را به هم نزدیک نمی‌کند. در میان مردمی که ناهمگن هستند و هویت‌های متفاوتی دارند، پیوندهای اجتماعی ضعیف به چشم می‌خورد. البته وقتی در این نوع از سرمایه اجتماعی از پیوند اجتماعی ضعیف سخن گفته می‌شود، بدان معنی نیست که این یک ویژگی منفی است، بلکه این شکل از پیوند اجتماعی، عامل قوت سرمایه اجتماعی برون گروهی محسوب می‌شود که روابط اجتماعی آن باز و داوطلبانه است. این سرمایه اعتماد عام را تولید می‌کند و روابط میان افراد مختلف را تسهیل می‌بخشد.

^۱ chau

ب) سطح میانی: شامل روابط عمودی و افقی در بین افراد و گروه های مختلف مانند شرکت های تجاری می شود. روابط عمودی میان افراد و شرکت های مختلف، به وسیله روابط سلسله مراتبی و توزیع نابرابر قدرت میان اعضا مشخص می گردد.

ج) سطح کلان: این سطح شامل سرمایه اجتماعی محیط سیاسی و اجتماعی می شود که ساختار اجتماعی را شکل می دهد و امکان گسترش هنجارها را فراهم می آورد. در این سطح، روابط و ساختارهای نهادی و رسمی مانند رژیم سیاسی حاکمیت قانون، نظام قضایی، آزادیهای مدنی و سیاسی وجود دارند.

سرمایه اجتماعی را در اقتصاد هر کشور می توان در اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی جامعه تعریف کرد. سرمایه اجتماعی ضمن شکل دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می دهد و کمک می کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند باهم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی دست یابند. در واقع، سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی ها و همسانی های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل شده، در خدمت منافع اقتصادی قرار می گیرد و بستر و فضایی ایجاد می کند که ضمن کاهش هزینه های استفاده از نیروهای انسانی، تعامل بین آنها نیز افزایش یابد. سرمایه اجتماعی با قواعد و ارزش های اخلاقی و رفتاری خود در حوزه اقتصاد، افراد را مقید می کند تا در گروه های مختلف اجتماعی باهم به تعامل، مبادله و تصمیم گیری بپردازند. می توان از واژه هایی مانند اعتماد، امانت داری، نیکوکاری، خیر بودن، صداقت و توجه به ارزش های مذهبی در کسب و کار، به عنوان سرمایه های اجتماعی در حوزه اقتصاد یاد کرد که اگر در رفتارها و قواعد و مبادلات اقتصادی و هنجارهای آن حاکم شود، می تواند به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک کند؛ زیرا وجود عاملی به نام اعتماد، موجب شکل گیری گروه هایی می شود که با اطمینان به یکدیگر، در حوزه اقتصاد جامعه فعالیت می کنند. اما بعد از اعتماد می توان از خلاقیت و نوآوری توسط نیروهای انسانی، به عنوان یک سرمایه مهم اجتماعی دیگر، یاد کرد. رشد و توسعه اقتصادی، نیازمند خلاقیت است و مطالعات اقتصادی نشان می دهد که بخش اعظمی از رشد و توسعه اقتصادی هر کشور با استفاده از این ثروت نهفته، شکل گرفته است. رشد ابداعات، خلاقیت و نوآوری در بهره وری اقتصادی، نقش دارد و باعث می شود از سرمایه های دیگر کشور در حوزه اقتصاد به نحو مطلوب و مؤثرتری استفاده شود.

سرمایه اجتماعی باعث انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در بین شهروندان شده و هر گونه کاهش در آن منجر به کاهش مشارکت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می شود. یکی از سرمایه های مهم هر جامعه و شهری که از مولفه های اساسی و مؤثر در توسعه و ثبات، پویایی و سرزندگی آن شهر محسوب می شود، سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه ای که زیر بنای توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یک کلانشهر

و حتی یک کشور است. اهمیت این سرمایه، به میزانی است که از آن به عنوان ثروت نامرئی یک جامعه یاد می کنند. هر گونه کاهش در آن، منجر به کاهش مشارکت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می شود و همچنین رشد آسیب ها و جرائم اجتماعی، بی اعتمادی، یأس و ناامیدی و احساس محرومیت نسبی و بسیاری از ناهنجاری ها نتیجه تقلیل سرمایه اجتماعی در بین شهروندان یک کلانشهر است.

از سرمایه اجتماعی، به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه و شهری یاد می کنند. اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی یک جامعه، تا حدی است که می توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمام جوامع توسعه و شهرهایی که در صدر جدول توسعه یافتگی قرار دارند، به طور آشکاری مشاهده کرد. پاما متأسفانه با وجود تمام موفقیت ها، مبحث سرمایه اجتماعی نتوانسته است جایگاه شایسته خود را در حوزه اقتصاد پیدا کند و هنوز شاخص فراگیری که بتواند میزان سرمایه اجتماعی و تحولات آن را در یک شهر اندازه گیری کرده و نوسانات آن را اداره کند، در دسترس نیست. سرمایه اجتماعی، یک متغیر چندوجهی است و لازم است که این عامل مهم و زیربنایی در حوزه اقتصاد، هر چه بیشتر شناخته و اندازه گیری شده و هر چه بهتر، مورد بهره برداری قرار گیرد.

مهم ترین سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی، مشارکت شهروندان در صحنه های گوناگون سیاسی است. این سرمایه اجتماعی (یعنی حمایت مردم از مدیریت شهری) یکی از مصادیق بارز موفقیت در توسعه سیاسی است و نماد آن نیز شرکت آگاهانه مردم در عرصه های مختلف مانند انتخابات شوراهای اسلامی شهر است. عوامل مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی برای توسعه سیاسی نقش دارند که عبارتند از:

- آگاهی: زمانی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه نمی شوند، از اجتماع خود دور هستند و بنابراین، شناخت کافی از مسائل و نیز قدرت انتخاب و فرصت مشارکت در تصمیم گیری و مدیریت شهر خود را ندارند. بدین ترتیب، توسعه سیاسی، عملاً غیرممکن می شود.
- اعتماد: زمانی که اعتماد عمومی در بین شهروندان بالا باشد، اساس سرمایه اجتماعی فراهم می شود اما در صورت پایین بودن این اعتماد، شکل گیری توسعه اجتماعی، غیرممکن خواهد بود. عدم اعتماد نیز می تواند ناشی از دو عامل باشد؛ سابقه نامطلوب اقدامات نهادهای اجتماعی و نخبگان و مدیران شهری و یا فقدان اعتماد جامعه به توانایی های خودش.
- مشارکت: با مشارکت تمام شهروندان در سرنوشت خود و همه امور مربوط به خود، سرمایه اجتماعی پدید می آید. افراد، با چنین اقداماتی، به پیشرفت و توسعه شهر کمک می کنند و اگر این سرمایه اجتماعی افزایش یابد، توسعه سیاسی نیز به تدریج، اتفاق می افتد.

سرمایه اجتماعی، زیربنای توسعه فرهنگی در هر جامعه نیز محسوب می‌شود. هر چه سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های فرهنگی تقویت شود، توسعه فرهنگی نیز سرعت بیشتری به خود می‌گیرد و در نتیجه رفتار شهروندان و نحوه تعاملات آن‌ها قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود؛ چرا که افراد، در چارچوب قواعد خاص فرهنگی، رفتار می‌کنند و این رفتار حساب شده، منجر به گسترش اعتماد بین شهروندان می‌شود و با افزایش قابلیت اعتماد در بخش‌های مختلف فرهنگی، مناسبات اجتماعی و فرهنگی هم، روان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌شود. روشنفکران، دانشمندان، پژوهشگران، فناوران، مدیران، نویسندگان و عموم تولیدکنندگان علم در هر شهری، از سرمایه‌های مهم اجتماعی در حوزه فرهنگ، محسوب می‌شوند که باید مورد شناسایی و حمایت و بهره‌برداری قرار گیرند تا آن‌ها نیز به شکوفایی شهر کمک کنند. با سقوط این سرمایه‌ها، ارزش‌های اخلاقی و حتی دینی هم تنزل می‌یابند. تأکید مدیریت کنونی شهر تهران در تبدیل شهرداری به یک نهاد اجتماعی و فرهنگی نیز از همین روست.^۱

بنابراین، فقدان سرمایه اجتماعی در لایه‌های مختلف اجتماع نیز مشکلات بسیاری را به همراه دارد. وجود سرمایه اجتماعی، شرط لازم - و نه کافی برای نتیجه بخشی سرمایه‌ها و سیاست‌های اقتصادی است بررسی دقیق تر سرمایه اجتماعی، ما را به این مطلب میرساند که بدون این سرمایه هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد (رنانی، ۱۳۸۱). نتایج مطالعاتی مانند مکیان و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا، شاخص‌های حکمرانی خوب، دسترسی به اینترنت، میزان ثبت‌نام در آموزش عالی و نرخ مشارکت زنان اثر مستقیم و معناداری بر رشد اقتصادی دارد و شاخص فساد دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی است. در کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین، شاخص فساد اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی دارد.

اقتصاد مقاومتی

کشور ایران در طی زمانهای مختلف از جانب کشورهای غربی بارها تحریم شده است. نخستین تحریم علیه ایران در زمان نخست وزیر محمد مصدق در واکنش علیه ملی شدن صنعت نفت ایران صادر شد. از جمله سایر تحریم‌ها می‌توان به تحریم سال ۱۹۸۰ آمریکا در واکنش به تصرف سفارت آمریکا، تحریم ۱۹۹۵ بیل کلینتون و قطع مرودات بخش انرژی، شروع بخش جدیدی از تحریم‌ها بصورت تحریم افراد و سازمانهای غیردولتی از سال ۲۰۰۱، تحریم شرکت‌های تجاری خارجی که با ایران مبادلات داشتند از سال ۲۰۱۰، تحریم به بهانه مباحث هسته‌ای از سال ۲۰۱۲ و در آخرین اقدام نیز به تحریم‌های شدید دولت‌های غربی به بهانه‌های مختلف می‌توان اشاره نمود. سیاست کشور در پاسخ به تهدیدات و تحریم‌ها، بصورت اقتصاد مقاومتی خلاصه می‌گردد. واژه اقتصاد مقاومتی

۱. با اقتباس از گزارش دنیای اقتصاد و روزنامه همشهری

اولین بار در سال ۱۳۸۹ در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری مطرح گردید. تعاریف مختلفی توسط اندیشمندان در خصوص اقتصاد مقاومتی ارائه شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

- اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند.^۱
- اقتصاد مقاومتی اقتصاددوستی است که پایه‌های آن براساس درون‌زایی و برون‌نگری، حرکت جهادی، اشتغال‌زایی و میدان‌دادن به سرمایه‌های مردم، همفکری در زمینه تولید و رفع موانع آن، حمایت از کارآفرینی و کارآفرینان، تشویق سرمایه‌گذاری و مبارزه با فساد استوار باشد. (سلطانی، ۱۳۹۶)
- اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگوی اقتصاد مدیریتی است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات با رویکر عقب‌راندن سلطه، پیشرو، مولد، فرصت‌ساز، درون‌زا و برون‌گرا است. (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵)
- اقتصاد مقاومتی یک الگوی خاص با مبانی، اصول، الزامات، سیاست‌ها و راهکارهای خاص خود در عرصه اقتصادی می‌باشد که عدالت اجتماعی، عزت و اقتدار اقتصادی، رشد و آبادانی، استقلال و اقتدار در عرصه دانش و فناوری و ناهم‌سویی منافع جامعه اسلامی با منافع قدرت‌های بزرگ اقتصادی را می‌توان از مبانی این الگو برشمرد. (اصغری، ۱۳۹۳).
- اقتصاد مقاومتی سیستمی هست که در صدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانونمندی، رشد و پایداری اقتصاد را برقرار سازد. (جامی و همکاران، ۱۳۹۲)
- اقتصاد مقاومتی، نوعی اقتصاد است که در شرایط مناقشه، تهدید و تحریم یا بلایای طبیعی می‌تواند بدون هیچ‌گونه وابستگی به اهداف بلند مدت و کوتاه مدت دست یابد. (سرلی و گرزین، ۲۰۱۶).
- اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است.

ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی در سخنان مقام معظم رهبری عبارت‌اند از: ۱. از لحاظ ساختار ظاهری، بومی و علمی‌برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است؛ ۲. از لحاظ ساختار درونی،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲ شهریور ۱۳۹۱

۲. sarli and Gorzyn

مقاوم، انعطاف‌پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو، برون‌گرا و متناسب با منابع انسانی، طبیعی، جغرافیایی و زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است ۳. از لحاظ ساختار مدیریتی، تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور برای دوران تحریم و غیر آن) و قابل انطباق با شرایط گوناگون آن، مردم بنیاد، دانش بنیان، با رویکرد جهادی است؛ ۴. از لحاظ ساختار اهدافی، تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی تأمین کننده اهداف نظام جمهوری اسلامی در مسائل اقتصادی، بهترین برطرف کننده مشکلات آن، عدالت محور و شکوفاساز و توان بخش در برابر حربه‌ها و دارای کمترین آسیب‌ها و اختلالات در فشارهای دشمنان است (شیرزاد کمانگر، حسن، ۱۳۹۸). اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اسلامی عبارتند از اصل وجود روابط اقتصادی با خارج از کشور و التزام به قراردادهای و پیمانها، اصل برخورد محتاطانه با غیر مسلمانان، اصل عزت مداری و نفی سبیل، اصل حمایت از مظلومین، اصل استقامت در راه آرمان‌های الهی و اصل مقابله به مثل برای استیفاء حقوق. اصول اقتصاد مقاومتی همواره و در تمامی مراحل باید مورد لحاظ باشد و تعارض هریک از استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و یا دیگر اجزاء برنامه با اصل، موجب حذف آن خواهد شد. اعمال تحریم‌های جدید باعث شد تا بخش‌های مختلف صنعت نگاه بیشتری به توانمندی‌های داخلی داشته باشند و بجای واردات قطعات و تجهیزات صنعتی به مراکز علمی و دانشگاهی برای سفارش قطعات مورد نیاز خود رو آورند. البته، اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، بلکه مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود، در زیر بخش‌های اقتصادی برای جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه مردم است. در واقع اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور بر اساس فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل، طراحی می‌شود. بنابراین، اقتصاد مقاومتی با نگاهی به ظرفیت‌ها و نیروهای درونی، سعی در خودکفایی و خوداتکایی و کاهش وابستگی به نیروهای خارجی را داشته، تا راه‌هایی که دشمنان به کشور صدمه وارد می‌کنند را شناسایی و این آسیب‌ها را کنترل نمایند و لازم است در بخش‌های مختلف کشور مخصوصاً بخش دفاعی از آن بهره گرفت. در بند اول سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی رهبر معظم انقلاب صراحتاً به بهره‌گیری از ظرفیت‌های نیروهای متخصص داخلی تأکید دارند. رهبر انقلاب، استفاده از متخصص داخلی و مردمی را به دو دلیل حائز اهمیت می‌دانند: اولاً آماده سازی کشور جهش و رشد اقتصادی و دوماً؛ فشارها و تهدیداتی که از جانب دشمنان ایجاد می‌گردد. ایشان معتقدند که برای جلوگیری از فشارهای دشمن و از بین بردن آسیب‌های تحریم‌ها به سمت اقتصاد مقاومتی حرکت شود که خود به نوعی تداعی کننده از ظرفیت‌های داخلی مانند نیروهای مردمی می‌باشد.^۱

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارآفرینان، ۱۶ شهریور ۱۳۸۹

با این حال، باید توجه داشت که منظور از اقتصاد مقاومتی، اقتصاد بسته و ریاضتی نمی‌باشد. بلکه گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم سازی و تقویت ملی در برابر تحریم تهدیدها، توان تحریم شکنی با رویکرد عقب راند نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال، فرصت ساز، مولد، درونزا و برونگرا باشد. (زارعی، ۱۳۹۱). بنابراین، اقتصاد مقاومتی با نگاهی به ظرفیت‌ها و نیروهای درونی، سعی در خودکفایی و خودتکایی و کاهش وابستگی به نیروهای خارجی را داشته، تا راههایی که دشمنان به کشور صدمه وارد می‌کنند را شناسایی و این آسیبها را کنترل نمایند. فتحی و کشاورزی (۲۰۱۴) در پژوهشی دریافتند که بنا به دلایلی پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در کشور امری ضروری می‌باشد. از جمله این دلایل می‌توان به مواردی مانند، وابستگی دولت به درآمد نفت و اقتصاد تک محصول و صادرات نفت خام، دولتی بودن اقتصاد و شرکت های بزرگ، بهره وری و نوآوری کم، فساد بسیار زیاد در دولت، ضعف تولید ملی و فقدان خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک مورد نیاز و ضرورت حمایت از تولید ملی، ضعف سیستم بانکی، نظام پولی و ارز خارجی در کشور، عدم نظارت دقیق بر چرخه توزیع کالا، مدیریت مصرف داخلی و خارجی (واردات) را نام برد.

مفهوم اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی یا اقتصاد مردم محور اقتصادی است که در آن حضور آگاهانه داوطلبانه، فعالانه، جمعی و فردی و متناسب با توان همه افراد ملت در تمامی عرصه های اقتصادی کشور در سه ساحت تصمیم گیری، تصمیم سازی و اقدام محقق گشته باشد. دولت اسلامی می‌بایست قوانینی وضع کند که بر اساس آن همه افراد بتوانند فعالیت آزاد اقتصادی داشته باشند و مانع انحصار در امکانات طبیعی، زمین، دریا، دشت و مراتع و معادن شده تا افرادی که قدرت فعالیت دارند بتوانند به تولید پرداخته و مالک دسترنج خود شوند. تحقق مردمی روی دیگر سکه اسلامی شدن اقتصاد است؛ نوع نگاه انسان شناسی اسلامی اقتضائاتی را در ادامه خودش می آورد که در شاخ و برگهای آن به مفهومی مانند مردمی بودن اقتصاد میرسیم (جنیدی جعفری و سلیمی، ۱۴۰۰).

با این حال با اینکه مردمی سازی به تمامی اقشار اشاره و به نوعی تاکید بر مبانی عدالت اجتماعی دارد، اما مردمی سازی فقط به معنی خصوصی سازی نیست. فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد و سهم بالای بخش خصوصی از بدنه اقتصاد پسندیده است ولی نباید این نکته را از یاد برد که بخش خصوصی تمام مردم نیست. صاحبان سرمایه در اقتصاد ایران نقشی پر رنگ ایفا می‌کنند ولی مردمی سازی به معنی واگذاری تمام اقتصاد به بخش خصوصی هم نیست. بخش خصوصی و صاحبان سرمایه به عنوان بخشی از اقتصاد باید در اقتصاد ایفای نقش کنند ولی حداقل

از نگاه قانون اساسی بخش خصوصی یکی از سه بخش اقتصاد ایران است و تعاونی ها به بخش فراموش شده اقتصاد ایران باید احیا شود.

مردمی کردن اقتصاد در سه حوزه تولید، مصرف و حتی انتخابگری، نیازمند درک درست از اقتصاد است. به عنوان مثال، در یک اقتصاد مردمی، مردم باید به این حد از فهم اقتصادی رسیده باشند که اگر از تولیدات داخلی حتی در شرایط پایین بودن کیفیت آن از مشابه خارجی اش استفاده کنند، با در نظر گرفتن مزیت و استقلال کشور در تولید آن کالا، یک قدم کشور را به رشد و تعالی اقتصادی نزدیک کرده اند. ایجاد مهارت های لازم و ارتقا مردم باید به صورت عادلانه صورت پذیرد. در ایجاد یک اقتصاد مردمی باید سازوکارهایی در اقتصاد تعبیه شود که مردم و دولت را به هم گره بزند و فضای اقتصادی نیز به گونه ای باشد که رانت دولتی به افراد خاصی نرسد و فرصت های اقتصادی برای همه مردم به یک اندازه فراهم باشد. مشارکت عموم مردم در توسعه باعث توزیع ابزار تولید و خارج شدن انحصار ابزار تولید و توسعه از دست یک گروه یا طبقات محدود می شود.

حضور مردم در اقتصاد نیازمند بهبود شرایط توسط حاکمیت است تا مردم مایل و قادر به تولید و سرمایه گذاری در اقتصاد باشند و در این زمینه حرکت کنند در واقع نقش اصلی حاکمیت و دولت در مردمی کردن اقتصاد، تسهیل گری و سکانداری و هدایت و حمایت هوشمندانه است که تصدی گری دولت در حوزه های مختلف، کاملاً بر خلاف این اهداف است. رنجبران و قربانی (۱۳۹۴) مولفه های اقتصاد مردم بنیاد را مبتنی بر بیانات رهبر معظم انقلاب مدظله العالی شامل ده مولفه میدانند که عبارتند از:

۱. به کارگیری امکانات توسط مردم اعم از امکانات مالی، ابتکار، مدیریت و نیروی کار
۲. امکان «رقابت اقتصادی» بین مردم و گروه های مردمی، عدم وجود انحصار و جلوگیری از اختلال در فعالیت اقتصادی دیگران
۳. امکان ایجاد فرصت فعالیت اقتصادی برای همه مردم اعم از مستضعف و سرمایه دار با اولویت قرار دادن قشر مستضعف
۴. تحقق اصل انفاق و تمرکز بر فعالیتهای اقتصادی غیر انتفاعی در کنار فعالیتهای اقتصادی انتفاعی
۵. عدم تصدی گری توسط دولت و عدم دخالت در فعالیتهای اقتصادی غیر ضرور
۶. توانمند شدن مردم از منظر امکان انجام فعالیت اقتصادی و بهبود کارایی از طریق آموزش و تسهیلات دولتی
۷. آگاهی مردم از فرصتها و زمینه های اقدام به فعالیت اقتصادی از طرق مختلف از جمله شفاف سازی اطلاعات
۸. در نظر گرفتن مصالح کشور در کنار مصالح شخصی از جانب مردم

۹. رعایت اصل جهاد در فعالیت‌های اقتصادی

۱۰. رعایت احکام الهی (واجبات و محرمات) در فعالیت‌های اقتصاد توسط مردم

یکی دیگر از عرصه‌های اقتصاد مردمی بخش تعاون است. بخش تعاون یا بخش سوم اقتصاد که در ادبیات علمی با نام‌های بخش داوطلبانه و بخش مستقل یا بخش مدنی نیز از آن یاد می‌شود، قلمرو فعالیت‌های اجتماعی است که توسط سازمان‌هایی که به اصطلاح سازمان‌های غیردولتی غیرانتفاعی شناخته می‌شوند، انجام می‌گیرد. انگیزه خیرخواهی مبتنی بر ایثار و نوع دوستی در نهادهای بخش سوم نسبت به نهادهای خصوصی و کارایی بیشتر و هزینه کمتر در مقایسه با بخش دولتی برای ارائه خدمات اجتماعی و عام‌المنفعه باعث توجه روزافزون جوامع و دانش اقتصاد شده است. همچنین حجم رو به گسترش مطالعات در دهه اخیر نشانگر آن است که در کشورهای توسعه یافته، امروزه بخش عظیمی از تولید ناخالص داخلی و اشتغال مربوط به بخش سوم است.

مقام معظم رهبری مفهوم اقتصاد مقاومتی را اقتصادی مردمی میدانند و در بیان رابطه بین این دو مفهوم در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۳/۰۱/۰۱ فرموده اند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی با تکانه‌های جهانی با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمی‌شود؛ اقتصادی است متکی به مردم؛ اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود مردم بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما دولتی نیست به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند هدایت می‌کند، کمک می‌کند.»

در بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷) مقام معظم رهبری راه حل مشکلات اقتصادی کشور را پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برمی‌شمرد و بیان می‌کنند که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر می‌شمرد و بیان می‌کنند که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن، آن مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه حل‌ها است (جنیدی جعفری و سلیمی، ۱۴۰۰).

فصل سوم



مبانی تاریخی^۱

ساختار اقتصادی کشور تاکنون در سه قالب اقتصاد بخش دولتی خصوصی و تعاونی، رشد و گسترش کمی و کیفی داشته است لیکن آنچه مسلم است اینکه رشد و گسترش این بخش‌های اقتصادی از لحاظ کمی و کیفی از یک رشد و حرکت هماهنگ و منسجم برخوردار نبوده به لحاظ اینکه اقتصاد هر کشور به تبع ماهیت فعالیت‌ها و حرکت‌های اقتصادی تا حدود خیلی زیادی متأثر از اقتصاد جهانی است. زیرا منافع هر کشور به ناخودآگاه تابع و در گرو توجه و عنایت به ابزارها و سیاست‌های پیش روی اقتصاد جهانی است. کما اینکه اقتصاد کشور ما هم در گردونه ایام تحت فعل و انفعالات جامعه بین‌المللی قرار داشته است. هرچند اجرای این سیاست‌های اقتصادی از جهت زمانی با تأخیر زیادی همراه بوده و کم و کاستی‌های زیادی در خود دیده است. به همین جهت است که با ملاحظه این بخش اقتصادی کشور میبینیم که توجه به بخش اقتصاد دولتی رشد بی حد و حصر سازمان و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت افزایش و تصویب قوانین و بخشنامه‌های متعدد در این بخش در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حکایت از این واقعیت دارد. خصوصی‌سازی در این سال‌ها علیرغم شروع آن در دهه ۷۰ میلادی در کشورهای غربی و نفوذ سیاسی و اقتصادی شدید این کشورها در حاکمیت اقتصاد کشور عملاً آنچنان تأثیر قابل توجهی بجای نگذاشت. هرچند در این سال‌ها ملاحظه می‌شود که مقنن با دنباله روی از اقتصاد جهانی و همزمان با نشر و گسترش خصوصی‌سازی در اقتصاد دنیا از این موضوع غافل نمانده است. قانونگذار ایرانی با تصویب قانون گسترش مالکیت واحدهای دولتی در سال ۱۳۵۴ موضوع خصوصی‌سازی را وارد عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی کشور می‌نماید. در این قانون مقرر شده بود که تا ۹۹ درصد از سهام متعلق به دولت در واحدهای بخش دولتی به استثنای صنایع مادر و در بعضی از صنایع دیگر به) تشخیص (دولت و ۴۹ درصد سهام واحدهای بخش خصوصی به کارگران، کارمندان، کشاورزان و سایر مردم تا پایان سال ۱۳۵۷ واگذار گردد. لذا بر اساس این قانون دولت وقت اقدام به تأسیس سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولید نمود و به موجب این قانون، سازمان مذکور موظف گردید که سهام شرکت‌هایی را که دولت در اختیار آن قرار می‌دهد به افراد مشمول واگذار نماید. اداره این شرکت‌ها را تا زمان آزاد شدن کامل سهام (پس از پرداخت وجه سهم توسط خریدار از طریق سود تعلق گرفته به آنها) به وکالت از خریدار برعهده گیرد. بنابراین می‌بینیم که این قانون علیرغم اینکه هدف آن تا پایان سال ۵۷ مشخص شده بود ولی بعداً هنوز هم تکلیف برخی از شرکت‌های مذکور مشخص نشده است. به همین ترتیب در بخش تعاونی همین وضعیت به چشم می‌خورد. در واقع می‌توان آغاز تعاونی رسمی در ایران را از حیث عنوان مواردی در قانون تجارت، سال ۱۳۰۳ شمسی دانست که دولت وقت متأثر از فعالیت سازمان‌ها و موسسات آمریکایی از قبیل بنیاد فورد، موسسه خاور نزدیک، موسسات تعاونی بین‌المللی کشورهای اروپایی و

۱. با اقتباس از مطالعه «بهمنی، مجتبی، (۱۴۰۱)، مبانی حقوقی خصوصی سازی در پرتو سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مجله بین المللی پژوهش ملل، شماره ۸۵».

مؤسسات سازمان ملل متحد قرار داشته است. این مؤسسات بین المللی در قالب آموزش، کمک‌های فنی، اعطای بورس به کارکنان دولتی تشکیل و حمایت مالی از شرکت‌های تعاونی و تحت عنوان نهضت تعاونی سازی فعالیت‌ها و کمک‌های خود را در کشور شروع کردند. اما از لحاظ تشکیل و ثبت و فعالیت رسمی می‌توان سال ۱۳۱۴ را آغاز تعاونی‌ها در ایران محسوب کرد زیرا در این سال‌ها توسط دولت اقدام به تشکیل نخستین شرکت تعاونی روستایی در منطقه داود آباد گرمسار شد و به دنبال آن برای گسترش تعاونی‌ها بعد از سال ۱۳۲۰ رضاخان وزیر کشور وقت را مأمور کرد که در رأس هیأتی برای تعلیم مأمورین و آشنا ساختن مردم به مفهوم قوانین تعاونی به شهرها و روستاهای دور و نزدیک سفر کرده و حس مسئولیت جمعی مردم و بویژه طبقات تولید کننده را برانگیزد. لذا در سال ۱۳۳۴ اولین قانون تعاونی با الهام از قوانین سایر کشورها بصورت لایحه قانونی به تصویب رسید و به موجب تبصره ۲ ماده (۱۶۵) قانون اصلاحات ارضی تحویل زمین به کشاورزان را مشروط به عضویت در شرکت‌های تعاونی اعلام نمودند. تعاونی‌های مصرف و توزیع پس از سال ۱۳۴۶ که سال تعاونی اعلام شده بود گسترش قابل توجهی یافتند و در این سال‌ها سازمان‌هایی از جمله سازمان مرکزی تعاونی روستایی ایران، سازمان مرکزی تعاونی کشور، وزارت تعاون و اصلاحات ارضی و غیره پدید آمدند. شایان ذکر است در سال ۱۳۵۶ وزارت تعاون منحل و تحت نظارت وزارت بازرگانی درآمد. لذا در بخش اقتصاد، تعاون هم با وجود قوانین و زیرساخت‌های لازم عملاً این حوزه از لحاظ کمی و ترویج مفهوم و ماهیت تعاونی رشد قابل توجهی نیافت و محدود به تعاونی‌های روستایی شده بود. توجه به ساختار اقتصادی کشور در دوران بعد از انقلاب با تحولات و نگاه خاصی همراه بوده است. حاکمیت جدی مقررات اسلامی در تمامی عرصه‌ها بخصوص بعد اقتصادی نسبت به سایر موضوعات دیگر بوضوح به چشم می‌خورد. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نویسندگان قانون اساسی تحت رهنمودها و ارشادات صریح و قاطعانه امام خمینی (ره) موضوع حاکمیت اقتصاد اسلامی را مبنای کار و فعالیت‌های اقتصادی در کشور قرار دادند. این دوره را می‌توان در دو قسمت مورد ارزیابی قرار داد. دوره اول از تصویب قانون اساسی تا سال ۱۳۶۸ یعنی از اولین زمان توجه به اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی و دوره دوم از زمان اجرایی شدن اصل ۴۴ و تصویب مقررات اصل مذکور تاکنون.

مبانی قانونی و اجرایی

در این زمان، اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جهت دستیابی به اهدافی خاص از قبیل استقلال اقتصادی کشور، ریشه کن کردن فقر و محرومیت برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل، قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار در اختیار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا مرز مشروع دیگر که به تمرکز و متداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را بصورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد تصویب شد. لیکن از

زمان تصویب این اصول قانون اساسی تا سال ۱۳۶۸ به دلایل متعدد از جمله جریان جنگ تحمیلی از طرف رژیم بعث عراق، آماده نبودن زیرساخت‌های قانونی و تفسیرهای نادرست از این اصول این فصل از قانون اساسی، جامه عمل به خود نپوشید و در واقع این دوران را می‌توان ادامه حاکمیت اقتصاد دولتی به کشور دانست. هرچند قدم‌هایی در جهت پیشبرد تعاونی با تشکیل وزارت تعاون در سال ۱۳۷۰ آغاز شد اما این فعالیت‌ها در عمل منشأ حرکت‌های مثبتی در جهت کاستن از تصدی گرمای دولت و افزایش جنبش فعالیت‌های اقتصادی تعاونی نشد. این دوره را که از سال ۱۳۶۸ در راستای اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ با تصویب برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور آغاز شده تحت عنوان انقلاب اقتصادی از آن یاد می‌شود و جنبش‌های زیادی در جهت ایجاد بسترهای قانونی و اجرایی شکل گرفت. در واقع شروع این خصوصی‌سازی طی دو فرایند قانونی (حقوقی) و فرایند اجرایی فعالیت خود را بصورت زیر آغاز نموده است.

الف) مبانی قانونی

مبانی قانونی به بسترهای قانونی لازم در راستای فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم در جهت تفکیک، جداسازی و انتقال واقعی اقتصاد دولتی به بخش خصوصی اطلاق می‌گردد. این اهرم‌های قانونی در طی چندین مرحله زمانی فرایند مجزا به شکل زیر صورت گرفته است.

فرایند اول؛ تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدی گری و لغو معافیت‌های گمرکی: این دیدگاه با تصویب تبصره ۳۲ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۶۸ عملی شد. این تبصره اولین نقطه شروع و بستر قانونی اتخاذ سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور محسوب می‌شود. در این تبصره دولت مکلف گردید که کمیسیون تحت نظارت ریاست جمهوری ایجاد نماد و این کمیسیون موظف شد که تا پایان برنامه اول، ضمن لغو کلیه فعالیت‌های مالیاتی و گمرکی شرکت‌های دولتی عملیات انتفاعی آن‌ها را از عملیات اجتماعی و حمایتی دولت تفکیک و قابل ارزیابی نماید. در واقع این شیوه در جهت ایجاد بسترسازی لازم جهت تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدی گری دولت بود به نحوی که فعالیت‌های قابل واگذاری دولت مشخص گردد.

فرایند دوم؛ اتخاذ سیاست‌های واگذاری سهام دولت: این کار به موجب تصویب نامه شماره ۵۲۸۳/ت ۱۰۹ مورخ ۱۳۷۰/۰۳/۲۹ هیأت وزیران صورت گرفت. این مصوبه در جهت تحقق اهداف و اجرای بندهای ۳۷-۴ و ۸۱ الی ۸-۳ خط مشی‌های مندرج در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی فرهنگی و اجتماعی کشور و به منظور ارتقای کار این فعالیت‌ها، کاهش حجم تصدی دولت در فعالیت‌های غیر ضروری، ایجاد تعادل اقتصادی و استفاده بهینه از امکانات کشور صورت گرفت. در این مصوبه دولت فهرست برخی از شرکت‌های قابل واگذاری در حدود ۳۹۲ شرکت و ایجاد کمیسیون ۷ نفره به ریاست معاون ریاست جمهوری را جهت هماهنگی و تدوین پیش نویس تصویب نامه ها و لوايح مورد نیاز در دستور خود قرار داد. از جمله تصمیمات متخذة ناشی از این مصوبه، تخصیص ۳۲ درصد از

سهام قابل واگذاری با جمعیت میانگین به کارگران و کارمندان واحدهای تولیدی و تعیین شورای اقتصاد بعنوان نهاد سیاست‌گذار و برنامه‌ریز جهت پیشبرد اهداف واگذاری سهام بود.

فرایند سوم؛ نحوه واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایثارگران و کارگران: مصوبه مورخ ۱۳۷۳/۰۵/۱۲ مجلس شورای اسلامی سومین گام مربوط به خصوصی‌سازی به شمار می‌رود. در این قانون کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف شدند تا به هنگام واگذاری سهام شرکت و کارخانجات تسهیلات خاصی را با اولویت به ایثارگران رزمندگان و بسیجیان اعطا نمایند. بهره‌مندی این افراد از این مزایا از طریق شرکت‌های تعاونی یا سهامی که حداقل ۸۰ درصد سرمایه آن‌ها متعلق به ایثارگران رزمندگان و بسیجیان بود امکان پذیر شد.

فرایند چهارم؛ تعیین تکلیف کلیه شرکت‌های بخش دولتی به استثنای شرکت‌های مشمول صدر اصل ۴۴: تبصره ۳۵ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ موضوع مصوبه های مجلس شورای اسلامی دولت را مکلف نمود که تکلیف شرکت‌های بخش دولتی منهای شرکت‌های مشمول صدر اول ۴۴ قانون اساسی را از طریق انحلال واگذاری و فروش سهام به بخش‌های خصوصی و تعاونی روشن نماید. به موجب این قانون کمیته ۵ نفره ای وظیفه تعیین نحوه واگذاری از طریق بورس یا مزایده، تعیین برنامه زمانبندی واگذاری و یا انحلال تعیین قیمت پایه سهام، تعیین فهرست شرکت‌های که باید در اختیار دولت باقی بماند را برعهده گرفت.

فرایند پنجم؛ تعیین چارچوب واگذاری سهام شرکت‌های دولتی و متعلق به دولت: این موضوع با تصویب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۸۳ عملی شد. در فصل سوم این قانون نوزده ماده با این اهداف که خصوصی‌سازی در چارچوب قانون اساسی و با شرایطی که امنیت ملی کشور تهدید نشود، حق مردم تضییع نگردد، انحصار ایجاد نشود و مشارکت عمومی توسعه یابد به تصویب رسید. این مواد قانونی موضوعاتی از جمله تعیین دامنه شمول، واگذاری شناسایی هیأت عالی، واگذاری بعنوان مقام سیاست‌گذار، تأسیس سازمان خصوصی‌سازی بعنوان نهاد مجری، تسهیم عواید واگذاری، شناسایی هیأت داور و بیمه مسئولیت را مورد توجه جدی قرار داده بود.

فرایند ششم؛ تعیین روش‌های خصوصی‌سازی، میزان سهام قابل واگذاری و روش‌های خصوصی‌سازی: با آغاز برنامه چهارم توسعه از سال ۱۳۸۴ آغاز شد. در این قانون روش‌های متعدد خصوصی‌سازی، برنامه زمانبندی برای تفکیک فعالیت‌های حاکمیتی، انحصاری و سایر بخش‌هایی که بخش خصوصی تمایلی برای سرمایه‌گذاری در آن‌ها را ندارد و تعیین تکلیف شرکت‌های دولتی مصوب شد همچنین در ابلاغیه های سیاست‌های اصل ۴۴ مقام معظم رهبری میزان و نحوه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش‌های تعاونی، خصوصی و عمومی که متحول صدر اصل ۴۴ نباشد به میزان حداقل سالیانه ۲۰ درصد در قالب بندهای (الف) و (ب) و (ج) مشخص شد و به دنبال آن پیرو مصوبه مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۷ هیأت وزیران مقرر شد در جهت توسعه مشارکت‌های عمومی مبنی بر گسترش

این مصوبه به واگذاری سهام عدالت شهرت یافت و عملاً موجب افزایش سهم بخش اقتصاد تعاون در نظام اقتصادی کشور شد.

(ب) مبانی اجرایی

متعاقب وضع قوانین فوق الذکر دولت مصوبه هایی را در جهت ساماندهی و ایجاد زیرساخت های لازم در راستای حسن اجرای این قوانین تصویب نمود. این مصوبات و اقدامات در سه مرحله قبل از واگذاری و حین واگذاری و پس از واگذاری را شامل می گردد.

مرحله اول) قبل از واگذاری

دولت در جهت امکان واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی اقدامات زیر را می بایست انجام دهد:

- ایجاد شرکت های مادر تخصصی: شرکت های مادر تخصصی، شرکت های دولتی را در صورت لزوم اصلاح ساختار می نمایند و پیشنهاد تعیین تکلیف را به دبیرخانه، هیأت عالی واگذاری می نمایند.
- هیأت عالی واگذاری، فهرست شرکت های قابل فروش، انحلال و ادغام و برنامه زمانبندی فروش آنها را بررسی و به هیأت وزیران پیشنهاد می نماید.
- هیأت وزیران فهرست مذکور را تصویب می نماید.
- شرکت های مادر تخصصی به منظور واگذاری به سازمان خصوصی سازی وکالت اعطاء می کند.
- سازمان خصوصی سازی نسبت به نحوه بلوک بندی سهام قیمت جهت پایه سهام، نحوه دریافت سهام، معامله و میزان سهام ترجیحی قابل واگذاری به کارکنان آن شرکت اقدام می کند.

مرحله دوم) حین واگذاری

این مرحله بیشتر مربوط به نحوه و شیوه های واگذاری است که طی ترتیبات زیر است:

- شرکت های مصوب با توجه به روش تعیین شده در مصوبه جهت واگذاری از دو روش بورس و مزایده واگذار می شود.
- در روش بورس به سه شیوه تدریجی، ترجیحی بلوکی و در روش مزایده به دو شیوه ترجیحی و بلوکی واگذار می شود.
- سازمان خصوصی سازی در هر دو روش مزایده یا بورس عرضه سهام را از طریق انتشار آگهی فروش سهام در جراید کثیر الانتشار جهت اطلاع عموم و در دو نوبت انجام می دهد.

مرحله سوم) پس از واگذاری

- تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴: خصوصی‌سازی به دنبال اهداف متعددی است که ارتقا کارایی بنگاه‌های اقتصادی مهم‌ترین هدف آن است که در صدر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هم بدان اشاره شده است زیرا اغلب خصوصی‌سازی‌های انجام شده در جهان، رشد بهره‌وری شرکت‌ها را به همراه داشته است. با توجه به این که اکثر شرکت‌های دولتی از سطح بهره‌وری پایین برخوردار بوده‌اند و برخی از آن‌ها به لطف حمایت‌های مالی و غیرمالی دولت زیان خود را جبران کرده‌اند پس خصوصی‌سازی برای توسعه اقتصادی هر کشوری گریزناپذیر است اما در مقام عمل خصوصی‌سازی در ایران موفق نبوده‌است و آثار زیان باری داشته است من جمله باعث بیکاری کارگران و تعطیلی کارخانه‌های موفق متعددی شده است لذا اغلب اهداف مذکور در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ محقق نشده است.

- نظارت بر خصوصی‌سازی: نظارت نوعی مراقبت نظام مند، مستمر و پیوسته برای تضمین انجام صحیح و کامل وظایف و تکالیف مشخص شده در یک حوزه معین به منظور افزایش حداکثری ضریب تحقق هدف و یا اهداف موردنظر است و می‌تواند پیشینی یا استصوابی و پسینی یا اطلاعی باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظارت به عنوان یک کار ویژه و وظیفه ای مهم پیوسته مورد نظر قانون گذار اساسی بوده است. نظارت بر شرکت های واگذار شده و ارزیابی عملکرد آن‌ها به عنوان یکی از مراحل مهم و جدایی ناپذیر در فرایند خصوصی‌سازی به حساب می آید و از مهم‌ترین برنامه های سازمان خصوصی‌سازی در مرحله پس از واگذاری است. مسلماً پس از فرایند اجرایی واگذاری بنگاه ها، نظارت مهم‌ترین عامل در به انجام رساندن صحیح فرایند واگذاری است. بر این اساس، نظارت بر فعالیت های مراکز اقتصادی واگذار شده و ارزیابی عملکرد آنها، از مهم‌ترین اختیارات دولت در مرحله پس از خصوصی‌سازی است. در حالت کلی، نظارت پس از واگذاری از سوی سازمان خصوصی‌سازی به منظور جلوگیری از نقض تعهدات خریداران و همچنین تشویق و اعطای تخفیفات و گاه تنبیه و در نتیجه پرداخت خسارت از جانب برخی از آن‌ها و نیز در راستای حمایت و تأمین امنیت نسبت به وضعیت اشتغال و حقوق و دستمزد کارکنان صورت می پذیرد که به منظور تضمین موفقیت برنامه خصوصی‌سازی و اجرایی سیاست کلی اصل ۴۴ در کشور است. به طور کلی محدوده و شیوه اعمال حاکمیت دولت پس از واگذاری بنگاه های دولتی به بخش خصوصی در سطوح مختلف و کاملاً متفاوت صورت می گیرد.

- حمایت هدفمند دولت: وظیفه دولت بعد از واگذاری شرکت دولتی به پایان نمی‌رسد و برای تحقق بهبود بهره‌وری بنگاه اقتصادی نظارت و حمایت‌های دولت بعد از انجام واگذاری الزامی است که در بند (ج) ماده ۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ حمایت‌هایی برای بخش تعاونی در نظر گرفته شده است اما اولاً چنین حمایت‌هایی در عمل دیده نشده‌است. ثانیاً حمایت‌های مذکور در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ کافی به نظر نمی‌رسد. علاوه

بر چنین حمایت‌هایی نظارت‌هایی بر عملکرد خریداران نیز از سوی نهادهای حاکمیتی نیز لازم است تا سرانجام خصوصی‌سازی به بیکاری کارگران و فروش اموال منقول و غیرمنقول شرکت و تعطیلی بنگاه کشیده نشود.

- تعهد به برنامه های اجرایی آتی پس از خصوصی‌سازی: لازم است قبل از خصوصی‌سازی یک سری تعهدات در نظر گرفته شود تا پس از واگذاری، اقداماتی که منجر به مخاطرات اقتصادی می‌شود، کاهش یابد.

- ضرورت اهلیت سنجی برای واگذاری و خصوصی‌سازی: یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در گذشته خصوصی‌سازی را با بحران مواجه کرد، فقدان اهلیت خریدار بود. این موضوع باعث شد که بسیاری از واگذاری‌ها با مشکل مواجه شوند و اهداف موردنظر تحقق نیابند. بنابراین ضروری است در هنگام واگذاری، اهلیت سنجی خریدار با دقت بالایی دنبال شود.

جایگاه اقتصادی مالکیت در شرع و قانون

در هر جامعه ای ایجاد فضای مناسب اقتصادی برای تأمین معشیت شهروندان از اصلی‌ترین وظایف نظام حاکم است که این مهم در سیاست‌های اقتصادی آن نظام تجلی پیدا می‌کند. از این رو برنامه‌ریزی و استفاده از ظرفیت‌های علمی و قانونی برای تدوین برنامه جامع و کارای اقتصادی همواره در دستورکار دولت‌ها قرار داشته و دارد. در کشور ما نیز دولت بعنوان مجری قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه موظف است تا ضمن تدوین برنامه های کوتاه مدت و بلندمدت زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم نموده و فضای مناسب کسب و کار برای اشتغال عموم مردم را مهیا سازد. بسترسازی برای شکل‌گیری نظامهای سالم بازرگانی، پولی، بازار سرمایه و همچنین تدوین سازوکارهای مناسب و موثر برای حمایت از فرصت‌های فعالیت اقتصادی مردم بعنوان بخش خصوصی برای حضور موثر در عرصه های اقتصادی از اهم وظایف دولت در شکل‌گیری نظام اقتصادی به منظور تحقق عدالت اجتماعی و برخورداری همه اقشار از ثمرات توسعه و پیشرفت است. یکی از محوری‌ترین فصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تبیین قوانین مربوط به اقتصاد و امور مالی است که در فصل چهارم این قانون پیش‌بینی شده است. اصل ۴۴ قانون اساسی که از اصول مهم این فصل است از جمله غنی‌ترین اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و از ظرفیت‌های بالایی برای شکوفایی اقتصادی کشور برخوردار بوده و نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر سه پایه دولتی، تعاونی و خصوصی معرفی می‌نماید.

با معرفی این سه بخش در اقتصاد کشور عملاً فضای رشد و توسعه به منظور شکل‌گیری فعالیت‌های سالم اقتصادی و ایجاد انگیزه و رقابت برای تمام اقشار جامعه پیش‌بینی شده است. در واقع درست است که اصل ۴۴ قانون اساسی بر سه بخش اقتصادی تأکید نموده لیکن بخش دولتی به دلیل اجازه مالکیت و مدیریت قسمت عمده ای از فعالیت‌های اصلی اقتصادی، به نحوی گسترش یافت که فراتر از حدود تعریف شده در اصل مذکور بود و عملاً این

بخش اقتصادی وارد دامنه فعالیت ۲ بخش دیگر یعنی تعاونی و خصوصی شد؛ لذا ضرورت بازتعریف نقش و قلمرو این بخش‌های اقتصادی احساس گردید. ظرفیت‌های موجود در اصل ۴۴ قانون اساسی بعنوان رویکرد نظام به منظور ایجاد تحول در نقش بخش‌های اقتصادی در دستورکار قرار گرفت؛ تا با قانون اساسی برای تأمین معیشت و رفاه، تحقق اهداف متصور در تدوین سیاست‌های جدید اقتصادی، ایجاد فضای کسب و کار مناسب و رشد دیگر شاخص‌های اقتصادی فراهم شود؛ از این رو احیاء ظرفیت‌های موجود در این اصل نیازمند بازبینی و دقت جدی بود که این مهم از طریق سیاست‌گذاری جدید قالب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با اهداف پیش گفته و به دنبال ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله کشور از سوی مقام رهبری ابلاغ شد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که مرحله نخست آن در تیرماه ۱۳۸۴ از سوی مقام رهبری ابلاغ و با صدور بند (ج) آن در خرداد ماه ۱۳۸۵ تکمیل شد، در اصل به دنبال یک تحولی بنیادین در ترتیبات نهادی اقتصاد ایران برای نیل به اهداف بلندمدت در افق چشم انداز کشور در سال ۱۴۰۴ بود و از آنجائیکه ترکیب و نقش نهادهای دولتی و غیردولتی مهم‌ترین شاخص تعیین کننده هر نظام اقتصادی است، بی تردید این رویکرد سنگ بنای تحول در نظام اقتصادی ایران نیز به شمار می‌رود. با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سازوکارهای حقوقی این سیاست (قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴) به منظور تحقق اهداف آن در چارچوب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ۹ فصل تدوین و در تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۳۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از سوی رئیس جمهور برای اجرا ابلاغ شد. با ابلاغ قانون یاد شده شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی براساس ماده (۴۱) این قانون بعنوان عالیترین نهاد به ریاست شخص رئیس جمهور عهده دار امور راهبری و نظارت در حوزه اصل ۴۴ قانون اساسی شد و به این ترتیب با شکل گیری دبیرخانه این شورا در وزارت امور اقتصادی و دارایی، برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای سیاست‌های مذکور به نحو ساختارمندی آغاز شد تا اموری همچون تبیین سیاست‌ها و خط مشیهای اجرایی سالانه، نظارت بر فرایند اجرای قوانین و مقررات مرتبط با سیاست‌های مورد نظر، تصویب آئین نامه ها دستورالعمل‌ها، نظام نامه ها و ضوابطی که در این قانون مرجع تصویب آن این شورا است و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در اجرای سیاست‌های یاد شده ساماندهی شوند. اقدامات صورت گرفته در اجرای این سیاست‌ها را می‌توان در سه محور اقدامات ناظر تکالیف مربوط به تهیه و تصویب مقررات اجرایی قانون، ایجاد ساختارها و نهادهای جدید و بالاخره اقدامات ناظر بر تکالیف دستگاه‌های اجرایی طبقه بندی نمود. تصویب بیش از ۵۶ آئین نامه دستورالعمل و ضابطه و برخی مقررات تکمیلی دیگر نخستین محور از اقدامات صورت گرفته در این حوزه بوده است که بستر حقوقی گسترده ای را برای تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی فراهم نموده است. تصویب این مقررات اجرایی توسط مراجعی چون هیأت وزیران شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی هیأت واگذاری و وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت پذیرفته است. با توجه به تعدد مقررات اجرایی برعهده دولت، هیأت وزیران به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی طی مصوبه

ای اختیارات خود را برای تصویب آئین نامه های اجرایی قانون یاد شده بکار گروهی مرکب از وزرا تفویض نمود. این کارگروه نیز پس از برگزاری جلسات متعدد تمام مقررات لازم را تصویب نمود که از سوی دولت ابلاغ شده است. از آنجائیکه ماهیت اقتصاد ایران در نوع خود منحصر به فرد است؛ لذا جهت دادن به این اقتصاد و مشخص کردن حوزه های گوناگون آن و تعریف نقش و دامنه نفوذ و تصمیم گیری دولت و سایر بخش های اقتصادی خصوصی و تعاونی کاری دشوار است. زیرا برخلاف سایر نظام های اقتصادی دنیا مانند بلوک شرق که حاکمیت مطلق اقتصاد در اختیار دولت است و یا اقتصاد بلوک غرب که مبتنی بر اقتصاد بازار رقابت نامحدود و سرمایه داری است، ماهیت اقتصاد ایران شکل و قواره خاص خود را دارد. حتی با وجود تنوع در ساختار نظام اقتصادی نمی توان گفت که به اقتصاد مختلط شباهت دارد. چون این نظام از نظام های کلاسیک اقتصادی پیروی نمی کند و ریشه در شرع و اقتصاد جهانی دارد. در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی که شالوده و اساس زیربنای اقتصاد ایران محسوب می شود با وصف اینکه میزان مداخله و فعالیت هر یک از بخش های اقتصادی مشخص نشده اما در اجرای این اصل نکات و شرایط اساسی جهت گسترش قلمرو هر کدام از این بخش ها مقرر گردیده و حیطه مالکیت و گستره هر بخش می بایست براساس اهداف عالیه مورد نظر شرع و قانون اساسی جهت گیری شود. آنچه مسلم است اقتصاد اسلامی ساختار و گسترش اقتصاد دولتی، خصوصی و تعاونی را به رسمیت شناخته است. لیکن از آنجائیکه اقتصاد در نظام اسلامی وسیله است نه هدف، این تفکر در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی تحت عنوان اقتصاد وسیله است نه هدف به خوبی مورد توجه واقع شده و چنین نگارش یافته است. در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در طبقات مادی اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد اقتصاد، عامل تخریب و فساد و تباهی شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جزء کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان انتظار داشت. با این دیدگاه به نام اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی متناسب و ایجاد کار برای همه افراد واضع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

-اصل چهل و سوم قانون اساسی با قیود نه گانه زیر در اجرای تعیین قلمرو فعالیت اقتصادی چنین مقرر می دارد: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی، «اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می شود: ۱- تأمین نیازهای اساسی مسکن خوراک، پوشاک و غیره ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای هم به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی، از راه حرام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را بصورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی

اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد؛ ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی غیره داشته باشد ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری؛ ۵- منع افراد به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛ ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید و غیره ۷- استفاده از علوم و فنون تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛ ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

- ذیل اصل چهل و چهارم شروط چهارگانه دیگری را در تعیین محدوده و قلمرو بخش‌های اقتصادی این چنین مقرر نموده است: مالکیت در این سه بخش اقتصادی تا جائیکه با اصول دیگر این فصل (فصل چهارم قانون اساسی - اقتصاد و امور مالی) مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند. به همین ترتیب سایر اصول فصل چهارم قانون اساسی هم در همین راستای تعیین محدوده و قلمرو بخش‌های اقتصادی تنظیم شده است.

- اصول قانون اساسی: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها و غیره در اختیار حکومت اسلامی است که طبق مصالح عامه پشت به آن‌ها عمل نماید». - اصل چهل و ششم: «هرکس مالک جاهل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی‌تواند بعنوان مالکیت پشت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». - اصل چهل و هفتم: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است». - اصل چهل و هشتم تبعیض در کار نباشد - اصل چهل و نهم «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه اختلاس، سرقت، قمار و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند» - اصل پنجاهم: «در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». - اصول ۵۱، ۵۲ و ۵۳ موضوع وضع مالیات، بخشودگی، تصویب بودجه سالیانه کشور و واریز وجوه درآمدی دولت به جای خزانه پرداخته است.

در واقع می‌توان گفت که قلمرو اصل ۴۴ به معنای واقعی آن همان توجه به آثار زیان بار و منفی هریک از بخش‌های اقتصادی موجود در اصل ۴۴ در جامعه بوده است. زیرا در قرن اخیر تورم همراه رکود، فساد، بی عدالتی، کاهش رشد تولید و خدمات عدم رونق اقتصادی لازم و ... از بزرگترین ضعف‌ها اقتصاد دولتی بوده که موجب شده

اقتصاددانان برجسته دنیا حرکت به سمت خصوصی سازی را تشویق نمایند. لیکن نادیده گرفتن بخش اقتصاد دولتی و اجازه رشد تمام عیار بخش خصوصی آثار زیانبار دیگری را هم به دنبال داشته است. زیرا بخش خصوصی به دنبال حداکثر کردن منافع خود یقیناً زیانهایی را به اشخاص ثالث وارد می نماید که حاضر به پرداخت هزینه های آن نیست و یا اینکه در بعضی از موارد قادر به فعالیت و یا تمایلی برای تولید کالاهای عمومی ندارد برای مثال بحث دفاع از سرزمین ایجاد امنیت، خدمات آموزش و پرورش و بهداشت عمومی جامعه از جمله این فعالیتها است که بخش خصوصی به آن ورود پیدا نمی کند. به همین ترتیب گسترش و توسعه بخش اقتصاد تعاونی هرچند از یک طرف موجب افزایش قدرت مشارکت افراد از جهت مالی و در نتیجه سبب افزایش تولید و خدمات خواهد شد ولی از سوی دیگر ممکن است به جهت اختلافات سلیقه ای، ضعف در مدیریت و ناتوانی در کسب و کار، امکان دارد که ضرر و زیانهایی را به محیط زیست وارد نمایند. به همین منظور است که در این اصل رعایت سایر اصول قانون اساسی مندرج در فصل چهارم از جمله لزوم رعایت محیط زیست و وجود دستگاه نظارتی دیوان محاسبات وجود خزانه کشوری و غیره مورد عنایت قرار گرفته است. لذا مشاهده می شود که قلمرو و محدودیتهایی که در اصل ۴۴ نهادینه شده به منظور ایجاد تعادل در هر یک از بخشهای اقتصادی است که جامعه از رشد افسار گسیخته و رشد ناموزون هیچ یک از این بخشها دچار ضرر و زیان نگردد و مجموعه بخشهای اقتصادی بتواند در کنار یکدیگر با خط مشی و سیاست گذاری، موجب ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه گردند. بدین ترتیب ملاحظه می شود که مجموعه این اصول قانون اساسی در راستای اهداف عالیه اسلام که اقتصاد را وسیله ای برای سعادت اخروی افراد و گسترش عدالت در جامعه میدانند تدوین شده و موجب می شود که در کسب درآمدهای نامشروع و حرام جلوگیری گردد. آنچه از مجموع این مباحث استنباط می شود اینکه مقنن در اجرای سیاستهای اصول ۴۳ و ۴۴ مکلف است که در اتخاذ سیاست و خط مشی آینده، بخش دولتی را به اعمال حاکمیت که همان هدایت، نظارت و جهت گیری در موضوعات کلان اقتصادی و امنیتی می باشد الزام نموده و اعمال تصدی گری را به سایر بخشهای اقتصاد خصوصی و تعاونی واگذار نماید و از همه مهم تر بسترهای قانونی لازم را جهت رشد و توسعه بخشهای خصوصی و تعاونی در زمینه قوانین تجاری، کار، سرمایه گذاری، امنیت و غیره بعمل آورد. با این اقدامات یقیناً زمینه حق حضور همه بخشهای اقتصادی و تعامل مطلوب در کنار یکدیگر امکانپذیر می گردد. این موضوعات همان شرایط و قلمرو اساسی موردنظر تمامی اندیشمندان اسلامی است که همگی به آن اهتمام جدی دارند و قانون اساسی هم به خوبی به آن توجه کرده است.

سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

در کنار روند بهره برداری و ادامه مدیریت دولتی در اعمال تصدی کارخانجات و موسسات در دست دولت و موسسات وابسته به دولت بانکها و نهادها و سازمانهای دولتی باید تشکیلات مستقلی طراحی نمود که با اختیارات

کامل و مشخص و قانونی بتواند فعالیت‌های تولیدی را به مدیریت‌های واجد شرایط با شروط مناسب و هدف‌های از پیش تعیین شده و زمانبندی و درآمد و هزینه‌های برنامه‌ریزی شده واگذار نماید. برای تحقق این امر واگذاری و آزادسازی باید انجام گیرد. در این راستا ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و در نهایت بند (ج) سیاست‌های مذکور «خصوصی‌سازی» در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۴ توسط مقام رهبری در راستای حرکت به سوی چشم انداز ۱۴۰۴، کاهش فعالیت‌های تصدی گرایانه دولت از ۸۰ درصد به ۲۰ درصد ایفای نقش سیاست‌گذاری و هدایت‌گری، توانمندسازی بخش خصوصی، واگذاری سهام شرکت‌های دولتی بوده است. در همه سه دهه اخیر اقتصاد ایران با فراز و نشیب‌های بسیار روبرو بوده و وجود شرایط استثنایی و متغیر موجب شده تا گاهی اوقات سیاست‌های اتخاذ شده با سیاست‌های پیشین تفاوت زیادی داشته باشد و وقوع انقلاب اسلامی و متعاقب آن جنگ تحمیلی اقتصاد کشور را به اجبار به پذیرش شرایطی واداشت که در آن، دولت در کانون‌های سیاست‌گذاری‌ها و تصدی‌گری‌ها قرار داشت. سال‌های دهه اول بعد از پیروزی انقلاب را می‌توان سال‌های دولت مداری صرف نامید. گرچه در دهه دوم نیز خرابی‌های بازمانده از جنگ تحمیلی و مشکلاتی که در اثر ناتوانی دولت در اداره صنایع بوجود آورده بود تحت عنوان سال‌های بازسازی همچنان دولت را در کانون توجه قرار میداد اما دهه سوم، دهه آزادسازی و دهه اعتماد به مردم در اداره امور کشور بود. زمینه‌های چنین اعتمادی قبلاً با سیاست‌هایی مثل تثبیت نرخ ارز و تک‌نرخ شدن آن ایجاد شده بود. برنامه سوم و چهارم توسعه دولت را مکلف کرد که از بنگاهداری دست بکشد و صرفاً به وظایف حاکمیتی و نظارتی خود اهتمام ورزد. برنامه‌های بعدی توسعه نیز با کمرنگ کردن نقش دولت اهمیت بیشتری را به حضور بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد داند که مکمل این برنامه‌ها، ساست‌ها و ابلاغیه مقام رهبری پیرامون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بود که در پیشرفت و آزادسازی اقتصاد موثر بوده و با در نظر گرفتن چالش‌های فوق‌الذکر امکان حضور موثر بخش غیردولتی را فراهم نمود.

اهداف اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ طی سه دوره در کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز شورای این مجمع مورد مباحثه و مذاقه قرار گرفت. علاوه بر این، دبیرخانه کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری جهت اخذ نظرات دستگاه‌های اجرایی با مسئولان مربوطه به تبادل نظر پرداخت. فعالیت دبیرخانه کمیسیون در سال ۱۳۷۷ آغاز شد. نتایج بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته و جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۲ کمیسیون اقتصاد کلان بازرگانی و اداری مجمع، در قالب سیاست‌های کلی و تحت عنوان تعیین سهم بخش‌های دولتی و غیردولتی در اقتصاد کشور ارائه شد. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع با دعوت از کارشناسان و مسئولان وزارتخانه‌های مربوطه و کمیسیون‌های اقتصادی، برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در

فواصل سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۷ با تهیه و تدوین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تحت عنوان مشارکت بخش‌های تعاونی و خصوصی در اقتصاد و حدود فعالیت بخش دولتی مبادرت نمود که در دستورکار جلسه ۲۵۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت. شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۰۶ سیاست‌های مذکور را در ۳ بند تصویب و جهت تأیید نهایی و ابلاغ خدمت مقام رهبری ارسال نمود. مقام رهبری در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۹ در نامه ای خطاب به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام نکاتی را در مورد سیاست‌های تصویب شده اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متذکر شدند. در دوره دوم، پس از رهنمودهای مقام رهبری در خصوص لزوم کامل نمودن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موضوع مجدداً در دستورکار کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه مجمع قرار گرفت. کمیسیون به مدت دو سال و نیم به کار تحقیقاتی مطالعاتی همراه با بررسی گزارش‌ها و مستندات سایر دستگاه‌ها وزارتخانه‌ها و نیز تجربه کشورهای دنیا در خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت همت گماشت و به بررسی نظرات مقام رهبری و رعایت موارد چهارگانه مورد تأیید ایشان در سیاست‌گذاری‌ها مبادرت نمود. نتایج بررسی‌های دبیرخانه کمیسیون در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۶ به کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع ارائه شد. مصوبات کمیسیون در دستورکار جلسه ۳۲۸ شورای مجمع قرار گرفت (مورخ ۱۳۸۳/۰۵/۱۰). مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از ۵ ماه بررسی در ۱۴ جلسه نهایتاً در جلسه ۳۴۱ خود سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را در ۵ بند تصویب کرد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبات مجمع را جهت تصویب نهایی و ابلاغ خدمت مقام رهبری به شرح ذیل ارسال نمود:

- سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی؛
- سیاست‌های کلی بخش تعاون؛
- سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیر دولتی از طرق خصوصی‌سازی فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی؛
- سیاست‌های کلی واگذاری بخش‌های غیر دولتی به بخش خصوصی؛
- سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار

رهبری چهار بند از بندهای مصوب را (تحت عنوان بندهای الف، ب، د، ه) به استثنای بند (ج) را در تاریخ ۱۳۸۴/۰۳/۰۱ ابلاغ فرمودند. از طرف دیگر بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۵/۰۱/۱۰ توسط رهبری ابلاغ شد.

برخی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی

برخی مهم‌ترین اقدامات انجام شده در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- تصویب قانون بخش تعاونی در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰/۰۶/۱۴ جلسه ۳۹۵)؛
- تصویب قانون مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستایی از مشمول قانون بخش تعاونی در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰/۰۷/۱۴ جلسه ۴۱۲).
- تصویب قانون اصلاح قانون مالیات تعاونی ملی برای بازسازی (۱۳۷۱/۰۲/۰۳، جلسه ۴۷۸).
- تفسیر قانونی در خصوص قانون مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستایی از مشمول قانون بخش تعاونی در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱/۰۶/۱۵، جلسه ۲۱)؛
- تصویب لایحه خصوصی سازی در برنامه اول توسعه.
- قانون اصلاح قانون بخش تعاون در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۰ (۱۳۷۷/۰۷/۱۲، جلسه ۱۱۵)؛
- تأسیس سازمان خصوصی ساز در سال ۱۳۸۰، باتوجه به مفاد ماده (۱۵) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۹).
- قانون تسری مفاد برخی از قوانین و مقررات مربوط به بانک‌ها به صندوق تعاون (۱۳۸۱/۰۲/۱۴).
- قانون لزوم رعایت کاربری مجاز و مقررات احداث ساختمان در واگذاری و فروش اراضی برای امر مسکن به شرکت‌های تعاونی مسکن (۱۳۸۱/۰۵/۱۶)؛
- قانون استفساریه ماده (۵۱) قانون بخش تعاونی در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵/۰۵/۳۰)؛
- ابلاغیه مقام رهبری در مورد سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛
- تصویب لایحه مقررات تسهیل کننده رقابت و ضوابط مربوط به کنترل و جلوگیری از شکل گیری انحصارات بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی، جلسه ۱۳۸۴/۰۴/۲۶ هیأت وزیران
- تشکیل کمیسیون ویژه اصل ۴۴ در مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶)!

۱. با اقتباس از مطالعه «بهمنی، مجتبی، (۱۴۰۱)، مبانی حقوقی خصوصی سازی در پرتو سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مجله بین المللی پژوهش ملل، شماره ۸۵».

فصل چهارم

بررسی وضعیت کشور
و استان خراسان جنوبی

عوامل تولید

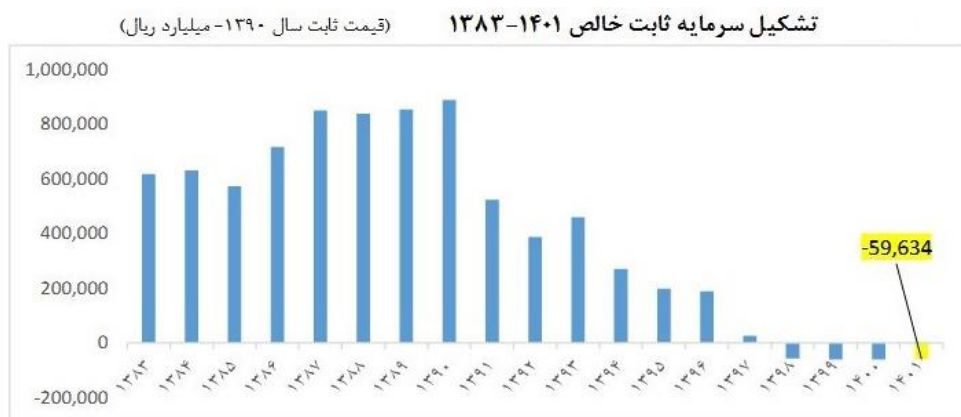
تولید، فرایند ترکیب مواد و نهاده‌های غیر مادی (مثل طرح‌ها و دانش) به عنوان ورودی برای ایجاد چیزی به منظور مصرف کردن است (خروجی).



سوالی که مطرح می‌شود چرا خروجی اقتصاد ایران قابل توجه نیست؟ چه مشکلاتی در مرحله ورودی و فرآیند تولید وجود دارد که نتوانسته ایم به رشد مطلوب دست پیدا کنیم؟ برای پاسخ به این سوال بهتر است مرحله ورودی و فرآیند تولید را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. سرمایه یا منابع درآمدی

در دهه ۹۰ شمسی با شروع تحریم‌های اقتصادی، منابع درآمدی دولت به شدت افت پیدا کرد و باعث شد تولید کشور نیز از این قضیه متأثر شود. اگر روند تشکیل سرمایه ثابت را بررسی نمایم درمی‌یابیم که، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۹۰ بیش از ۲۶ درصد بوده است، طی یک روند کاهشی به کمتر از ۱۵ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. کاهش نرخ سرمایه‌گذاری، نه تنها موجب می‌شود ظرفیت جدید برای رشد اقتصادی فراهم نشود بلکه ممکن است به آستانه‌ای برسد که حتی ظرفیت‌های مولد فعلی نیز دچار استهلاک و فرسایي شود. کارشناسان نیز معتقدند تداوم روند منفی نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی نگران‌کننده است، بر این اساس دولت باید راهی برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص پیدا کند.



مأخذ: بانک مرکزی - آمار سال ۱۴۰۱ برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس است.

بنابراین یکی از مشکلاتی که کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کند کمبود سرمایه و منابع مالی می‌باشد. هرچند طی یکی دو سال اخیر فروش نفت افزایش پیدا کرده است و منابع درآمدی اندکی بهبود پیدا کرده اند اما هنوز یک مشکل اساسی می‌باشد. به همین جهت رهبر معظم انقلاب در قالب شعار سال، موضوع سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی را به عنوان یک بخش مغفول مانده مورد تاکید قرار می‌دهند.

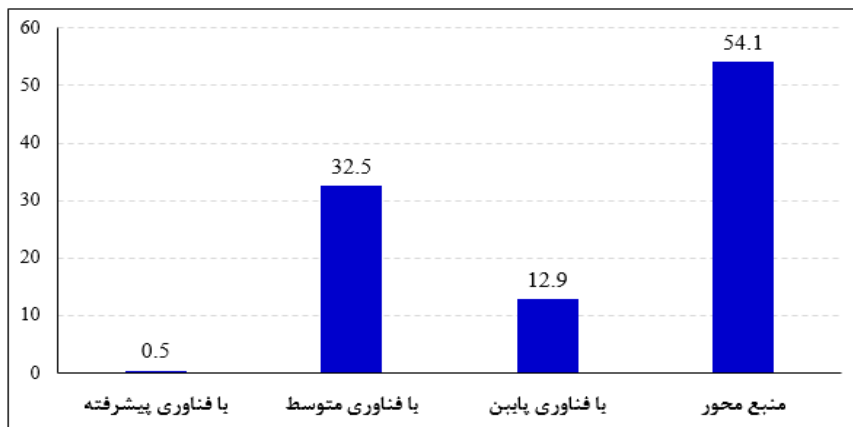
۲. نیروی کار

یکی دیگر از عوامل مهم تولیدی، نیروی کار متخصص می‌باشد. وضعیت نیروی کار در کشور در حد قابل قبولی است و کشور دارای نیروی کار متخصص فراوانی می‌باشد. از طرفی قیمت نیروی کار در ایران نیز پایین و در حد قابل قبولی می‌باشد. همچنین، از آنجا که جمعیت مهاجران افغانی در کشور بسیار زیاد است، می‌توان از این ظرفیت به عنوان نیروی کار ارزان قیمت نیز استفاده کرد.

۳. تکنولوژی

از جمله عوامل مهمی که در راندمان تولید اثرگذار است، تکنولوژی می‌باشد. در حال حاضر بخش زیادی از صنایع کشور دارای فناوری متوسط و پایین هستند. به عنوان مثال، بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۹ بیش از ۵۴ درصد از صادرات صنعتی ایران را محصولات منبع محور (مانند نفت، گاز و غیره) تنها حدود ۰٫۵ درصد از صادرات صنعتی ایران را صادرات محصولات با فناوری پیشرفته تشکیل می‌دهند و در حدود ۳۲٫۵ درصد از صادرات صنعتی ایران متعلق به محصولات با فناوری متوسط است. بر این اساس شاید بتوان گفت پاشنه آشیل ایران در ساختار صادرات صنعتی، وابستگی آن به صادرات محصولات منبع محور است.

ساختار صادرات محصولات صنعتی با فناوری‌های مختلف کشور - سال ۱۳۹۹



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

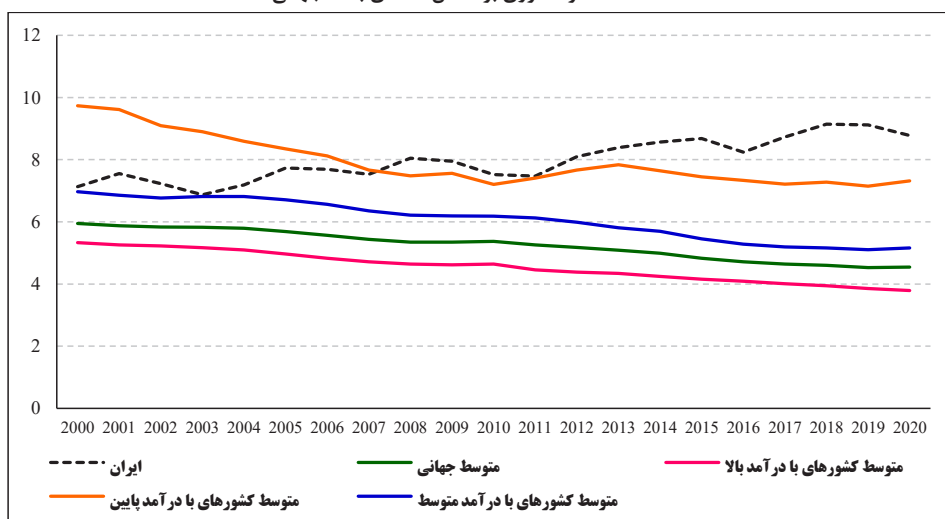
بنابراین لازم است موضوع فناور محور کردن تولید مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که امروزه تولید ناخالص داخلی بر پایه فناوری نهادینه شده است. با این حال می‌توان تکنولوژی‌های مورد نیاز را از خارج وارد نمود. در علم اقتصاد یک تئوری تحت عنوان مزیت عقب ماندگی وجود دارد که بر اساس این تئوری نیازی نیست یک کشور برای حرکت به سمت توسعه اقتصادی مجدداً تکنولوژی را با صرف هزینه و زمان خلق نماید بلکه می‌تواند آن را از کشورهای دارنده این فناوری بدون صرف زمان و هزینه زیاد وارد نماید؛ که به این پدیده در علم توسعه اقتصادی، مزیت عقب ماندگی گفته می‌شود. بنابراین لازم است تکنولوژی‌های موردنیاز کشور به منظور افزایش راندمان تولید فراهم شود.

۴. انرژی

کشور ایران یکی از کشورهای غنی از انرژی می‌باشد و می‌تواند از این ظرفیت در افزایش تولید استفاده نماید. اما موضوعی که وجود دارد این است که شدت مصرف انرژی در ایران بالا می‌باشد. در شرایطی که سیاست‌گذاران کلان کشور در سند‌های بالادستی نظیر سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف بر کاهش شاخص شدت انرژی در کشور (به معنای صرفه‌جویی در انرژی مورد نیاز به منظور تولید یک واحد از تولید ناخالص ملی) تاکید کرده‌اند اما در عمل شاهد بی‌توجهی به این شاخص و افزایش آن هستیم. در همین راستا و بر مبنای آمار موجود از تولید ناخالص داخلی و میزان مصرف کل انرژی کشور «معادل‌سازی با نفت خام» میزان شدت انرژی کشور در طول ۱۰ سال گذشته با حفظ روند نوسانی، رشد ۱۵ درصدی را تجربه کرده است. این در حالی‌ست که این شاخص در

سایر کشورهای جهان با کاهش ۲۰ درصدی مواجه شده است. این موضوع نشان می‌دهد که در طول چندسال گذشته، نیاز کشور به انرژی برای تولید هر واحد کالا و خدمات بیشتر شده است.

شدت مصرف انرژی بر اساس داده‌های بانک جهانی



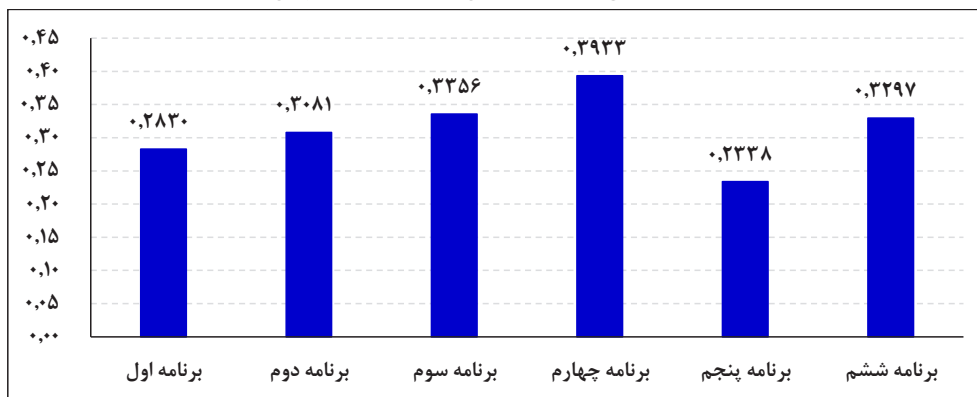
منبع: بانک جهانی

۵. مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر تولید، مدیریت و سیاست‌گذاری می‌باشد. در صورتی که مدیریت در کشور به درستی انجام نشود می‌تواند آثار زیانباری را به وجود بیاورد. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا مدیران و سیاست‌گذاران در چند سال گذشته توانسته‌اند اهداف مدنظر را محقق سازند؟ شاید یکی از روش‌های ارزیابی مدیران و سیاست‌گذاران بررسی عملکرد برنامه‌های پنج ساله توسعه ایران باشد. به‌منظور مقایسه و رتبه‌بندی برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب در ایران، شاخص ترکیبی NSED (شاخص ملی اقتصادی-اجتماعی توسعه) با استفاده از رویکرد بازنگری صورت‌پذیرفته در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد و همچنین دستورالعمل‌های تولید شاخص‌های ترکیبی منتشرشده توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا، طراحی و مدل‌سازی شده است. این شاخص بر مبنای ۶ بعد مختلف (شامل محورهای توسعه اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری، توسعه انسانی، توسعه پایدار، توسعه تجاری و توسعه عمومی) و با استفاده از ۲۴ متغیر از منابع داخلی و خارجی (همانند رشد GDP، رشد سرمایه‌گذاری، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، شاخص توسعه انسانی، نرخ بیکاری، شاخص شدت مصرف انرژی، شاخص شدت کربن، تورم، اندازه دولت، سهم واردات در اقتصاد و...) بر اساس تکنیک وزن‌دهی یکسان (سهم ۴ درصدی هر متغیر در NSED محاسبه شده است. کلیه متغیرها با استفاده از

ضریب محرومیت موریس رفع مقیاس شده و سپس طی دو مرحله با تکنیک میانگین گیری هندسی ادغام شدند. شاخص ترکیبی هدف NSED در حد فاصل صفر و یک (استاندارد) بیانگر میزان توسعه همه جانبه ملی در یک سال مشخص بوده که عدد یک بیانگر بیشترین مقدار برای توسعه همه جانبه کشور و صفر بیانگر کمترین مقدار آن است. نهایتاً از مقادیر سالانه NSED بر مبنای برنامه های پنج ساله، میانگین حسابی گرفته شده که بر اساس نتایج حاصله این تحقیق، برنامه سوم و چهارم موفق ترین برنامه ها و برنامه پنجم با کسب تنها ۰/۲۳۳۸، ضعیف ترین برنامه در دستیابی به توسعه همه جانبه مشخص شده اند.

مقایسه برنامه های توسعه ای در ایران با توجه به شاخص NSED - واحد ارقام بین صفر و یک (استاندارد)

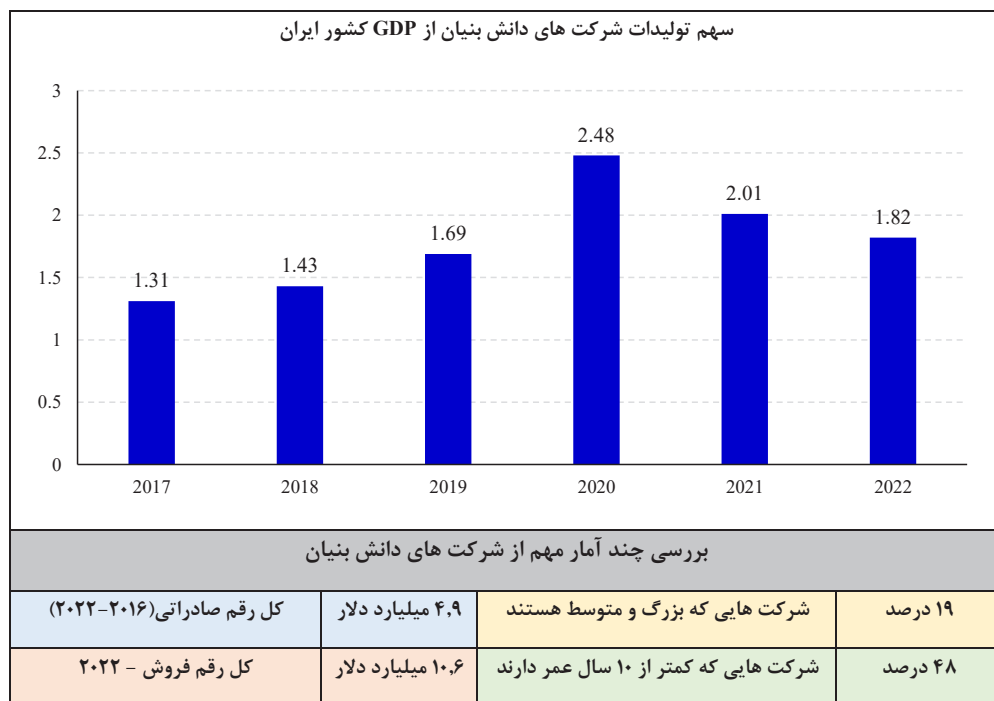


تحلیل نتایج بیان می دارد برنامه های اول تا چهارم در مسیر بهبود قرار داشته اند (که به مفهوم افزایش قابلیت برنامه ها در ایجاد توسعه همه جانبه در کشور در بستر انجام اصلاحات بعد از جنگ و ... میسر شده)، اما تشدید تحریم های همه جانبه آمریکا و در راستای جنگ ارزی علیه ایران، وقوع تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت از ایران در بهمن ۱۳۹۰ (سال اول برنامه پنجم)، باعث کاهش چشمگیر NSED در سال ۱۳۹۱ شده؛ به طوری که میانگین این شاخص برای برنامه پنجم از متوسط برنامه اول نیز کمتر شده است. تکانه وارده، بیش از ۲۵ سال، روند تحقق توسعه همه جانبه در اقتصاد ایران را به تاخیر انداخته، عملاً با گرفتاری در بحران کرونا و تداوم ضعف عملکردی طی برنامه ششم، این میزان عقب افتادگی جبران نشده است (مقادیر عملکردی برنامه ششم، بر اساس داده های اولیه و غیرقطعی محاسبه شده و پیش بینی می شود مقادیر واقعی NSED، کمتر از این میزان باشد). با وجود اینکه برخی از شاخص ها همانند شاخص توسعه انسانی (در نتیجه گسترش پیشرفت های عمومی، افزایش تسهیلات آموزش و ...) طی بازه سی ساله کاملاً روند افزایشی داشته اند، ولیکن دستاوردهای نهایی برنامه ششم (برآیند کلیه متغیرها در NSED، متأسفانه همچنان کمتر از دستاوردهای برنامه های چهارم و سوم و مؤید شکاف ۲۰ ساله در فرآیند توسعه همه جانبه است که می تواند بسیار نگران کننده باشد). اساساً برنامه ای که نتواند موجب

غلبه بر موانع و بهبود وضع موجود شود، فاقد هرگونه کارآیی و توجیه‌پذیری خواهد بود. همچنین مطابق نتایج آنالیز حساسیت، برنامه‌های سوم و چهارم به‌عنوان موفق‌ترین برنامه‌های توسعه‌ای (بعد از انقلاب) و همچنین برنامه‌های پنجم و اول با ضعیف‌ترین عملکرد، متمایز شده‌اند. بنابراین نحوه مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دارای چالش‌های اساسی می‌باشد.^۱

۶. دانش محور بودن تولید (توجه به اقتصاد دانش بنیان)

برای بررسی میزان دانش محور بودن تولیدات و استفاده از اقتصاد دانش بنیان بهتر است آمار و اطلاعات موجود را بررسی نماییم.

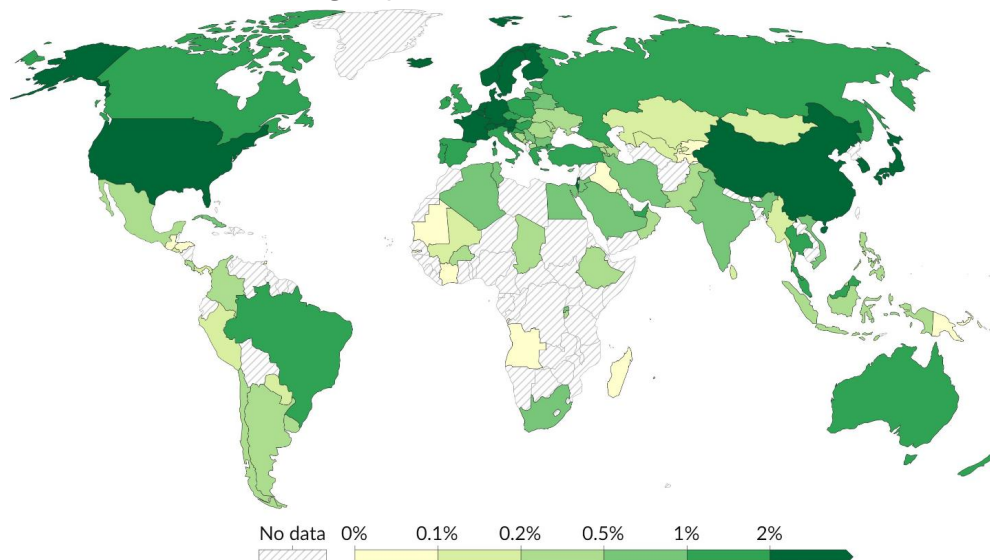


منبع: کنسرسیوم پژوهش مطالعات نوآورانه (بررسی در روزنامه فرهنگیان).

همانطور مشخص است وضعیت ایران در تولیدات دانش بنیان چندان مناسب نیست. این در حالی است که تولیدات کشورهای پیشرفته به سمت استفاده از فناوری پیشرفته حرکت می‌کند. همچنین سهم هزینه تحقیق و توسعه در ایران در سال ۲۰۲۱ برابر ۰,۹ درصد از کل GDP بوده است که مقدار پایینی می‌باشد.

۱. روزنامه دنیای اقتصاد، (۱۴۰۱)، علل ناکامی برنامه‌های توسعه، شماره خبر: ۳۸۸۱۶۹۹

هزینه تحقیق و توسعه (درصد از تولید ناخالص داخلی)، ۲۰۲۱



Data source: UNESCO (via World Bank)

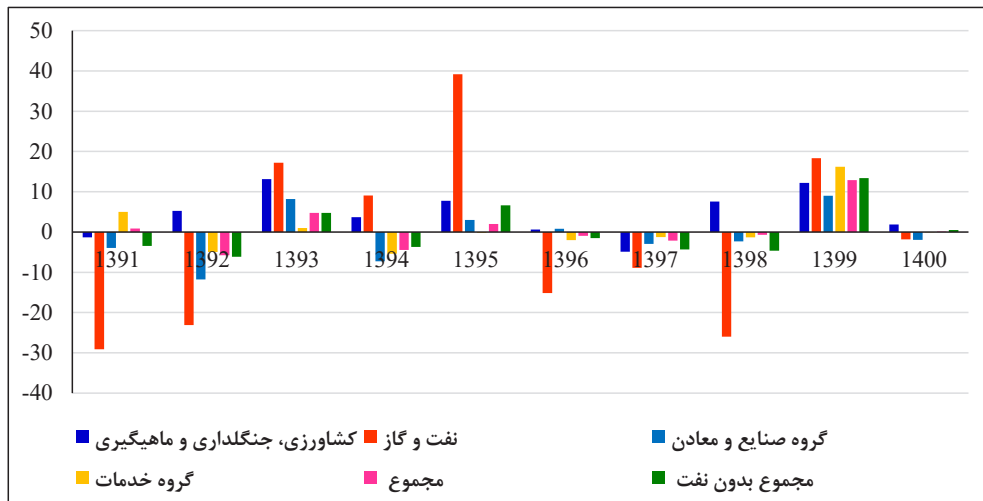
OurWorldInData.org/research-and-development | CC BY

Note: Spending includes current and capital expenditures (public and private) on research.

۷. بهره وری تولید

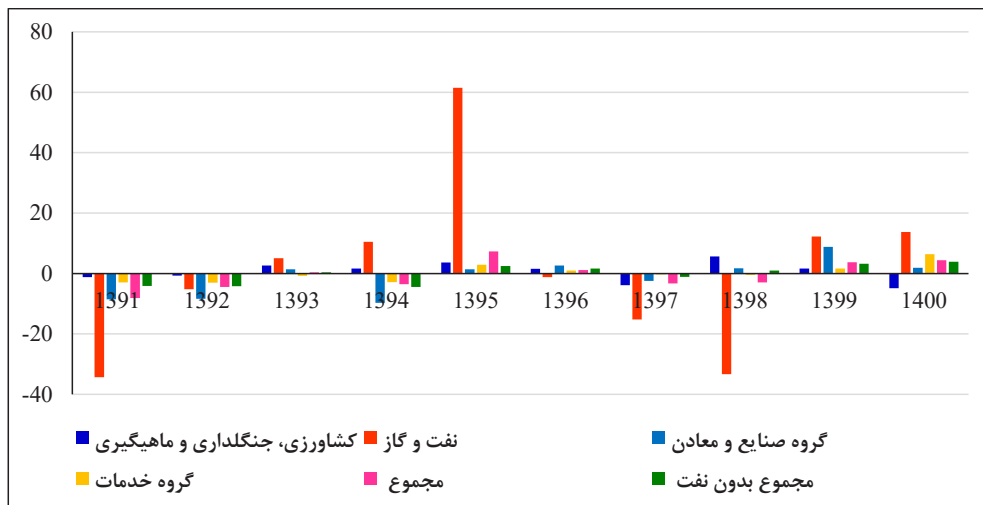
براساس برنامه ششم مقرر بوده است که رشد سالانه بهره‌وری معادل ۲٫۸ درصد باشد و سهم بهره‌وری از رشد اقتصادی به ۳۳ درصد برسد؛ اما در طول اجرای برنامه، رشد بهره وری کل برای سال‌های برنامه بطور متوسط برابر ۰٫۸۸ درصد بود که نشان می‌دهد در اقتصاد ایران بسیاری از ساختارها و سیاست‌های موجود، مشوق بهره‌وری نبوده یا حداقل سازگار با بهره‌وری نیستند. در ادامه نمودار مربوط به بهره وری نیروی کار، سرمایه و کل اقتصاد قابل مشاهده است.

رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار براساس ارزش افزوده و ساعات اشتغال فعالیت‌های اقتصادی - درصد



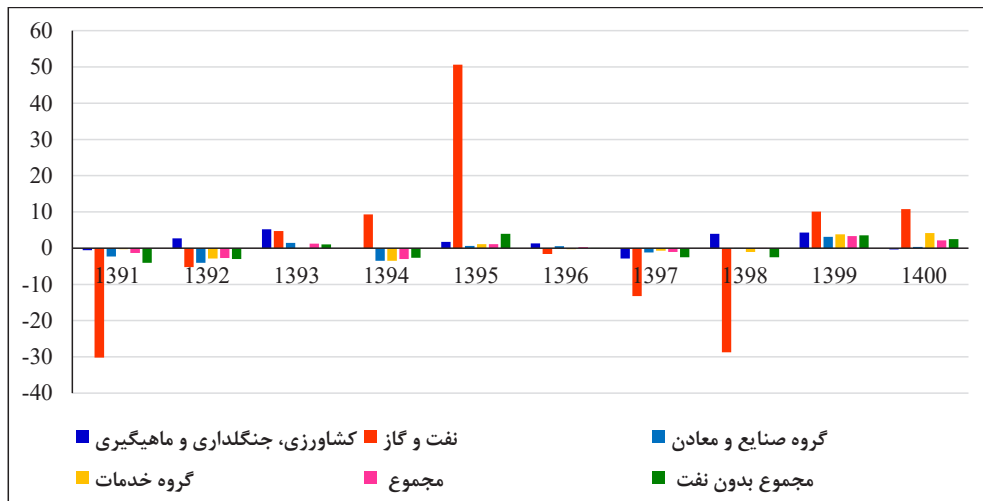
منبع: سازمان ملی بهره‌وری ایران

رشد شاخص بهره‌وری سرمایه براساس ارزش افزوده و ساعات اشتغال فعالیت‌های اقتصادی - درصد



منبع: سازمان ملی بهره‌وری ایران

رشد شاخص بهره‌وری کل اقتصاد براساس ارزش افزوده و ساعات اشتغال فعالیت‌های اقتصادی - درصد



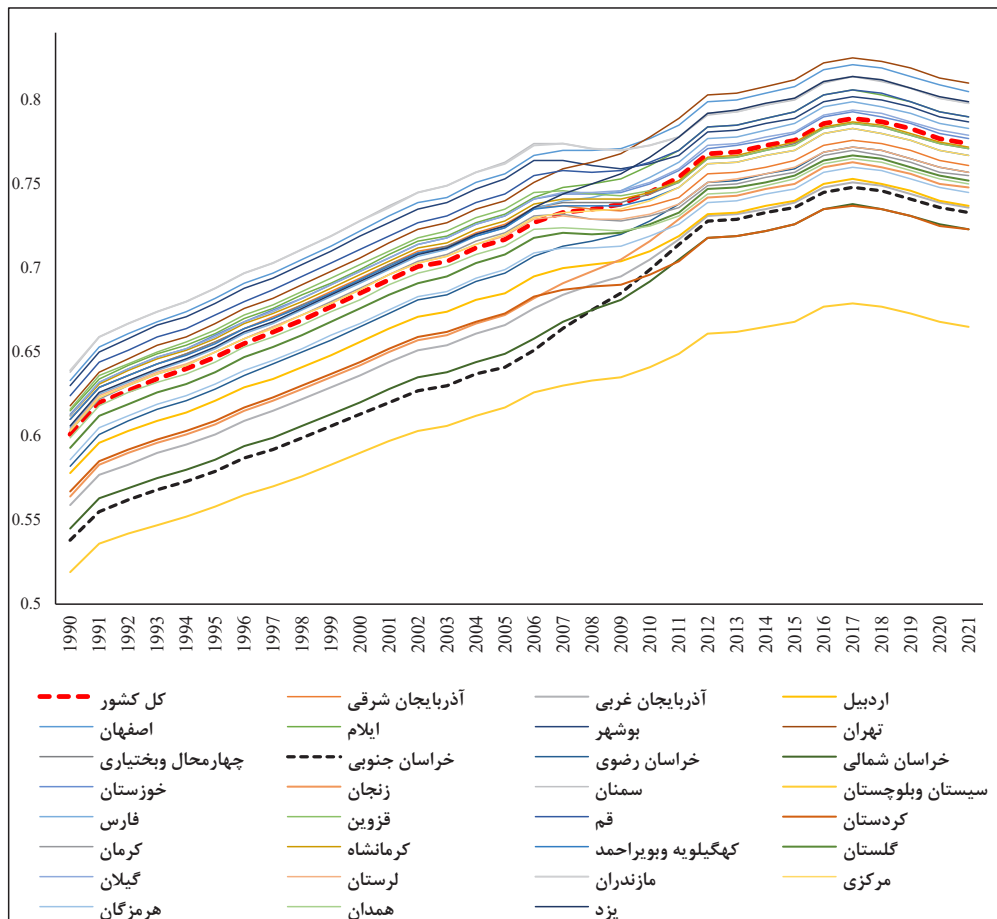
منبع: سازمان ملی بهره‌وری ایران

آیا سیاست کاهش هزینه دولت (به عنوان راهکاری برای کاهش حجم دولت) باید برای تمامی استان‌ها به یک شکل صورت گیرد؟

کاهش حجم دولت از طریق کاهش هزینه آن نباید برای تمامی استان‌ها به یک نسبت صورت گیرد. چرا که شرایط و سطح توسعه استان‌های مختلف متفاوت است. برای مثال، سطح توسعه استان‌ها بر اساس شاخص اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی و شاخص توسعه انسانی به صورت زیر می‌باشد (پارسی پور و همکاران، ۱۴۰۲):

۱. پارسی پور، حسن، حسین زاده، احمد و عاقلی مقدم، حمیدرضا. (۱۴۰۲). رتبه‌بندی و تحلیل درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور. مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۶(۴)، ۷۵۱-۷۶۶.

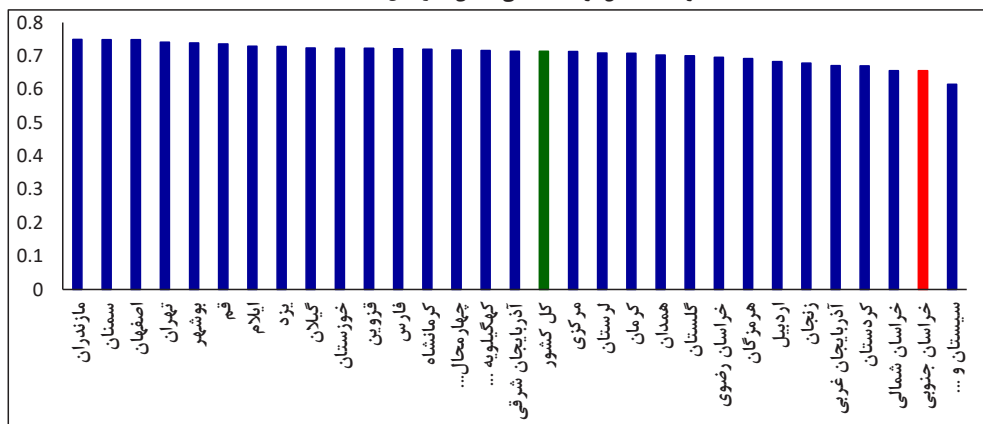
سطح توسعه استان ها بر اساس شاخص توسعه انسانی



منبع: globaldatalab.org

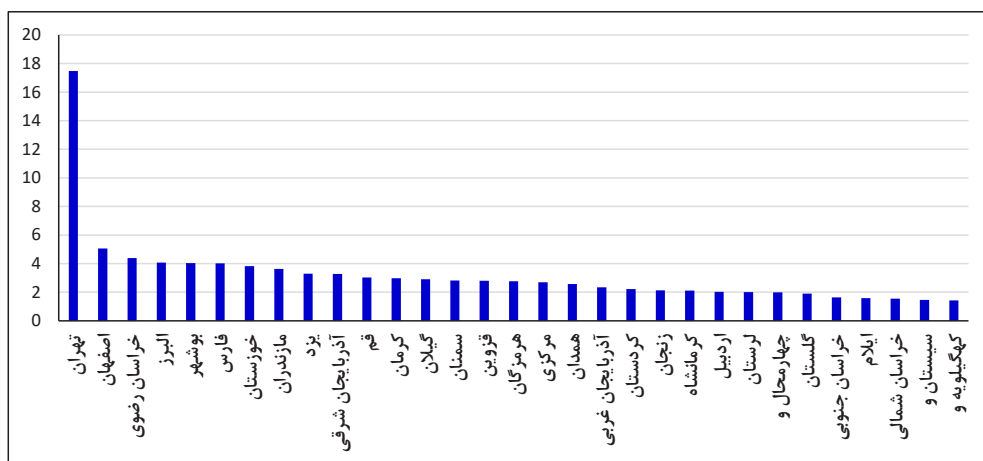
اگر میانگین شاخص توسعه انسانی را برای استان ها در بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۱ استخراج نماییم خواهیم دید که متوسط این شاخص برای استان خراسان جنوبی بعد از سیستان و بلوچستان کمترین است.

متوسط شاخص توسعه انسانی استان‌ها از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱



منبع: globaldatalab.org

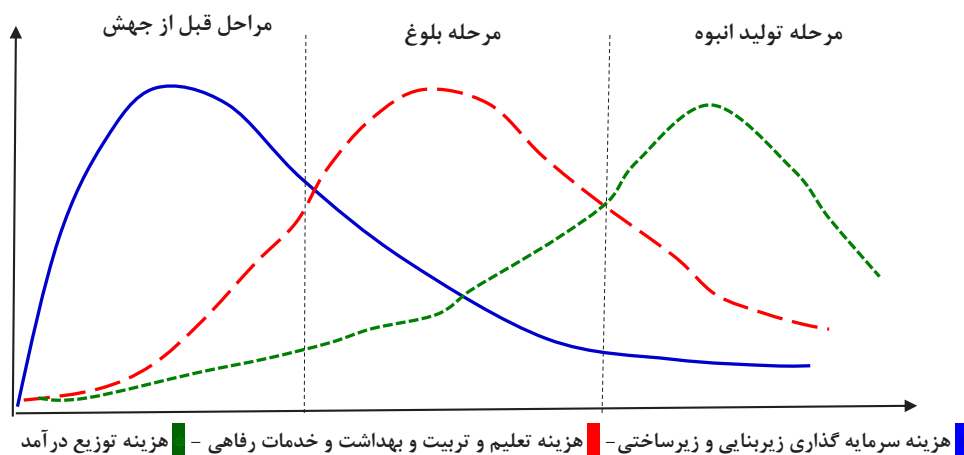
سطح توسعه استان‌ها بر اساس شاخص اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی



همانطور که از نمودارهای بالا مشخص است استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان‌ها دارای سطح توسعه پایین تری است. لذا نمی‌توان برای تمامی استان‌ها به یک شیوه عمل کرد. ماسگریو و رستو معتقدند که هزینه‌های دولت باید بسته به شرایط توسعه هر کشور متفاوت باشد. از نظر آن‌ها باید در مراحل اولیه توسعه (مرحله قبل از جهش اقتصادی و مرحله جهش اقتصادی) نسبت هزینه سرمایه‌گذاری زیربنایی به کل هزینه‌های دولت نسبت به سایر هزینه‌ها بیشتر باشد. آن‌ها معتقدند در مراحل میانی توسعه (مرحله تولید انبوه) ترکیب مخارج عمومی از مخارج زیربنایی به مخارج تعلیم و تربیت و بهداشت و خدمات رفاهی عوض می‌شود. در نهایت، در مراحل

انتهای توسعه یعنی مرحله تولید انبوه (یا مصرف انبوه) برنامه های توزیع مجدد نسبت به مخارج عمومی بر اقلام دیگر و همینطور نسبت به تولید ناخالص داخلی افزایش می یابد.

هزینه های دولت در مراحل مختلف توسعه

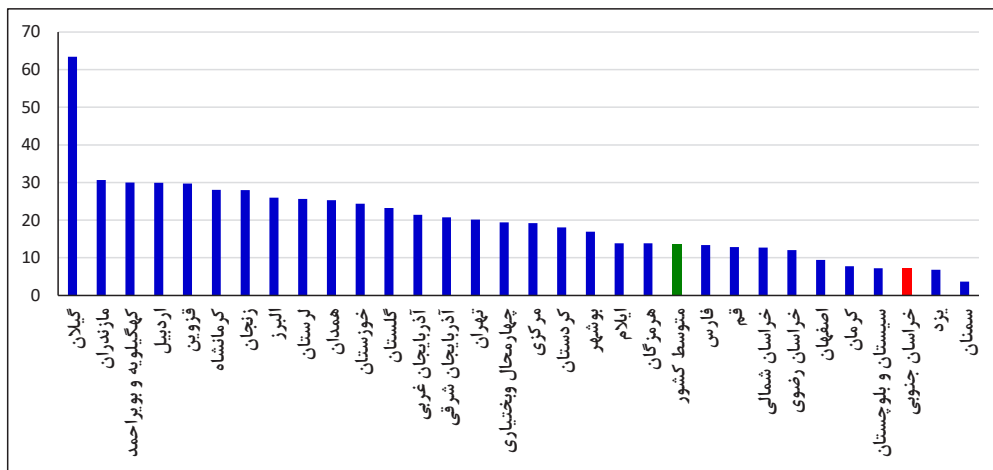


همانطور که مشخص است هزینه های دولت باید در شرایط مختلف توسعه اقتصادی متفاوت باشد. بنابراین، با توجه به اینکه استان های مختلف شرایط متفاوتی دارند باید نوع هزینه هایی که برای هر استان می شود متفاوت باشد و کاهش هزینه های دولت برای تمامی استان ها اتفاق نیافتد؛ بلکه استان هایی که دارای سطح توسعه پایینتری هستند، دولت حمایت بیشتری از آن ها داشته باشد؛ چرا که معمولاً بخش خصوصی به دلیل هزینه بالای ایجاد زیرساخت ها، طولانی بودن دوره برگشت سرمایه و تفکیک ناپذیر بودن مصرف کنندگان (به دلیل عمومی بودن کالا) به ندرت یا خیلی کم اقدام به سرمایه گذاری در زیرساخت ها می نماید. اگر چه احداث و ایجاد بسیاری از زیرساخت ها نقش چندانی در افزایش میزان مطلق رشد اقتصادی ندارد و ایجاد حجم بالای این زیرساخت ها در یک مقطع زمانی کوتاه به شدت تورمزا است، اما نبود این زیرساخت ها به شدت مانع رسیدن به توسعه است. از طرف دیگر، وجود زیرساخت ها برای دستیابی به رشد بالا در بلند مدت و حفظ رشد اقتصادی به مدت طولانی تر ضروری است. لذا، کاهش هزینه های دولت به بهانه کاهش حجم دولت نمی تواند در این استان ها سیاستی درست باشد. آنچه که اهمیت دارد این است که هزینه های دولت باید هدفمند شود نه اینکه به صورت یکنواخت در همه استان ها کاهش یابد. به عبارتی، هزینه های دولت در هر استان به سمت و سویی حرکت کند که نیاز آن استان بیشتر است. قطعاً استانی که هنوز زیرساخت های مناسبی ندارد و بخش خصوصی نیز تمایلی به ایجاد زیرساخت

در آن استان ندارد، نمی‌تواند جهش تولید را رقم بزند؛ چرا که بدون وجود زیر ساخت ها و شرایط اولیه توسعه (یا فراهم سازی شرایط جهش اقتصادی) نمی‌توان به سمت توسعه اقتصادی حرکت کرد. در این حالت خصوصی سازی و مردمی سازی اقتصاد نه تنها نمی‌تواند سیاست موفق باشد بلکه حتی می‌تواند منجر به شکست اقتصاد آن استان نیز گردد.

استان خراسان جنوبی در زیر ساخت های حمل و نقل که شرط ضروری تویه توسعه است، وضعیت مناسبی ندارد. استان در حمل و نقل زمینی دارای مشکلاتی نظیر کمبود منابع تامین مالی و اعتبارات بودجه مورد نیاز، فرسودگی یا عدم آسفالت برخی جاده ها، عریض نبود جاده ها، نبود بزرگراه های متصل به هم، ایمن نبودن وسایل نقلیه و جاده ها، نبود برنامه ریزی برای نوسازی ناوگان حمل و نقل، عدم استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، پایین بودن کیفیت زیرساخت جاده ای؛ در حمل و نقل هوایی مشکلاتی نظیر تعداد کم فرودگاه و پروازهای داخلی و خارجی، زیرساخت های محدود پروازی، لغو و تاخیر زیاد پروازهای موجود و اتلاف وقت، فرسودگی ناوگان حمل و نقل هوایی، می باشد. همچنین متأسفانه استان با گذشت چندین دهه هنوز از حمل و نقل ریلی محروم است. در ادامه تراکم راه های استان به عنوان شاخصی برای وضعیت راه های استان قابل مشاهده است.

تراکم راه های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان (کیلومتر به صد کیلومتر مربع)

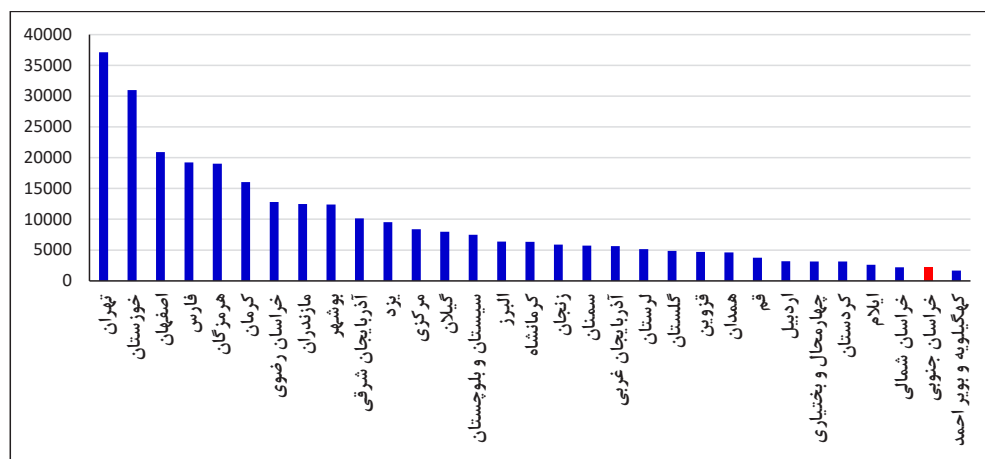


منبع: وزارت راه و شهرسازی

همچنین وضعیت استان در زمینه توزیع و مصرف برق نیز چندان مناسب نیست. بطوری که بر اساس آمار نامه شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران، استان در سال ۱۴۰۰ در زمینه ظرفیت عملی نیروگاههای

حرارتی رتبه ۲۷، ظرفیت پست‌های انتقال و فوق توزیع برق رتبه ۳۰ و ظرفیت پست‌های توزیع برق رتبه ۲۸، را نسبت به سایر استان‌ها کسب نموده است. این در حالی است که استان در متوسط مصرف مشترکین برق خانگی در رتبه ۳۰ و متوسط مصرف مشترکین برق تجاری در رتبه ۱۸ قرار دارد. همانطور که مشخص است، استان خراسان جنوبی در حوزه تولید و توزیع برق جزء استان‌های با رتبه پایین است و در این زمینه وضعیت چندان وضعیت مناسبی ندارد و نیازمند توجه بیشتر است.

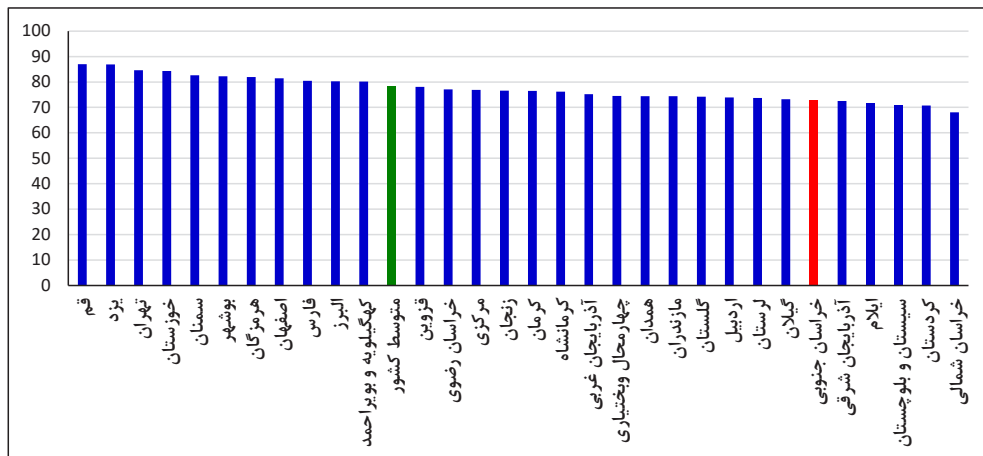
ظرفیت پست‌های انتقال و فوق توزیع



منبع: وزارت نیرو

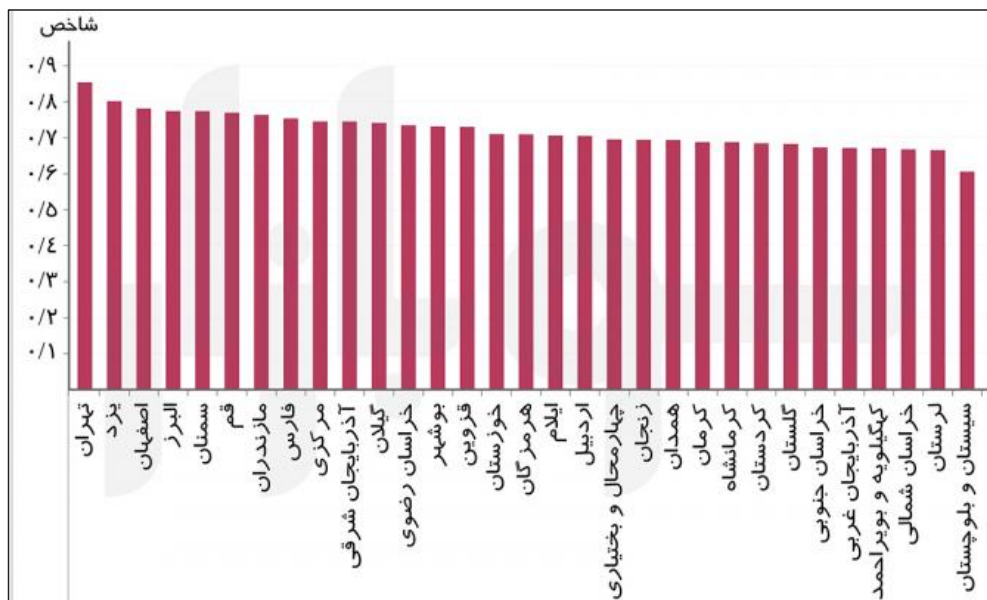
علاوه بر این راههای ارتباطی و اینترنتی مناسب از دیگر مولفه های اولیه و ضروری توسعه محسوب می‌شوند. با وجود اینکه پس از انقلاب اسلامی، سرمایه‌گذاری و تلاش‌های گسترده‌ای در جهت بهبود این شاخص انجام شده است، اما وضعیت خراسان جنوبی در برخی شاخص‌ها نظیر ضریب نفوذ تلفن همراه، ضریب نفوذ اینترنت، تعداد دفاتر پیشخوان دولت شهری و شاخص سطح دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و شاخص میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نسبت به سایر استان‌ها مناسب نیست و در رتبه پایین‌تری قرار دارد.

ضریب نفوذ اینترنت



منبع: وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

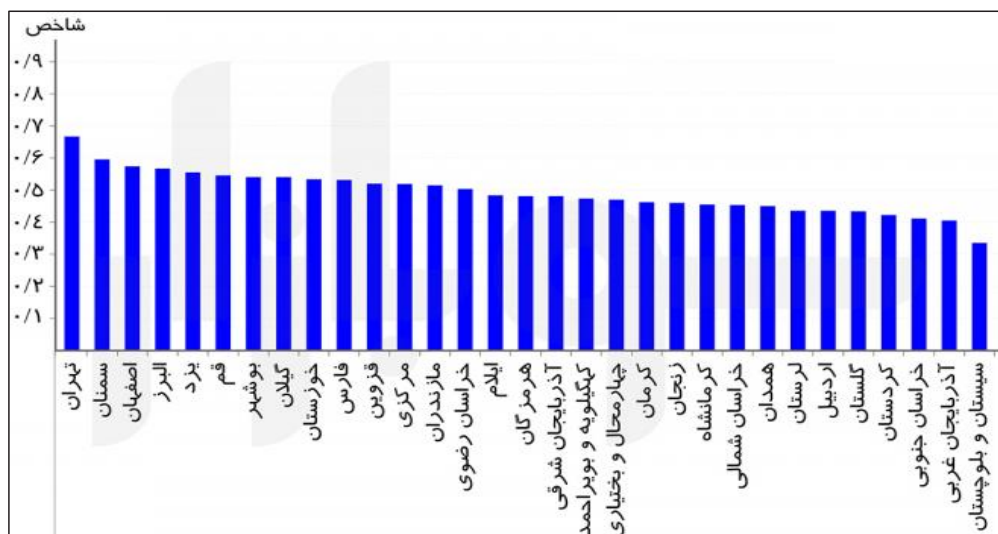
شاخص سطح دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات



منبع: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران

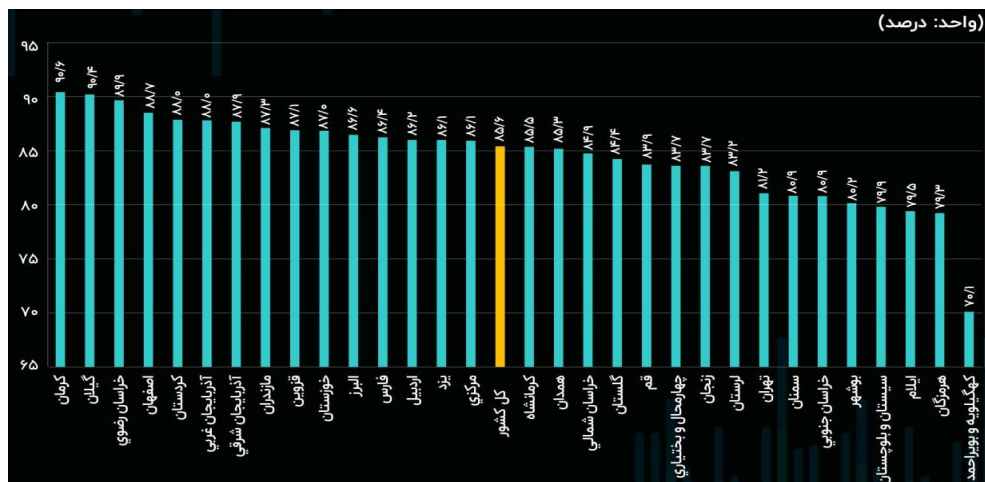
فصل چهارم - بررسی وضعیت کشور و استان خراسان جنوبی

شاخص میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات



منبع: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران

سهم شاغلین بخش خصوصی در هر استان



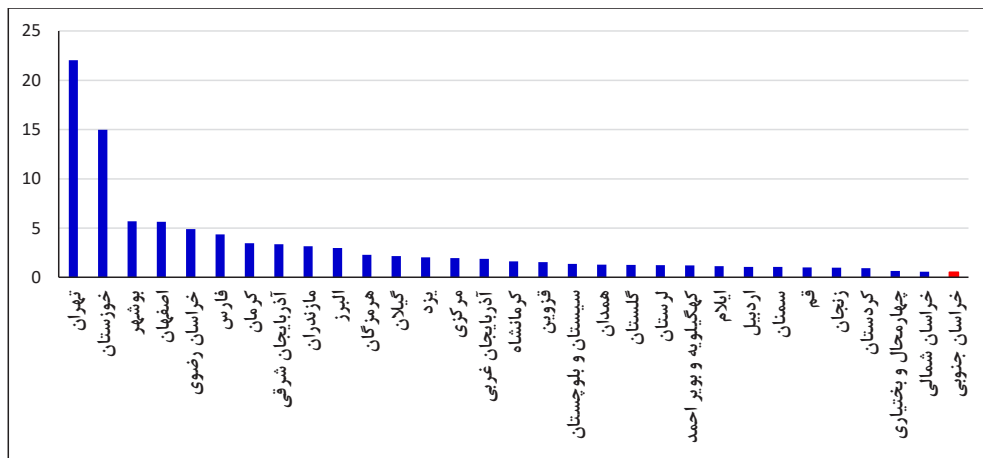
منبع: مرکز آمار ایران

همانطور که از شاخص های بالا مشخص است، استان خراسان جنوبی وضعیت مناسبی در زیرساخت ها ندارد. بنابراین، کاهش هزینه های دولت برای استان خراسان جنوبی و حرکت به سمت خصوصی سازی کامل می تواند برای اقتصاد استان آسیب زا باشد.

آیا سیاست حمایت از تولید کننده برای جهش تولید کافی است؟

برای جهش تولید باید به شرایط قبل و بعد تولید توجه کرد و فقط معطوف به تولید نشد. چرا که سیاست گذاری بدون توجه به این شرایط نمی تواند موفقیت آمیز باشد. به عبارتی برقراری شرایط مناسب باید هم در مرحله ورودی تولید و هم خروجی آن برقرار شود. برای اینکه ورودی تولید بتواند منجر به جهش تولید شود نیازمند زیرساخت های کافی است. تا زمانی که شرایط اولیه تولید اتفاق نیافتد جهش تولید اتفاق نمی افتد. در بخش قبلی اشاره شد که زیرساخت های استان چندان مناسب نیست. همین موضوع باعث شده است جهش تولید استان اتفاق نیافتد و سهم استان از تولید ناخالص داخلی کشور ۰٫۵۱ درصد باشد و در رتبه ۳۱ قرار گیرد.

سهم استان از تولید ناخالص داخلی



منبع: مرکز آمار ایران

دلایل پایین بودن تولید ناخالص داخلی استان بدین خاطر است که؛ ۱. بخش کشاورزی با مشکلاتی نظیر کاهش درآمدی بالای عمده محصولات کشاورزی استان نظیر زرشک، زعفران و عنب، قیمت گذاری دستور، شبکه توزیع نامناسب، خام فروشی محصولات کشاورزی استراتژیک استان به دلیل فقدان صنایع تبدیلی، تغییرات اقلیمی از جمله خشکسالی های ۲۰ سال اخیر و کمبود شدید آب، کمبود نهاده های دامی و کشاورزی، نبود انبار، سردخانه

و سیلوهای کافی عدم استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در حوزه محصولات کشاورزی، ضعف در بازاریابی، بازاریابی، بازاریابی و بازاریابی، گران بودن هزینه تبلیغات و نبود صلاحیت در راستای کمک به معرفی و برندسازی محصولات کشاورزی جهت رسیدن به سود، وابستگی شدید استان به مواد غذایی؛ ۲. بخش صنعت و معدن با چالش هایی مانند فناوری و راندمان پایین صنایع، وجود مشکلات زیرساختی فراوان در بخش حمل و نقل، آب، برق، گاز، ارتباطات و غیره، مشکلات تامین مالی پروژه ها و نبود اعتبارات کافی، نوسانات قیمتی و دخالت های دستوری در بازار، بلوکه بودن پهنه های معدنی، فرسودگی یا فقدان ماشین آلات سنگین معدنی، خام فروشی و عدم فرآوری کافی منابع، سختگیری در واردات ماشین آلات سنگین، نبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد، نوسانات قیمت جهانی مواد معدنی، سهم اندک مواد معدنی استان از زنجیره ارزش، عدم وجود زیرساخت های مناسب در شهرک های صنعتی و بازارچه های مرزی (از جمله آب، برق، گاز و راه)، استفاده از ماشین آلات صنعتی و معدنی کارکرده و از رده خارج کشورهای صنعتی (بیشتر بودن نرخ استهلاك از نرخ سرمایه گذاری) و نبود عزم جدی برای نوسازی صنایع استان، بالا بودن هزینه تامین مالی صنایع و راکد ماندن برخی از صنایع، وجود قوانین دست و پاگیر و عدم کارآمدی لازم مشوق های اعطایی و حمایت ها، نبود توان فنی و مالی بالا در بخش خصوصی استان به منظور شناسایی و اکتشاف ذخایر معدنی، عدم وجود مراکز آزمایشگاهی تخصصی و معتبر بخش صنعت و معدن، وجود موانع مقرراتی که مانع کسب و کار نظیر تعدد قوانین، بخشنامه ها، آیین نامه ها، آرای شوراها و مقررات اداری و عدم وجود وحدت رویه و تشخیص کارشناسی و غیره، خام فروشی مواد معدنی ارزشمند استان و به دلیل فقدان صنایع فرآوری، نبود توان فنی و مالی بالا در بخش خصوصی به منظور شناسایی و اکتشاف ذخایر معدنی و ایجاد واحدهای فرآوری معدنی، تعطیل و نیمه فعال بودن برخی از واحدهای تولیدی در شهرک ها و نواحی صنعتی استان به دلیل کمبود سرمایه در گردش، کمبود منابع آبی پایدار برای اجرای پروژه ها بویژه پروژه های بزرگ و آبر، محدودیت های در نظر گرفته شده در قانون مبادلات مرزی مرتبط با عدم خروج اقلام وارداتی مرزنشینان از استان مورد نظر؛ و ۳. بخش خدمات با مشکلاتی نظیر نوسانات و تلاطم قیمتی، تعدد و تغییرات بیش از حد قوانین، پیش بینی ناپذیر بودن اقتصاد و بالا بودن انتظارات قیمتی، سودده بودن فعالیت های نامولد نسبت به فعالیت های مولد، ضعف زیرساختی و مشکلات تامین مالی و فراهم نبودن زمینه فروش و بازاریابی تولیدات، مواجه هستند. بنابراین، همانطور که در بخش قبلی نیز اشاره شد بدون توجه به زیرساخت ها و حمایت دولت نمی توان امیدی به جهش تولید در استان خراسان جنوبی داشت و زمانی که در یک یا چند استان جهش تولید اتفاق نیافتد، در کل کشور نیز توسعه اقتصادی رقم نخواهد خورد؛ چرا که توسعه یک فرآیند همه جانبه است و نمی توان با توسعه چند بخش یا منطقه به سمت پیشرفت و توسعه اقتصادی حرکت کرد.

علاوه بر این، حتی اگر جهش تولید اتفاق بیافتد و خروجی تولید افزایش چشم گیری داشته باشد؛ تا زمانی که تقاضای کافی برای تولیدات وجود نداشته باشد و کالاها به فروش نرسند، باعث خواهد شد که اقتصاد وارد رکود شود و به مرور زمان تولیدکننده به دلیل زبانی که متحمل می شود از چرخه اقتصاد استانی کنار بکشد. تولیدات داخلی در دو بازار می تواند مصرف شود؛ ۱. بازار داخلی و ۲. بازار خارجی.

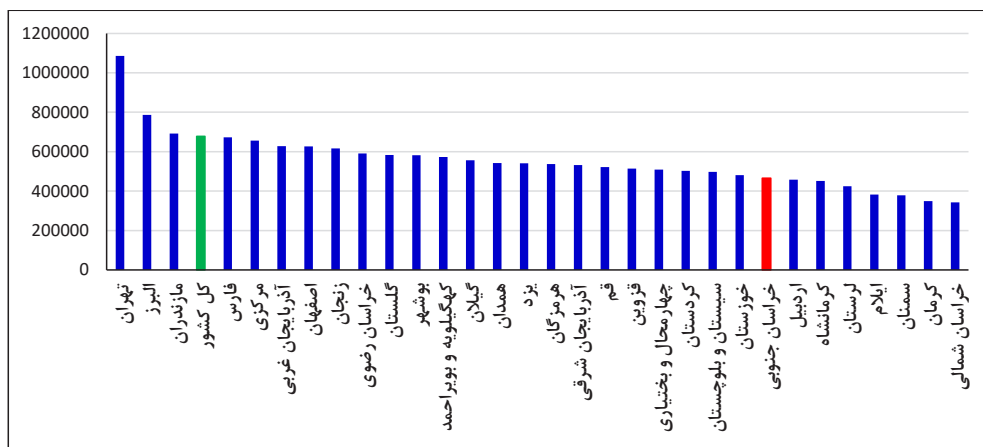
برای بررسی این موضوع بهتر است تقاضای کل را بر اساس مباحث اقتصاد کلان بررسی کنیم. بر این اساس، تقاضای کل برابر است با:

$$Y=C+I+G+NX$$

در عبارت بالا Y نشاندهنده تقاضای کل، C نشانگر مصرف خانوار، I بیانگر سرمایه گذاری، G نشانگر مخارج دولت و NX بیانگر خالص صادرات می باشد. برای بررسی تقاضا بهتر است تک تک موارد را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

۱. **مخارج خانوار:** نمودار زیر هزینه خانوار هر خانوار شهری را نشان می دهد. همانطور که از نمودار مشخص است وضعیت استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان ها چندان مناسب نیست و نشانگر کاهش تقاضا از جانب مخارج مصرفی می باشد:

متوسط هزینه های غیر خوراکی سالانه یک خانوار شهری - (هزار ریال)



منبع: مرکز آمار ایران

البته دلیل مخارج و هزینه پایین خانوارهای استان به کمبود درآمد آن‌ها بر می‌گردد. متوسط درآمدهای ناخالص سالانه یک خانوار شهری و روستایی استان از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ روند افزایشی داشته است و در تمامی سال‌ها این درآمد برای خانوار شهری تقریباً دو برابر خانوار روستایی و کمتر از متوسط کشوری بوده است. متأسفانه درآمد سالانه یک خانوار روستایی استان نسبت به سایر استان‌ها در وضعیت مناسبی نبوده و در رتبه‌های ۲۹ و ۳۰ در گردش هست که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب خانوارهای روستایی استان نسبت به سایر استان‌هاست.

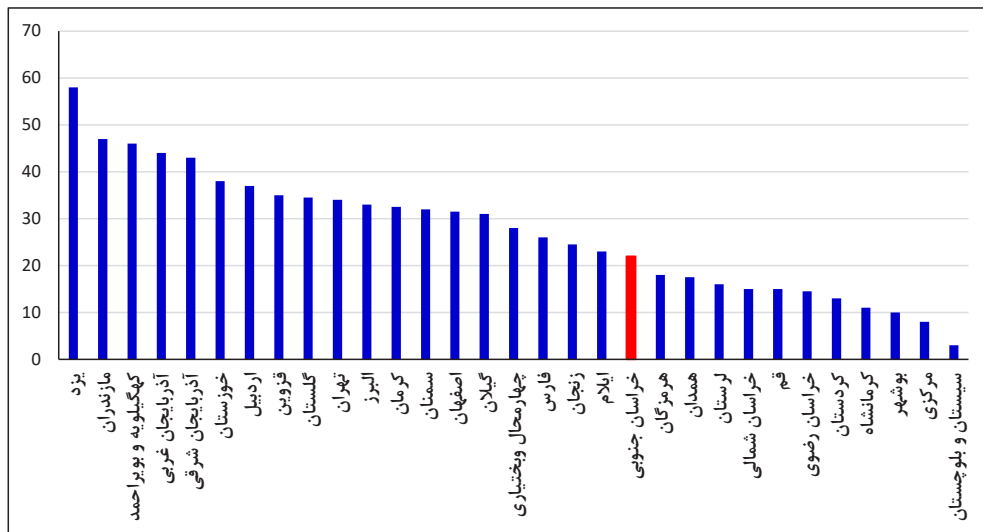
متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری و روستایی

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه
متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری کشور	۳۶۶۸۴۸	--	۴۳۴۹۰۵	--	۵۴۱۰۰۷	--	۷۴۶۷۶۴	--	۱۱۲۴۲۱۷	--
متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری خراسان جنوبی	۲۸۰۳۸۷	۲۲	۳۱۳۰۴۶	۲۷	۳۹۳۳۶۹	۲۸	۵۴۰۶۵۰	۲۵	۸۳۲۳۸۵	۲۱
متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی کشور	۲۰۱۸۴۲	--	۲۳۳۱۱۴	--	۲۹۷۰۲۲	--	۴۲۰۴۷۰	--	۶۳۷۱۳۲	--
متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی خراسان جنوبی	۱۳۸۱۵۶	۳۰	۱۶۱۳۸۳	۲۹	۱۹۷۵۵۳	۳۰	۲۵۹۶۸۲	۲۹	۳۸۷۵۸۶	۲۹

مأخذ: مرکز آمار ایران

۲. سرمایه‌گذاری: در خصوص میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در استان‌ها آمار دقیقی وجود ندارد. با این حال در مباحث اقتصاد کلان بیان می‌شود که بخش قابل توجهی از پس‌انداز خانوار می‌تواند به سمت سرمایه‌گذاری حرکت نماید. اگر آمار پس‌انداز خانوار را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که وضعیت خراسان جنوبی در این شاخص نیز نسبت به بسیاری از استان‌ها پایینتر است.

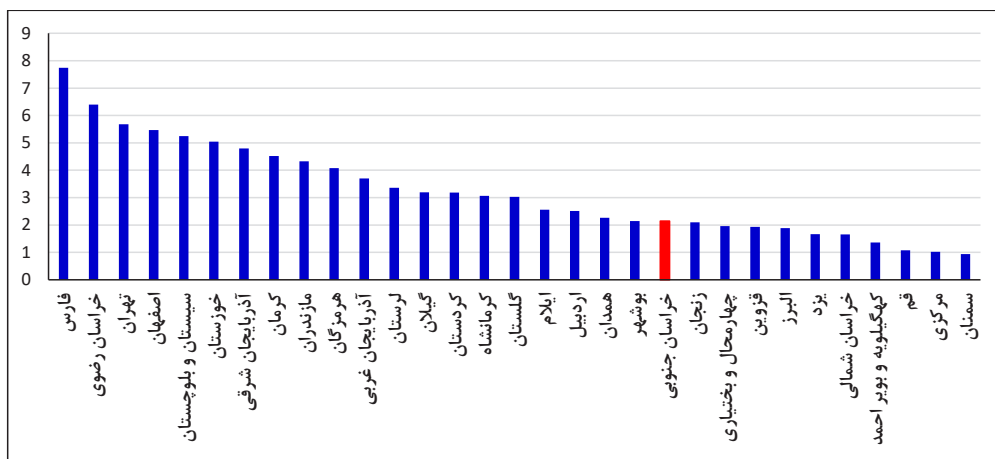
پس انداز خانوارها (میلیون ریال)



منبع: مرکز آمار ایران

۳. **مخارج دولت:** نمودار زیر سهم استان ها را از اعتبارات بودجه ای دولت نشان می دهد. همانطور که مشخص است سهم استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان های وضعیت مناسبی ندارد.

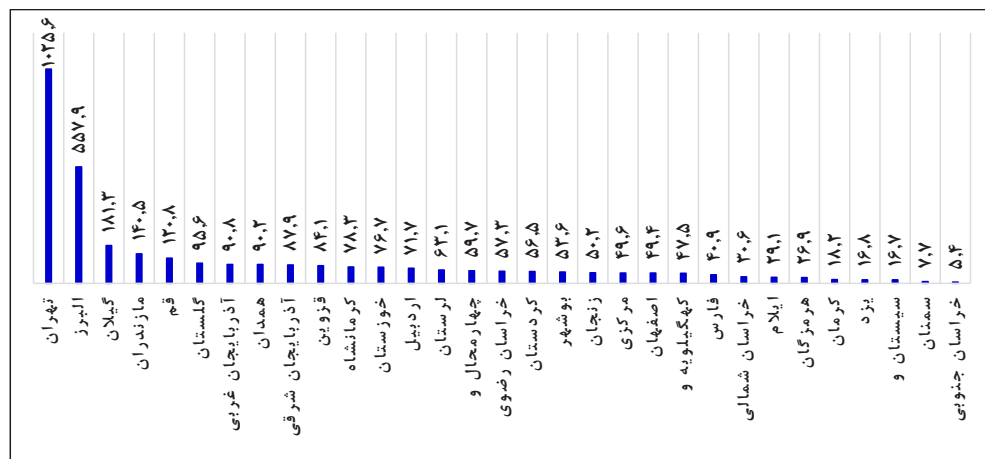
سهم استان ها از اعتبارات بودجه ای



منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی

کمبود اعتبارات استان خراسان جنوبی در حالی است که استان خراسان جنوبی از نظر مساحت در رتبه سوم قرار دارد و ۹,۶ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است که این موضوع نشان می‌دهد که استان به دلیل پراکندگی جمعیت برای ایجاد زیرساخت‌هایی مانند جاده، خدمات رفاهی و آموزشی و غیره نیاز به اعتبارات بیشتری دارد. نمودار زیر تراکم جمعیت استان‌ها را نشان می‌دهد.

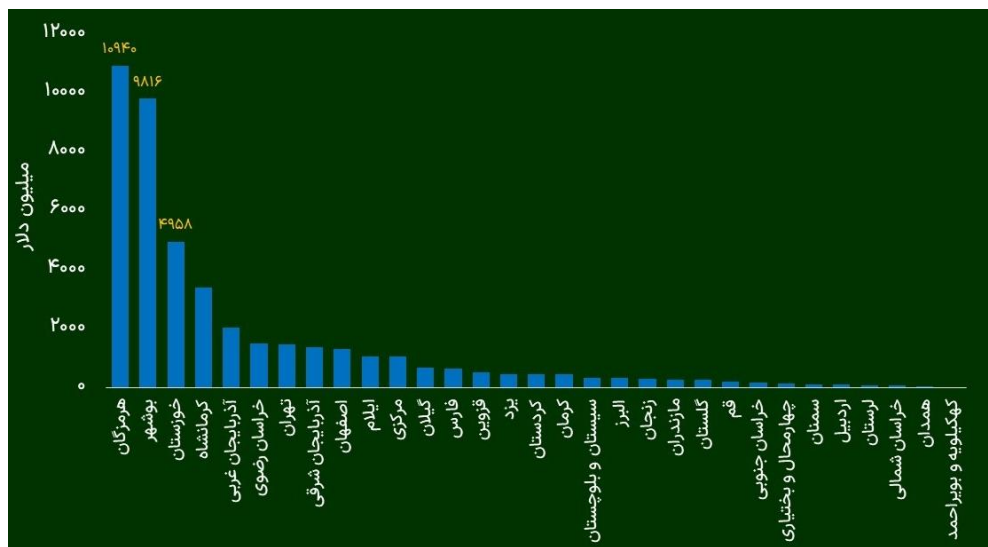
تراکم جمعیت استان‌ها (نفر در کیلومتر مربع)



منبع: مرکز آمار ایران

۴. تجارت خارجی: نمودار زیر عملکرد صادراتی استان‌ها در ۱۱ ماهه منتهی به بهمن ۱۴۰۲ را نشان می‌دهد. همانطور که از شکل زیر مشخص است خراسان جنوبی نسبت به سایر استان‌ها در رتبه پایین تری قرار دارد که بیانگر تجارت کمتر استان می‌باشد.

عملکرد صادراتی استان‌ها در ۱۱ ماهه منتهی به بهمن ۱۴۰۲



منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

خراسان جنوبی باوجود اینکه با کشور افغانستان دارای مرز مشترک است، اما عملاً در فهرست شرکای اقتصادی جدی این کشور قرار ندارد. به عبارت دیگر، هنوز روابط اقتصادی استان و افغانستان به مقداری که بتوان آن را اثرگذار دانست، نرسیده است. هم از جانب استان خراسان جنوبی و هم کشور افغانستان و حتی سایر مقاصد صادراتی، ضعف‌ها و چالش‌های جدی وجود دارد که مانع از بهبود روابط تجاری شده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این عوامل اشاره می‌شود:

– یکی از عواملی که شاید تاکنون استان خراسان جنوبی نتوانسته از ظرفیت‌های تجاری، صنعتی و معدنی کشور افغانستان به خوبی استفاده کند، عدم توسعه صنعتی استان خراسان جنوبی و در واقع رکود به وجود آمده در بخش صنعت این استان است. از معضلات استان، نبود صنایع پیشرفته تبدیلی در بخش کشاورزی و مواد معدنی است که منجر به فروش خام مواد معدنی و محصولات فرآوری نشده در بخش کشاورزی در این استان شده است.

– عدم وجود زیرساخت‌های مناسب جهت انجام صادرات و واردات

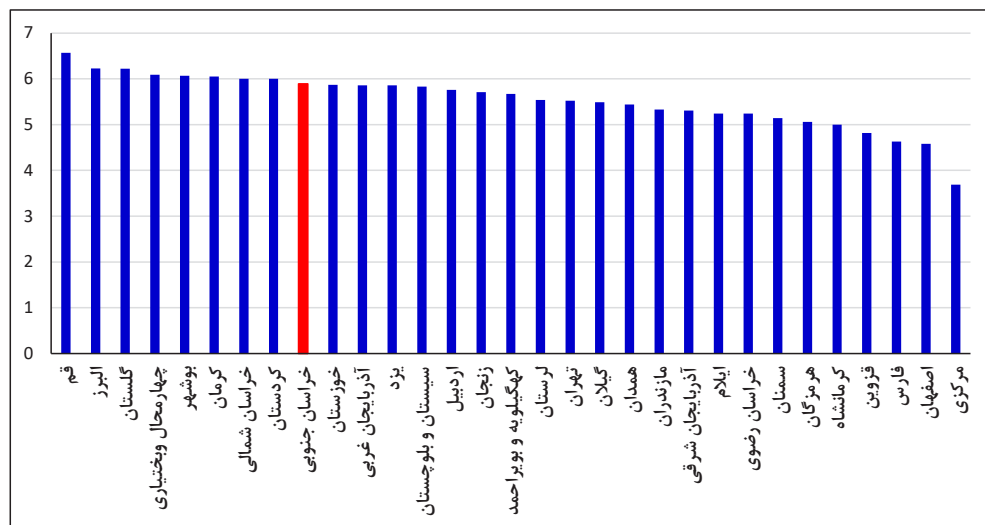
– به دلیل نبود آزمایشگاه استاندارد برای صادرات محصولات استراتژیک استان، محصولات صادراتی از گمرکات و سایر مبادی صادراتی، به کشورها صادر می‌گردد که باعث بی نصیب ماندن تولیدکنندگان و صادرکنندگان از ارزش افزوده صادراتی و جلوگیری از شکل‌گیری فعالیت‌های خدماتی مرتبط در استان می‌گردد. با توجه به

گسترش مبادلات تجاری و ترانزیت در گمرک ماهیرود و بازارچه های مرزی، کمبود نیروی انسانی متخصص وجود دارد.

- نبود توان مالی و فنی بالا در بخش خصوصی به منظور شناسایی و اکتشاف ذخایر معدنی سنتی بودن و عدم به کارگیری شیوه های نو در بخش کشاورزی به منظور توسعه تجارت
- ضعف فن آوری و بازاریابی در بخش صنعت و معدن در مناطق مرزی
- نبود واحدهای بزرگ و مادر صنعتی و معدنی در مناطق مرزی
- عدم وجود سیاستهای تشویقی و حمایتی در خصوص توسعه صنایع و گسترش مبادلات مرزی
- عدم وجود تأسیسات اقامتی (هتل، مهمان پذیر) با کیفیت مناسب در مناطق مرزی
- کمبود زیربنای اصلی لازم شامل شبکه های حمل و نقل، گاز، برق و مخابرات در نواحی صنعتی مرزی
- نبود زیرساخت های مناسب در شهرک صنعتی و نواحی صنعتی مناطق مرزی
- تعطیل شدن برخی واحدهای تولیدی به دلیل مشکلات مالی مانند تعطیلی واحدهای سنگبری شهرستان های مرزی علیرغم وجود پتانسیل بالای معدنی بویژه در حوزه سنگ های گرانبه
- عدم تجهیز شبکه های زیربنایی متناسب با قابلیت های شهرستان های مرزی استان از جمله شبکه های حمل و نقل، برق، آب و گاز
- عدم وجود کشتارگاه صنعتی به منظور کشتار دام سبک و سنگین در مناطق مرزی علیرغم سطح بالای تولید دام در آن مناطق و امکان واردات دام
- کمبود امکانات زیربنایی ذخیره سازی کالا و خدمات برای صادرات و همچنین برای ذخیره سازی کشف کالاهای قاچاق قطعیت یافته
- توسعه نیافتگی مراکز خرید و فروشگاههای زنجیره ای استان در بازارچه های مرزی
- ریسک فعالیت های صادراتی به افغانستان
- شکل گیری فعالیت های اقتصاد پنهان و پدیده قاچاق کالا
- نبود توازن تجاری با کشور افغانستان
- عدم ثبات در تصمیمات مرتبط با تجارت خارجی در افغانستان به دلیل نبود دولت مرکزی مقتدر در این کشور
- بسته شدن یکطرفه بازارچه های مرزی از سوی کشور افغانستان
- دوری استان از مراکز عمده تولید

- عدم عضویت افغانستان در کنوانسیون های مشترک گمرکی و حمل و نقلی و عدم التزام به رعایت برخی قوانین
 - محدود بودن کالاهای صادراتی و عدم تنوع و انعطاف پذیری صادرات
 - محدود بودن مقاصد صادراتی استان
 - کمبود اعتبارات استانی جهت تکمیل زیرساخت های جاده ای و رفاهی با توجه به معبر بودن این استان برای خروج کالا به افغانستان
 - عدم استقرار کنسولگری افغانستان در بیرجند با وجود مبادلات تجاری وسیع با این کشور و دارا بودن ۳۳۱ کیلومتر مرز مشترک
 - عدم حضور نماینده گمرک افغانستان در بازارچه های مرزی استان (به غیر از بازارچه ماهیرو- میل ۷۸) و در نتیجه عدم استفاده و منتفع نشدن از درآمد حاصل از واردات کالاها به افغانستان
 - وجود ناامنی در برخی مسیرهای ارتباطی بازارچه های مرزی به داخل افغانستان که از یکسو برای تجار افغانی محدودیت زمان و نحوه تردد ایجاد می کند (تردد در روز و بصورت گروهی) و از سوی هزینه هایی به آنان تحمیل می گردد.
 - اخذ عوارض بالا و مبالغ غیر قانونی از رانندگان کامیون های حامل کالاهای صادراتی
 - عدم توجه به انتظارات بخش خصوصی در زمینه توسعه صادرات به کشورهای منتخب از جمله:
 - صدور کالاهای بی کیفیت توسط برخی از تاجران
 - فرسودگی ناوگان حمل و نقل کشور
 - عدم انجام بازاریابی و مطالعات بازار کالاها
 - عدم توان رقابت بنگاه های صادراتی داخلی
 - شبانه روزی نبودن گمرکات
 - عدم پوشش صندوق ضمانت صادرات درخصوص کالاهای صادراتی به افغانستان
- علاوه بر موارد فوق، برای بررسی دقیق تر میزان تقاضا بهتر است شاخص «کمبود تقاضا در بازار» را که بر اساس گزارش مرکز پایش کسب و کار کشور بدست آمده است؛ مورد بررسی قرار دهیم. مطابق با این آمار استان خراسان جنوبی از نظر کمبود تقاضا در بازار در رتبه ۹ قرار دارد که نشانگر کمبود تقاضا در بازار استان نسبت به بسیاری از استان های دیگر است.

شاخص کمبود تقاضا در بازار

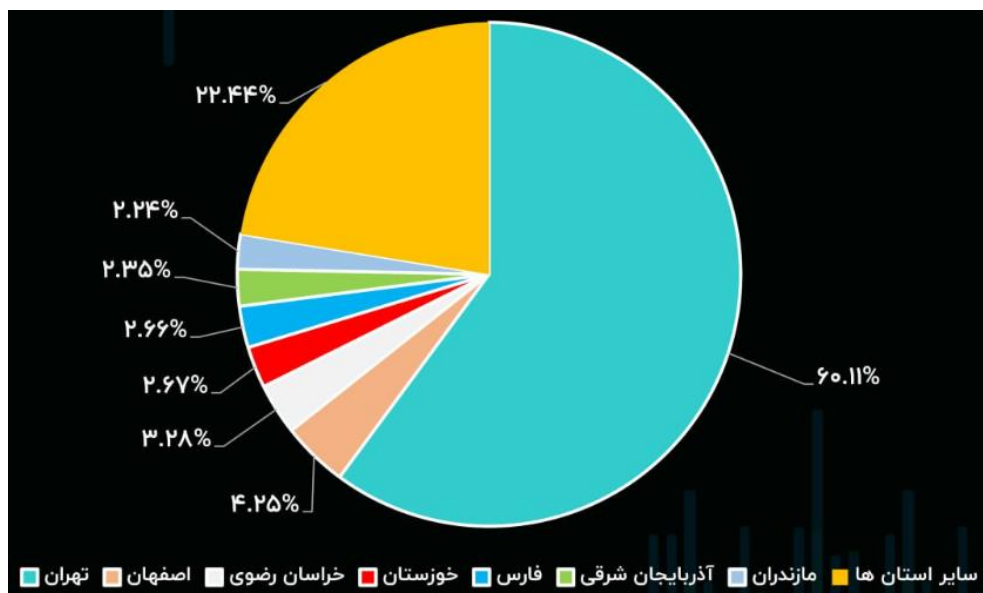


منبع: آمار مرکز پایش کسب و کار

همانطور که از آمار فوق مشخص شد، تقاضای کالا در بازارهای استان وضعیت چندان مناسبی ندارد که نیازمند توجه ویژه می‌باشد. بنابراین پیشنهادی که برای این موضوع می‌شود این است که نباید برای همه استان‌ها یک سیاست مشخص را تجویز کرد بلکه باید بسته به شرایط هر استان، سیاست مناسب آن استان را در نظر گرفت. به عنوان مثال، کاهش هزینه دولت در بخش زیرساخت و کاهش نقدینگی از طریق کاهش اعطای تسهیلات نباید در همه استان‌ها یکسان باشد.

اگر به میزان تسهیلات پرداختی بانک‌ها به استان‌های مختلف نگاهی بیاندازیم (در اینجا خرداد سال ۱۴۰۲) خواهیم دید که استان تهران به تنهایی حدود ۶۰،۱۱ درصد از کل تسهیلات را به خود اختصاص داده است. همچنین، ۷ استان برتر در دریافت تسهیلات ۷۷،۵۶ درصد و ۲۴ استان دیگر فقط ۲۲،۴۴ درصد از تسهیلات اعطایی را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالیست که حجم بیشتر تسهیلات برای استان‌هایی است که سطح توسعه بالاتری نیز نسبت به سایر استانها دارند.

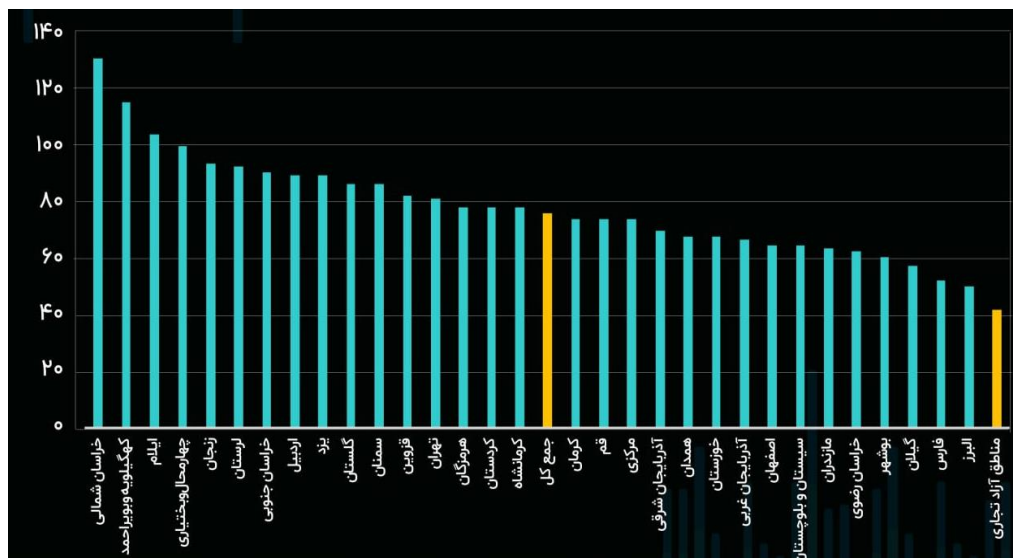
سهم استان های مختلف در اعطای تسهیلات بانکی - خرداد ۱۴۰۲



منبع: بانک مرکزی

هرچند آمار گویای این است که برخی از استانهای کم برخوردار نسبت تسهیلات به سپرده های آن ها بالا است، اما نباید از یاد برد که دلیل این امر بدین خاطر است که در این استان ها، سپرده گذاری اندک هست و زمانی که از این مقدار سپرده (اندک) تسهیلات پرداخت می شود، نسبت تسهیلات به سپرده برای این استان ها در مقایسه با استان های توسعه یافته تر بیشتر است. به عنوان مثال، نسبت تسهیلات به سپرده استان های کشور در دی ماه ۱۴۰۲ به صورت زیر است:

نسبت تسهیلات به سپرده استان های کشور در دی ماه ۱۴۰۲

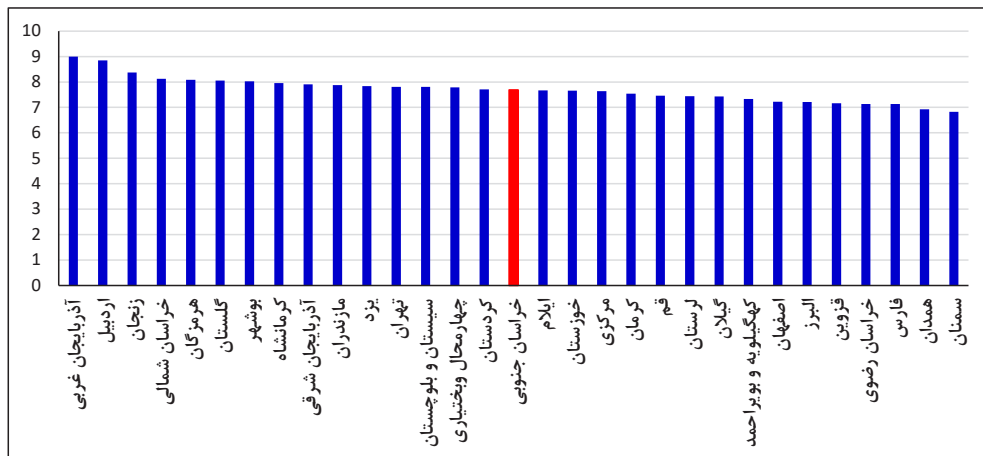


منبع: بانک مرکزی

همانطور که مشخص است، معمولاً استان های کم برخوردارتر برای آن ها نسبت تسهیلات به سپرده هایشان بالا است؛ چرا که سپرده گذاری در این استان ها کمتر می باشد و این نسبت برای آن ها هنگام اعطای تسهیلات افزایش می یابد. به طور مثال در نمودار بالا، عموماً استان هایی که بالاترین نسبت تسهیلات به سپرده را به ثبت رسانده اند، پایین ترین سهم را از کل تسهیلات داشته اند. مشاهده می شود استان خراسان شمالی، کهگیلویه و بویر احمد، ایلام و چهارمحال و بختیاری که میزان تسهیلات دهی شان بیش از سپرده هایشان بوده است، هرکدام کمتر از ۱ درصد از کل تسهیلات در کشور را در اختیار داشته اند (سهم ۱۵ استان و کل مناطق آزاد تجاری کشور هرکدام کمتر از ۱ درصد کل تسهیلات پرداخت شده تا انتهای دی ماه ۱۴۰۲ بوده است. در مقابل ۸ استان شامل اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، آذربایجان شرقی، مازندران و کرمان در رده های پس از تهران با سهم ۴ تا درصدی از تسهیلات کل، بیشترین سهم از تسهیلات را به خود اختصاص داده اند).

در این راستا، یکی از راهکارهای تامین مالی برای افزایش تولید و تقاضا؛ اعطای تسهیلات بانکی است که می تواند باعث رونق اقتصاد شود. بر اساس آمار حاصله از «شاخص دشواری تامین مالی از بانک» توسط مرکز پایش کسب و کار کشور، وضعیت دشواری تامین مالی استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان ها (در سال ۱۴۰۱) نامناسب تر است.

دشواری تامین مالی از بانک



منبع: مرکز پایش کسب و کار

خراسان جنوبی در دشوار تامین مالی دارای رتبه ۱۶ می باشد که با توجه به محرومیت استان لازم است توجه بیشتری به استان گردد. البته ذکر این نکته ضروری است که پرداخت تسهیلات باید به سه صورت هدفمند گردد:

۱. سیاست محدودیت در پرداخت تسهیلات نباید برای تمامی استان ها به یک شکل اجرا گردد چرا که استان هایی که دارای سرمایه گذار کمتری هستند (یا شرایط آن استان برای جذب سرمایه گذار (هم داخلی و هم خارجی) مناسب نیست) و نیاز به منابع داخلی و بانکی بیشتری برای افزایش تولید دارد؛ باید توجه بیشتری شود. بنابراین، تجویز سیاست مشابه محدودیت تسهیلات برای تمامی استان ها توسعه یافته و کمتر توسعه یافته امری نادرست است و باید این محدودیت برای استان های کمتر توسعه یافته نسبت به توسعه یافته کمتر باشد. چرا که محدودیت اعطای تسهیلات در استان های کم برخوردار و عدم توجه به تامین مالی استان های کم درآمد نه تنها باعث جهش تولید نمی شود بلکه در بلندمدت می تواند تولید را کاهش هم دهد.

۲. پرداخت تسهیلات باید برای استان های مختلف بسته به سطح توسعه آن ها دارای نرخ سود متفاوتی باشد. بدون شک مناطق یا استان هایی که دارای سطح درآمدی کمتری هستند و بخش اعظمی از مردم آن جزء قشر کم درآمد می باشند و سرمایه گذاران چندانی تمایل به سرمایه گذاری در این مناطق ندارند، زمانی که ببینند نرخ بهره این مناطق نسبت به مناطق توسعه یافته تر کمتر است، ترغیب خواهند شد

که برای سرمایه گذاری به این مناطق بیایند. این موضوع در بلندمدت می تواند منجر به رشد و توسعه آن استان شود.

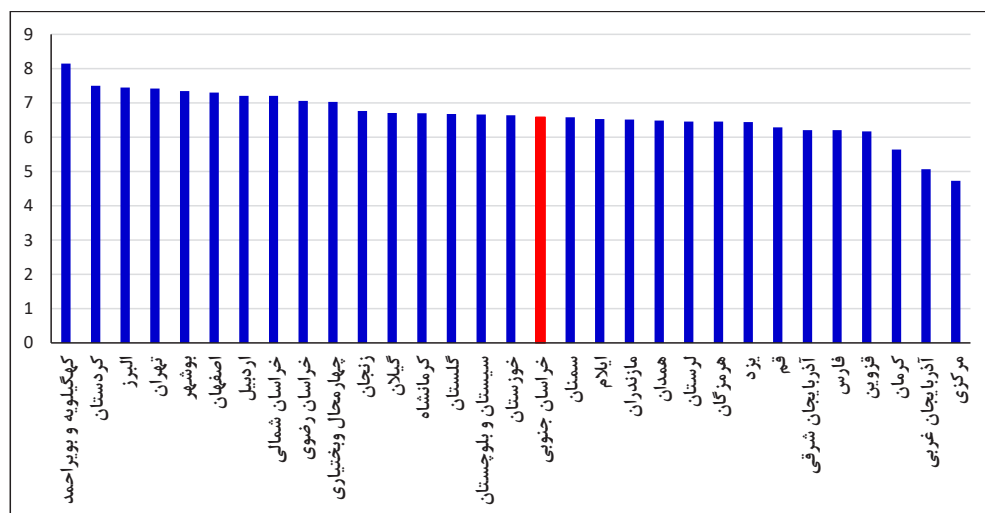
۳. دولت برای حمایت از تولید اقدام به پرداخت تسهیلاتی مانند تسهیلات بند الف تبصره ۱۸ نموده است تا از این طریق تسهیلات را به سمت تولید هدایت نماید و نقدینگی را نیز کنترل نماید. هرچند این سیاست در شرایط تورمی می تواند به عنوان یک سیاست انقباضی عمل نماید اما احتمال انحراف این تسهیلات از تولید نیز وجود دارد که این موضوع نیازمند نظارت بیشتر بر روی هزینه کرد تسهیلات می باشد. در واقع، در شرایطی که یکی از دغدغه های دولت موضوع عدالت منطقه ای در دسترسی به تسهیلات بانکی است، برخی استان ها و مناطق کشور به تسهیلات بانکی دسترسی بیشتری دارند اما دسترسی برخی مناطق کمتر است. در حقیقت، برخی از بانک های کشور منابع و سپرده های مردم آن استان را جمع کرده اما فقط بخش ناچیزی از آن را صرف پروژه های استان می کنند و مقصد این سپرده ها نامشخص است. اطلاعات نشان می دهد که این وضعیت در اکثر استان های کشور شایع است. برای مثال در استان بوشهر درحالی که نسبت تسهیلات به سپرده بانک های دولتی حدود ۸۳ درصد است، این نسبت در یکی از بانک های غیردولتی شش درصد، در یک بانک غیردولتی دیگر پنج درصد و یک بانک غیردولتی دیگر سه درصد است.

تعارض منافع مدیران؛ مانعی برای جهش تولید

امروزه هر کشور مدعی مبارزه با فساد، در تلاش است تا با هدف جلوگیری از اتلاف منابع، افزایش اعتماد عمومی به نظام سیاسی و ارتقای سلامت و کارآمدی نظام اداری، از تأثیر سوء منافع شخصی و ثانویه بر نحوه انجام وظایف و اختیارات حرفه ای و قانونی پیشگیری کرده و موجبات رشد و توسعه کشور را با دقت و سرعت بیشتری فراهم آورد. تعارض منافع به شرایطی گفته می شود که یک شخص بر سر دوراهی منافع اجتماعی و مأموریت های سازمانی و ازسوی دیگر منافع شخصی، خانوادگی، حزبی یا غیره قرار می گیرد. درواقع تأمین یکی از این منافع منجر به تأمین نکردن دیگری می شود. بنابراین وجود تعارض منافع لزوماً به معنای بروز فساد نیست، بلکه به معنای ایجاد شرایطی است که شخص برای انجام فساد انگیزه دارد و درنتیجه احتمال فساد نیز افزایش می یابد. اگرچه باید از افراد صالح در جایگاه های حساس و کلیدی استفاده کرد، ولی حکومت وظیفه دارد حتی الامکان احتمال شکل گیری چنین شرایطی را از بین ببرد یا کاهش دهد. ضمناً به این نکته باید توجه کرد که در عمل امکان از بین بردن تمامی موقعیت های تعارض منافع وجود ندارد، اما با انجام اقداماتی می توان اثر آن را، که همان

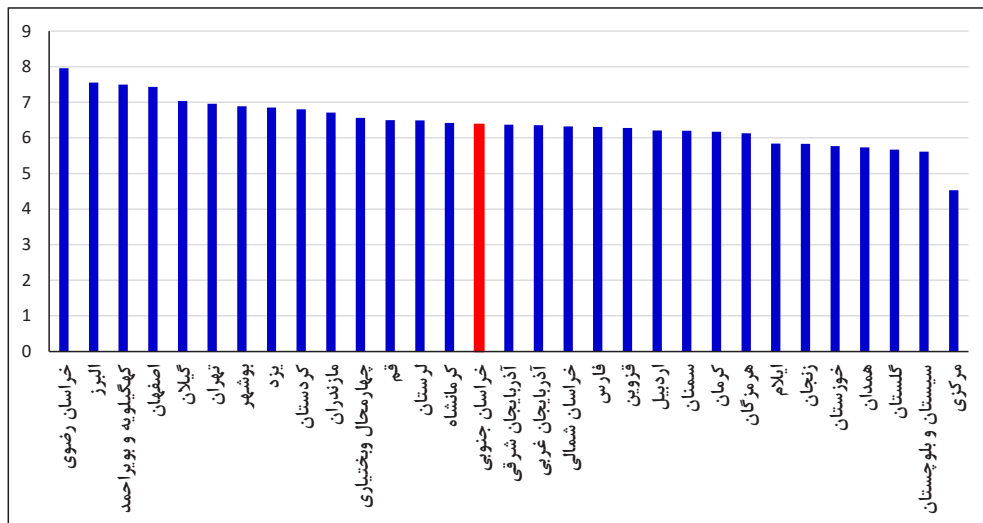
بروز فساد است، کاهش داد. بنابراین در ادامه به تعدادی از شاخص هایی که می تواند به عنوان گویای تعارض منافع باشد می پردازیم. بر اساس شاخص «فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه های اجرایی»، شاخص «موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه های اجرایی»، شاخص «برداشت های سلیقه ای از قوانین و مقررات توسط مأموران محیط زیست، شهرداری، گمرک، بهداشت و غیره» و شاخص «بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار»، وضعیت استان خراسان جنوبی به شرح نمودارهای ذیل است. همانطور که از نمودارهای زیر مشخص است شرایط استان خراسان جنوبی در دو شاخص اول مدنظر نسبت به سایر استان ها وضعیت متوسط و در شاخص سوم و چهارم نامناسب است و نمی توان به این وضعیت قانع بود. بنابراین وجود تعارض منافع در استان قابل تایید است که نیازمند توجه ویژه می باشد.

فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه های اجرایی



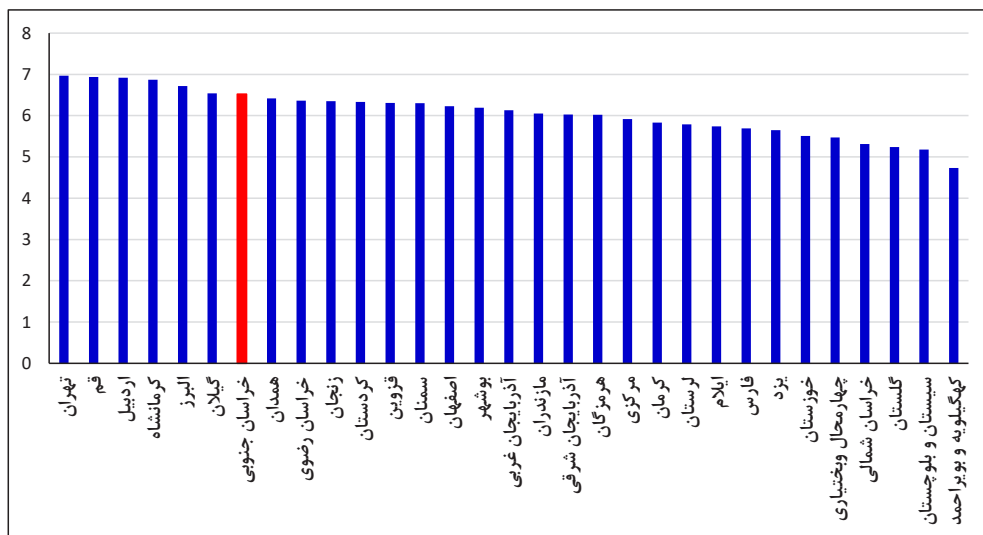
منبع: مرکز پایش کسب و کار

موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاههای اجرایی



منبع: مرکز پایش کسب و کار

برداشت های سلیقه ای از قوانین و مقررات توسط مأموران محیط زیست، شهرداری، گمرک، بهداشت و غیره



منبع: مرکز پایش کسب و کار

اقتصاد دانش بنیان و توجه به زنجیره ارزش؛ راهکاری برای جهش تولید

آمار مربوط به به سهم استان‌های کشور از تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان حکایت از آن دارد که تهران با دارا بودن بیش از ۴۲۴۶ هزار شرکت دانش‌بنیان، سهم ۵۱,۲ درصدی از کل شرکت‌های دانش‌بنیان را دارد. این سهم تا اندازه‌ای است که دو استان پس از تهران نظیر اصفهان (۷۶۲ شرکت) و خراسان رضوی (۴۵۷ شرکت) سهم ۱۵ درصدی دارند که فاصله زیادی با تهران دارند. اما این موضوع پایان ماجرا نیست، چنانکه سهم چهار استان انتهایی جدول یعنی استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (۱۳ شرکت)، ایلام (۲۲ شرکت)، لرستان (۳۲ شرکت) و سیستان و بلوچستان (۳۲ شرکت) در مجموع به ۱۰۰ شرکت نیز نمی‌رسد و علی‌رغم دارا بودن ظرفیت‌های سرزمینی در حوزه‌های مختلف و مرتبط تنها حدود یک درصد از تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان سهم دارند. از این‌رو باید توجه داشت که در راستای توانمندسازی شرکت‌های دانش‌بنیان و همچنین تسهیل ورود و تبدیل ایده‌های نوآورانه و همچنین تجاری‌سازی آن، جدا از فراهم آوردن زمینه‌های تسهیلات بانکی یا معافیت‌های مالیاتی، موارد دیگری نظیر لزوم توزیع متناسب جغرافیایی شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد تعادل بین حوزه‌های مختلف آن با تقویت مشارکت شرکت‌های دانش‌بنیان استانی در فعالیت‌های اقتصادی براساس مزیت‌های بالفعل و بالقوه آمایش سرزمینی موضوع بسیار مهمی است. به عبارتی، تمرکز بیش از ۵۰ درصدی شرکت‌های دانش‌بنیان در تهران بیش از آنکه به مزیت‌های بالقوه این استان تکیه داشته باشد به میراث تمرکزگرایی ساختار اداری و فراهم بودن امکانات فنی، مالی و قانونی در این استان برمی‌گردد. کما اینکه استان‌های دارای مزیت سرزمینی اما دور از مرکز، سهم چندانی از شرکت‌های دانش‌بنیان خصوصاً شرکت‌های مرتبط با ظرفیت‌های آن استان ندارند. وضعیت استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان‌ها بدتر است و از نظر تعداد شرکت دانش‌بنیان در رتبه ۲۵ (با سهم ۰,۵۳ درصدی از کل شرکت‌ها و سهم ۰,۴ درصدی از درآمدهای شرکت‌های دانش‌بنیان کشور) قرار دارد.



فصل چهارم - بررسی وضعیت کشور و استان خراسان جنوبی

گزارش عملکرد شرکت های دانش بنیان کشور به تفکیک استان ها (میلیارد تومان) - سال ۱۴۰۱

استان	تعداد شرکت ها	درآمد	دارایی	ضمانت نامه	وام	تعداد کارکنان
تهران	۴۲۴۶	۲۰۸,۵۹۸	۲۵۸,۴۸۳	۴۶,۰۰۲	۵۲,۲۹۰	۱۵۰,۳۷۰
اصفهان	۷۶۲	۲۵,۰۳۰	۲۶,۹۸۷	۸,۳۸۵	۱۰,۲۴۶	۱۶,۲۳۶
خراسان رضوی	۴۵۷	۱۱,۱۱۰	۱۴,۹۵۴	۴,۲۷۵	۵,۶۱۵	۱۱,۱۱۸
البرز	۳۸۸	۳۴,۲۵۸	۵۱,۰۴۷	۷,۸۳۹	۱۴,۰۴۹	۲۴,۰۱۸
فارس	۲۹۱	۶,۳۹۰	۱۳,۶۸۸	۷,۵۵۶	۴,۰۷۲	۵,۵۷۵
آذربایجان شرقی	۲۸۱	۲۵,۰۹۷	۲۱,۰۵۰	۳,۲۵۵	۹,۵۸۳	۱۰,۷۹۲
یزد	۱۴۴	۲,۸۴۶	۳,۹۱۹	۷۹۹	۱,۲۳۷	۲,۰۷۴
قزوین	۱۳۵	۱۸,۴۶۴	۲۱,۶۱۱	۳,۱۲۴	۸,۳۹۳	۶,۷۸۶
قم	۱۳۲	۳,۱۳۴	۳,۲۹۵	۲۸۳	۱,۰۲۹	۲,۳۴۱
مرکزی	۱۲۳	۱۲,۹۷۸	۲۳,۰۷۳	۵,۱۰۸	۵,۷۱۰	۷,۱۳۳
مازندران	۱۲۱	۵,۸۰۸	۳,۸۳۸	۹۵۹	۱,۶۰۶	۳,۳۱۱
خوزستان	۱۱۸	۲۰,۰۷۲	۴۴,۵۳۹	۵,۹۰۹	۲,۰۱۶	۴,۸۷۹
زنجان	۹۵	۹,۷۰۷	۱۶,۶۵۹	۳,۸۳۵	۴,۴۳۵	۳,۶۸۲
سمنان	۹۲	۸,۱۶۱	۱۳,۳۵۷	۱,۹۶۸	۴,۲۵۲	۳,۹۰۹
آذربایجان غربی	۸۵	۴۶۶	۲,۴۱۱	۷۷	۱,۰۲۰	۴۵۱
کرمانشاه	۸۲	۶۴۶	۱,۱۰۷	۲۳۷	۳۹۷	۹۷۹
گیلان	۸۲	۵,۸۴۹	۶,۸۶۷	۱۹۷	۲,۳۴۸	۲,۷۶۶
همدان	۷۰	۱,۹۹۱	۲,۷۴۲	۲۵۱	۱,۰۴۹	۲,۵۸۷
کرمان	۶۸	۳,۸۸۰	۱۱,۰۵۰	۳۶۷	۱۱,۴۲۹	۱,۵۵۶
گلستان	۵۹	۴۶۰	۷۳۲	۱۶	۳۱۶	۳۰۶
چهارمحال و بختیاری	۵۶	۴۱۶	۹۱۳	۴۲	۱۴۸	۷۳۷
هرمزگان	۵۶	۱,۲۳۹	۱,۰۲۸	۱۸۳	۴۴	۷۷۸
کردستان	۵۴	۱۳۰	۱۶۶	۴	۵۲	۳۶۵
خراسان جنوبی	۴۵	۱,۳۲۷	۲,۳۶۰	۲۴۱	۹۱۷	۶۰۷
بوشهر	۴۴	۱,۹۳۷	۷,۸۵۸	۴۰۱	۲۶۱	۶۹۹
اردبیل	۴۲	۱۵۸	۲۳۲	۹۶	۹۳	۲۸۴
خراسان شمالی	۳۳	۳۹۱	۷۲۰	۸۵	۴۹۳	۷۲۷
سیستان و بلوچستان	۳۲	۱۰	۲۴	۸	۶	۵۲
لرستان	۳۲	۲۱۲	۷۱۳	۳	۲۴۷	۳۴۹
ایلام	۲۲	۱۱	۳۶	۳	۵	۲۷
کهگیلویه و بویراحمد	۱۳	۴۹۶	۶۷۲	۵	۴۸۱	۷۳۵
	۸۲۶۰	۴۱۱,۲۷۴	۵۵۶,۱۳۱	۱۰۱,۵۱۲	۱۴۳,۸۴۰	۲۶۶,۲۲۹

منبع: گزارش زیست بوم شرکت های دانش بنیان - معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری

جدول مقایسه سهم استان های مختلف از عملکرد اقتصاد دانش بنیان کل کشور به تفکیک استانی

استان شرکت ها	دارایی	درآمد	ضمانت نامه	وام	کارکنان
تهران ۵۱.۲۸%	۴۵.۹۹%	۴۷.۵۶%	۴۴.۸۴%	۳۶.۰۱%	۵۶.۰۲%
اصفهان ۹.۲۹%	۴.۶۹%	۶.۳۵%	۸.۷۲%	۷.۰۱%	۶.۱۷%
خراسان رضوی ۵.۵۱%	۲.۶۱%	۲.۷۱%	۴.۲۵%	۳.۹۵%	۴.۰۱%
البرز ۴.۶۶%	۹.۳۵%	۷.۹۴%	۷.۵۹%	۹.۸۷%	۸.۹۳%
فارس ۳.۴۱%	۲.۷۱%	۱.۶۳%	۷.۵۳%	۲.۸۵%	۲.۰۹%
آذربایجان شرقی ۳.۴۰%	۳.۰۹%	۶.۱۱%	۳.۲۵%	۶.۶۹%	۴.۰۷%
یزد ۱.۷۴%	۲.۲۸%	۳.۰۲%	۰.۸۷%	۱.۰۶%	۱.۳۳%
قزوین ۱.۶۵%	۳.۶۵%	۴.۵۷%	۳.۰۸%	۵.۹۲%	۲.۶۳%
قم ۱.۵۷%	۰.۵۲%	۰.۷۶%	۰.۲۸%	۰.۷۲%	۰.۸۷%
مازندران ۱.۴۸%	۰.۷۴%	۱.۴۲%	۰.۹۴%	۱.۱۲%	۱.۲۵%
مرکزی ۱.۴۵%	۳.۵۴%	۲.۵۸%	۵.۰۲%	۳.۶۲%	۲.۳۳%
خوزستان ۱.۴۳%	۷.۲۰%	۴.۷۸%	۵.۶۶%	۱.۲۸%	۱.۷۷%
زنجان ۱.۲۱%	۳.۹۶%	۴.۰۱%	۳.۹۳%	۳.۳۸%	۱.۶۲%
سمنان ۱.۰۹%	۱.۹۸%	۱.۹۷%	۱.۸۹%	۲.۹۸%	۱.۵۰%
آذربایجان غربی ۱.۰۰%	۰.۲۶%	۰.۱۱%	۰.۰۸%	۰.۷۱%	۰.۱۷%
گیلان ۱.۰۰%	۱.۳۱%	۱.۴۳%	۰.۲۰%	۱.۶۵%	۱.۰۴%
کرمانشاه ۰.۹۹%	۰.۱۱%	۰.۰۷%	۰.۰۲%	۰.۲۱%	۰.۳۰%
کرمان ۰.۹۶%	۱.۵۳%	۰.۹۶%	۰.۴۴%	۷.۹۶%	۰.۶۴%
همدان ۰.۸۵%	۰.۵۰%	۰.۴۸%	۰.۲۵%	۰.۷۳%	۰.۹۷%
چهارمحال و بختیاری ۰.۷۴%	۰.۲۱%	۰.۲۰%	۰.۰۹%	۰.۱۵%	۰.۳۳%
گلستان ۰.۷۴%	۰.۱۵%	۰.۱۱%	۰.۰۲%	۰.۲۲%	۰.۱۱%
هرمزگان ۰.۶۸%	۰.۲۹%	۰.۱۸%	۰.۲۶%	۰.۰۴%	۰.۲۹%
کردستان ۰.۶۴%	۰.۰۲%	۰.۰۳%	۰.۰۰%	۰.۰۴%	۰.۱۴%
بوشهر ۰.۵۶%	۲.۴۶%	۰.۴۸%	۰.۴۰%	۰.۲۰%	۰.۳۳%
خراسان جنوبی ۰.۵۳%	۰.۴۰%	۰.۲۶%	۰.۱۹%	۰.۷۳%	۰.۲۸%
اردبیل ۰.۵۲%	۰.۰۴%	۰.۰۴%	۰.۰۹%	۰.۰۶%	۰.۱۱%
لرستان ۰.۴۱%	۰.۱۱%	۰.۰۵%	۰.۰۰%	۰.۱۷%	۰.۱۲%
خراسان شمالی ۰.۳۹%	۰.۱۱%	۰.۰۹%	۰.۰۸%	۰.۳۴%	۰.۲۶%
سیستان و بلوچستان ۰.۳۹%	۰.۰۰%	۰.۰۰%	۰.۰۱%	۰.۰۰%	۰.۰۲%
ایلام ۰.۲۷%	۰.۰۱%	۰.۰۰%	۰.۰۰%	۰.۰۰%	۰.۰۱%
کهگیلویه و بویراحمد ۰.۱۶%	۰.۱۷%	۰.۱۲%	۰.۰۱%	۰.۳۳%	۰.۲۸%

منبع: گزارش زیست بوم شرکت های دانش بنیان-معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری

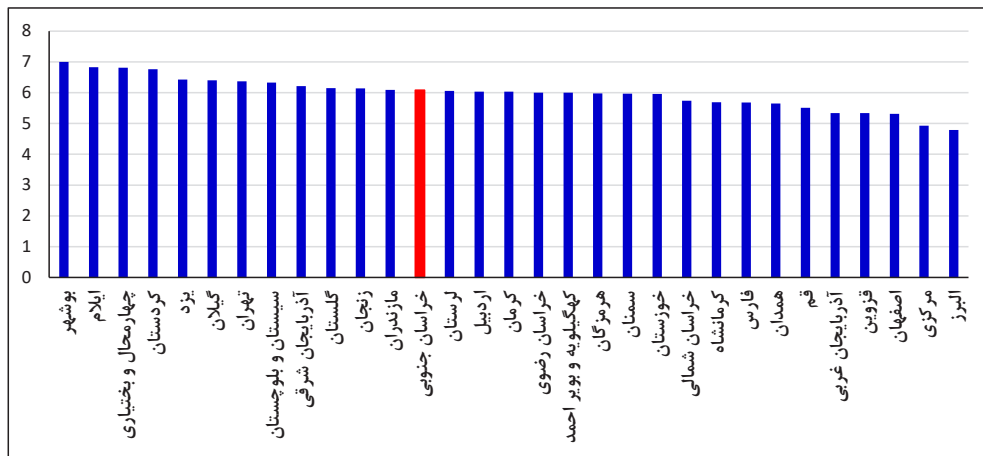
با این حال در تدوین سند اولیه اقتصاد دانش بنیان استان خراسان جنوبی به زنجیره ارزش توجه زیادی شده است. در این سند بخش‌هایی که می‌تواند منجر به رشد تولید شود و به نوعی زنجیره ارزش در نظر گرفته شده اند شامل موارد زیر است:

- شناسایی گلوگاه های علمی و ارائه راهکارهای نوآورانه تکمیل زنجیره ارزش محصولات اولویت دار زرشک، زعفران، عنب، گیاهان دارویی و غیره
- شناسایی گلوگاه های علمی و ارائه راهکارهای نوآورانه تکمیل زنجیره ارزش محصولات دام و طیور و غیره
- شناسایی گلوگاه های علمی و ارائه راهکارهای نوآورانه تکمیل زنجیره ارزش مواد معدنی نظیر بنتونیت، طلا، زغال سنگ، منیزیت، سیلیس، مس و غیره
- شناسایی گلوگاه های علمی و ارائه راهکارهای نوآورانه تکمیل زنجیره ارزش سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی
- حمایت از طرح ها و برنامه های مراکز رشد، نوآوری و فناوری مرتبط با زنجیره های ارزش

اما سوالی که مطرح می‌شود این است که شرایط این اقلام که به عنوان زنجیره ارزش مشخص شده اند در استان به چه صورت است؟ آیا شرایط لازم برای رشد فناورانه زنجیره ارزش وجود دارد؟ برای بررسی این موضوع بهتر است سهم مهم ترین محصولی که همیشه به عنوان زنجیره ارزش و به نوعی هویت استان معرفی می‌شود (یعنی زرشک)؛ را نگاهی بیاندازیم. در سال ۱۴۰۱ کل ارزش زرشک صادراتی کشور حدود ۵۹۹,۲ هزار دلار بوده است که سهم آن از کل تجارت استان خراسان جنوبی به میزان ۰,۵۴ درصد می‌باشد که مقدار بسیار پایینی است و نیاز به توجه بیشتر دارد.

بدون شک، حرکت به سمت فناور محور کردن تولید و توسعه اقتصاد دانش بنیان در استان می‌تواند به توسعه زنجیره ارزش در استان کمک نماید. با این حال، اگر به شاخص «کمبود فناوری های نوین و تجهیزات مورد نیاز استان‌ها» که بر اساس مطالعات مرکز پایش کسب و کار استخراج شده است نگاهی بیاندازیم خواهیم دید که در این شاخص وضعیت استان خراسان جنوبی چندان مناسب نیست و از نظر کمبود فناوری های نوین و تجهیزات لازم در رتبه ۱۳ قرار دارد که نیازمند توجه ویژه می‌باشد.

کمبود فناوریهای نوین و تجهیزات مورد نیاز



منبع: مرکز پایش کسب و کار

خصوصی سازی مانعی بر خصوصی سازی

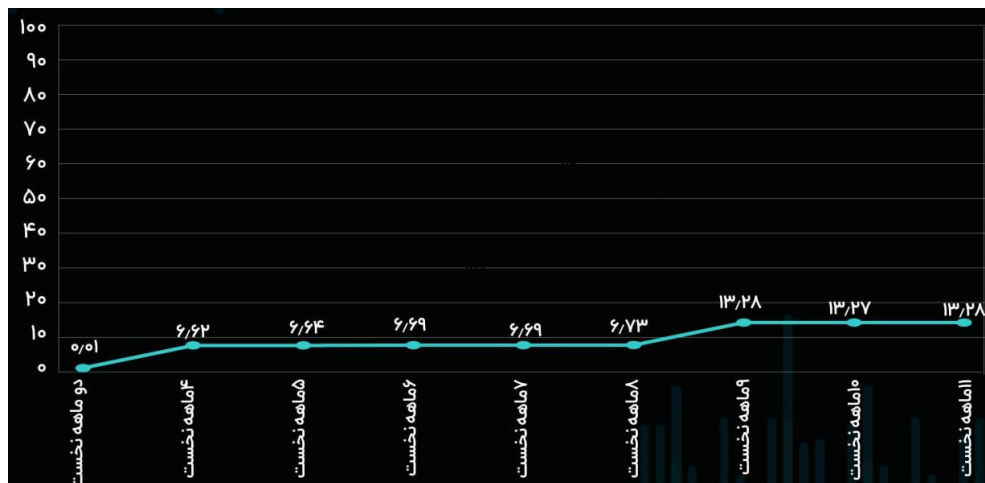
امتیازات ویژه‌ای که حیات خصوصی‌ها را ممکن می‌سازد، مهم‌ترین مانع بر سر شکل‌گیری بخش خصوصی واقعی در ایران نیز هست. بر این اساس، وجود موانع گسترده بوروکراتیک، قیمت‌گذاری دستوری و بی‌ثباتی در اقتصاد کلان کشور را می‌توان سه ضلع اصلی موانع بخش خصوصی در ایران دانست. سد مجوزهای متعدد در کنار قیمت‌گذاری دستوری موجب می‌شود تا دولتی‌ها در مقابل بخش خصوصی مزیت بیابند و در نهایت بنگاه‌های بزرگ کشور مستقیم و غیرمستقیم زیر چتر دولت به کار خود ادامه دهند. از سوی دیگر تضعیف سرمایه اجتماعی در کنار بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان، رغبت فعالان اقتصادی نسبت به ادامه یا گسترش فعالیت‌های خود را با چالش مواجه می‌سازد. به این ترتیب خطوط کلی سیاستی که به تقویت بخش خصوصی بینجامد منحصر به از بین بردن امتیازات ویژه، برچیدن قیمت‌گذاری دولتی، بهبود فضای اقتصاد کلان و در نهایت احیای اعتبار سیاست‌گذار نزد فعالان اقتصادی است.

اگر خصوصی‌سازی را مجموعه‌ای از اقدامات که در قالب خارج شدن سطوح مختلف کنترل، مالکیت و مدیریت از دست بخش دولتی و سپردن آن به دست بخش خصوصی تعریف کنیم، آنچه در ایران اتفاق افتاده در تضاد آشکار با اصالت وجودی آن است و عملاً فضا را برای ایجاد رانتهای اطلاعاتی که از مصادیق شکست بازار است، فراهم آورده است. نفوذ مدیران و مالکان جدید بنگاه‌هایی که سابقاً در کنترل دولت بودند در ارکان مختلف سازمان‌های

دولتی و استفاده آن‌ها از رانت‌های اطلاعاتی، فضای نابرابری را برای بخش خصوصی واقعی فراهم می‌آورد که کمترین رهاورد آن، از بین رفتن فضای رقابت و خروج بخش خصوصی واقعی از بازار و به حاشیه رانده شدن آن است؛ چیزی که دقیقاً در تضاد آشکار با اصالت وجودی خصوصی‌سازی قرار دارد.

بنابراین خصوصی‌سازی در ایران همراه مشکلاتی زیادی بوده است و نتوانسته است به اهداف مدنظر برسد. بطور مثال، عملکرد سازمان خصوصی‌سازی در سال ۱۴۰۲ (طی ۱۱ ماهه نخست) نسبت به تکلیف که بر عهده داشته است، حدود ۱۳،۳ درصد بوده که در سطح بسیار پایینی قرار دارد. سازمان خصوصی‌سازی مکلف بود در سال ۱۴۰۲ معادل ۲۰۵،۵ همت درآمد نصیب خزانه کشور کند اما تا پایان ۱۱ ماهه نخست سال ۱۴۰۲ تنها ۲۷،۲ همت از این تکلیف را محقق کرد.

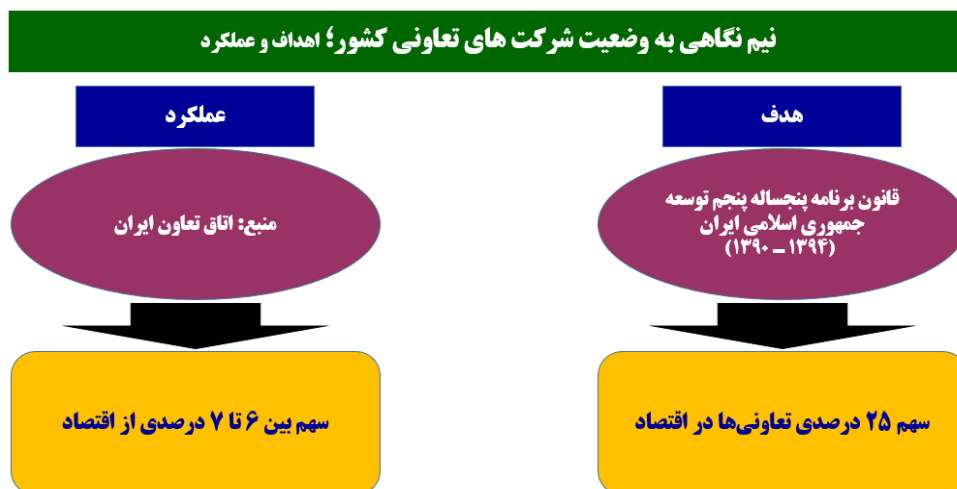
میزان تحقق اهداف بودجه ای واگذاری سهام و بنگاه ها توسط سازمان خصوصی‌سازی در سال ۱۴۰۲



منبع: سازمان خصوصی‌سازی

علاوه بر این عملکرد تعاونی‌ها در کشور ایران چندان قابل قبول نیست. بر اساس اهدافی که در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) پس از انقلاب مطرح شد؛ قرار بود تا پایان این برنامه و پس از آن سهم بخش تعاونی از اقتصاد برابر ۲۵ درصد باشد اما بر اساس آمار اتاق تعاون ایران، این سهم در پایان سال ۱۴۰۲ تنها به ۶ الی ۷ درصد رسید.

نیم نگاهی به وضعیت شرکت های تعاونی کشور؛ اهداف و عملکرد



رتبه بندی استان های در فراهم بودن شرایط تحقق اقتصاد مردم پایه

در این بخش سعی می شود بر اساس ۴۴ شاخص منتخب اقتصادی و با کمک روش تاپسیس اقدام به رتبه بندی استان ها بر اساس میزان فراهم بودن شرایط تحقق اقتصاد مردم پایه شود. شاخص های منتخب به شرح زیر می باشند:



۴۴ شاخص منتخب اقتصادی برای رتبه بندی استان های کشور در جذابیت شکل گیری اقتصاد مردم پایه

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
۱	پس انداز خانوارها (میلیون تومان)	۲۳	شاخص سهولت کسب و کار (نرمال شده)
۲	شاخص نرخ محرومیت (نرمال شده)	۲۴	دشواری تامین مالی از بانک (نرمال شده)
۳	رقابت پذیری اقتصادی	۲۵	ضعف زیرساخت های حمل و نقل (نرمال شده)
۴	سطح توسعه استان ها بر اساس شاخص اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی	۲۶	وجود رقابت غیرمنصفانه شرکتها و مؤسسات دولتی یا شبه دولتی در بازار (نرمال شده)
۵	شاخص فقر چندبعدی	۲۷	تمایل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بیرغبی به خرید محصولات ایرانی (نرمال شده)
۶	سرمایه شرکت های تعاونی (میلیون ریال)	۲۸	غیرقابل پیشبینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات (نرمال شده)
۷	نرخ مشارکت اقتصادی	۲۹	وجود انحصار، امتیاز یا هرنوع رانت به یک یا تعدادی از رقبا در بازار (نرمال شده)

۴۴ شاخص منتخب اقتصادی برای رتبه بندی استان های کشور در جذابیت شکل گیری اقتصاد مردم پایه

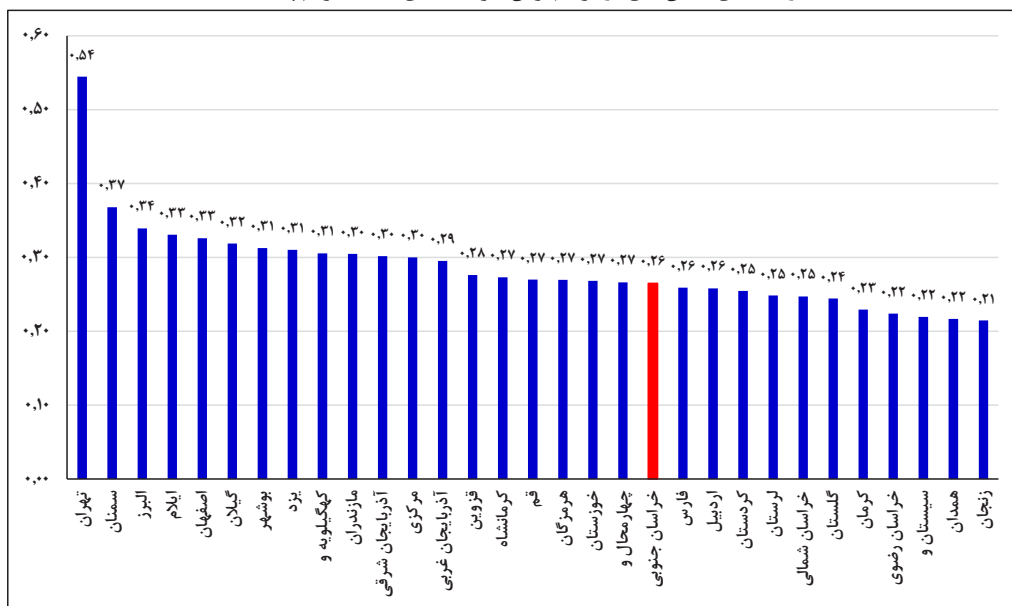
۸	امنیت سرمایه گذاری (نرمال شده)	۳۰	ضعف نظام توزیع و مشکل در رساندن محصول به بازار (نرمال شده)
۹	سود مالی	۳۱	فقدان ارتباط مناسب میان عوامل تأمین مواد اولیه، تولید و عرضه یک محصول در بازار (نرمال شده)
۱۰	مقبولیت حاکمیتی از طرف مردم (مشارکت در انتخابات)	۳۲	کارگریزی عمومی و ضعف فرهنگ کار در جامعه (نرمال شده)
۱۱	نسبت تعداد شرکت های تعاونی فعال کشاورزی تحت پوشش سازمان مرکزی تعاونی روستایی به کل جمعیت روستایی	۳۳	کمبود تقاضا در بازار (نرمال شده)
۱۲	نسبت کارگاه های صنعتی خصوصی ده نفر کارکن و بیشتر به کل جمعیت	۳۴	موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسبوکار در دستگاه های اجرایی (نرمال شده)
۱۳	تعداد شرکت های تعاونی صنعتی تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به کل جمعیت	۳۵	متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری
۱۴	نسبت شرکت های تعاونی تأمین نیاز مصرف کنندگان به کل جمعیت	۳۶	توزیع عملکرد اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای (عمرانی)
۱۵	نسبت شرکت های تعاونی تأمین نیاز تولید کنندگان به کل جمعیت	۳۷	تراکم جمعیت
۱۶	نسبت شرکت های تعاونی خدماتی به کل جمعیت	۳۸	نسبت اشتغال بخش خصوصی
۱۷	نسبت شرکت های تعاونی روستایی به کل جمعیت روستایی	۳۹	نرخ فلاکت
۱۸	نسبت تعاونی روستایی زنان به کل جمعیت روستایی	۴۰	تراکم و توزیع کل راه های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان
۱۹	نسبت اتحادیه های شهرستانی تعاونی روستایی به کل جمعیت روستایی	۴۱	ضریب نفوذ بیمه تولیدی
۲۰	نسبت تعداد شرکت های تعاونی حمل و نقل تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به کل جمعیت (تعداد به صد هزار نفر)	۴۲	ضریب جینی
۲۱	ضریب نفوذ اینترنت	۴۳	شاخص توسعه انسانی
۲۲	رویه های سختگیرانه اداره های کار و بیمه تأمین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی (نرمال شده)	۴۴	ارزش افزوده انبارداری و سردخانه به ازای هر هزار نفر

منبع: محاسبات محقق

بر اساس نتایج حاصل از روش تاپسیس استان های کشور بر اساس شاخص فراهم بودن شرایط تحقق اقتصاد مردم پایه، به صورت زیر است. استان خراسان جنوبی از نظر فراهم بودن شرایط تحقق اقتصاد مردم پایه در رتبه ۲۰

قرار دارد که این شرایط نشان می‌دهد استان خراسان جنوبی برای جهش تولید و تحقق اقتصاد مردم پایه نیازمند توجه بیشتر است.

رتبه بندی استان های در فراهم بودن شرایط تحقق اقتصاد مردم پایه



منبع: محاسبات محقق

فصل پنجم



تجربیات جهانی گواهی می‌دهد که اقتصاد توسعه یافته محصول هم افزایی دولت و ملت است و در این مسیر هیچ دولتی بدون همکاری و هم افزایی با مردم امکان و فرصت تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی برتر را ندارد چرا که مشارکت مردمی یک عنصر کلیدی در تحقق اهداف اقتصادی و ملی است. به عبارت بهتر وقتی مردم همراه و همگام سیاست‌های کلان اقتصادی کشور خود باشند، با اراده جمعی خود در مسیر پیشبرد آن سیاست پیش خواهند رفت و در نتیجه هیچ مانعی نمی‌تواند جلودار پیشرفت آن کشور باشد. علاوه بر این حضور همگانی مردم و ظرفیت‌های فکری و اقتصادی در دسترس‌شان در عرصه های تولید کشور، باعث هم افزایی انرژی ها و بهره وری بیشتر صنعت و اقتصاد کشور خواهد شد.

الف) تجربه کشورها در اقتصاد مردم پایه^۱

کشور آلمان

اگر به سابقه تاریخی کشور آلمان نگاهی بیاندازیم متوجه خواهیم شد که این کشور در گذشته خود متحمل ضربات فلج کننده ای بوده است که به عنوان نمونه می‌توان از شکست در هر دو جنگ جهانی یاد کرد. حال سؤال اینجاست این کشور چطور توانست بعد از وضع وخیمی که در آن قرار داشت به قدرت اول اروپا در زمینه اقتصادی تبدیل شود؟

پایان اقتصاد دستوری حرکت به سمت سیاست بازار اجتماعی

بعد از جنگ به نظر میرسید کشور آلمان همان راه اقتصاد دستوری خود را ادامه می‌دهد، اما اتفاقاتی که در سال‌های قبل صورت گرفته بود و شامل سهمیه بندی و نبود کالای مصرفی نیز شد، باعث شد اقتصاد دستوری به صورت نوعی مترسک جلوه کند. از این رو دولت آلمان سیاست میانه ای را در نظر گرفت و به سمت نظام بازار اجتماعی حرکت کرد این نظام اقتصادی به معنای کنار گذاشتن رهبری دولت از تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری و شرکت ها بود. اینکه چه میزان محصول تولید شود و هر فرد چه مقدار از آن را دریافت کند تصمیماتی است که در بازار اتخاذ می‌شود. برخلاف زمان دوران جنگ که در کشور آلمان کنترل های شدید قیمتی و نظام جیره بندی بود، دیگر دولت در پرداخت حقوق و ترتیبات قیمتی دخالت مستقیمی نمی‌کرد. به عبارت دیگر، در آلمان نظام اقتصاد بازار حاکم شد و تنها برای قسمتی از کالاها و موارد اساسی نظیر زغال، نفت، فولاد، آهن، نرخ بهره و اموال اجاره ای تا اواسط دهه ۵۰ سیستم نرخ گذاری دولتی برقرار بود؛ اما برای بیشتر کالاهای دیگر سیستم نرخ گذاری لغو شد و تعیین قیمت آن‌ها به بازار واگذار شد.

۱. منبع: سلیمانی محمد، نکویی وحید. بررسی تجربیات کشورهای مختلف در مقاومسازی اقتصاد، دلالت هایی برای دستیابی به الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی در ایران. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی. ۱۳۹۹؛ ۸ (۳۰): ۱۰۷-۱۴۱

حرکت به سمت رقابت با قوانین ضد کارتلی

آلمان برای اینکه اقتصاد بازار به بهینه ترین شکل ممکن کارایی داشته باشد به سمت افزایش رقابت در بازار حرکت کرد. رقابت باعث گسترش نوآوری در محصول و روند تولید می شود که در نتیجه به عقلانی شدن مصرف منابع نیز کمک می کند رقابت علنی برای شرکت کنندگان در بازار دشوار است. کارخانه داران که همواره در تلاش بودند که فشارهای رقابتی را کم کنند، باید مطابق قانون کارتل (قانون مبارزه با محدودیت های رقابتی) مصوب ۱۹۵۷ اقدام می کردند. این قانون بارها به منظور تضمین کارایی در برابر استراتژیهای تغییر یافته کارتلها تکمیل شده است. اداره کارتل فدرال در برلین و نیز ادارات کارتل ایالات بر رعایت این قانون نظارت داشته اند. نظم رقابتی و مبارزه با انحصارگری رسماً در سال ۱۹۴۷ از طرف متفقین و به موجب فرامین نظامی در آلمان غربی برقرار شد و به موجب این دستورات کلیه اقدامات محدود کننده رقابت می بایست محدود میشد. این مقررات ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۹۵۷، به وسیله قانون ممنوعیت محدود کردن رقابت تأیید شد و گسترش یافت و انضمام و الحاق بنگاه ها به یکدیگر در صورت لزوم، منوط به اجازه رسمی کارتل ها بود.

بنابراین مهم ترین اقدامات کشور آلمان برای اقتصاد مردمی عبارت اند از: ۱. اجرای سیاست میانه ای برای دولت و کنار گذاشتن دخالت در سیستم قیمت گذاری؛ ۲. حرکت به سمت بازار اجتماعی رقابتی و مبارزه با انحصارگری؛ کنار گذاشتن تصدی گری دولت در سرمایه گذاری و قدرت دادن به اقتصاد بازاری.

کشور ژاپن

بررسی تجارب کشور ژاپن که یکی از پیشروهای توسعه اقتصادی است، نیز حاکی از وجود نمونه های ملموسی از افزایش نقش مردم در اقتصاد است:

اصلاحات ارضی: بعد از جنگ جهانی دوم کشور ژاپن شکست خورد و اداره آن به دست اشغالگران آمریکایی به صورت غیر مستقیم انجام می شد. در سال ۱۹۴۶ در ژاپن قانونی به نام «ایجاد مالکین کشاورز» تصویب شد که طبق این قانون اجاره کنندگان زمین از دولت به مستاجرین با قیمت پایه سال ۱۹۴۵، که بسیار پایین تر از تورم فزاینده ای که در سال های پس از جنگ وجود داشت، فروخته شد. این قانون علاوه بر فراهم کردن اشتغال و بهبود توزیع درآمدی باعث قدرتمندتر شدن بخش مردمی آن کشور نیز بود.

انحلال کارتل ها و سایر اتحادیه های کنترل کننده: از بین بردن انحصارات و ایجاد فضای رقابتی علاوه بر کاستن از تمرکز قدرت اقتصادی، حمایت از شرکت های جدید به بازار را نیز فراهم می کند که این اقدام باعث گسترش رقابت و بالا رفتن کارایی در کل اقتصاد شد. سرمایه گذاری روی منابع انسانی یکی دیگر از اقدامات بسیار مؤثر برای مردمی کردن اقتصاد توجه به ترتیبات نهادی مرتبط با سرمایه انسانی و فرهنگ کار و کارپرستی برای آحاد مردم است. سرمایه گذاری عظیم در سرمایه انسانی هم علت و هم معلول توسعه اقتصادی این کشور بوده

است. در واقع سیاست های ناظر بر منابع انسانی نقش مهمی در افزایش تقاضا برای نیروی کار شد و همچنین موجب شد قسمت بیشتری از مردم درگیر اقتصاد کشور ژاپن شوند.

سیاست حمایت از مشاغل کوچک: به موازات سیاست گذاری های صنعتی با هدف ایجاد اشتغال و سهمی شدن اقشار ضعیف در اقتصاد اجتماعی (مردمی) در کشور ژاپن برای مشاغل کوچک سیاست های حمایتی متعددی از طرف دولت طراحی شد.

کشور مالزی

کشور مالزی یکی از موفق ترین کشورهای اسلامی در تحقق رشدهای بالا و حضور در عرصه جهانی است که با بررسی اقدامات این کشور مهم ترین سیاست های آن در راستای تقویت تولید ملی عبارت اند از:

جایگزین کردن واردات: این برنامه از نیمه دوم ۱۹۶۰ اجرا شد و در راستای کاهش واردات در سال ۱۹۶۶ کمسیون تعرفه تأسیس شد. با ادامه این روند در سال ۱۹۷۱ حدود ۹۰ درصد کالاهای مصرفی و واسطه ای در داخل کشور تولید میشد.

تصویب قانون تشویق سرمایه گذاری: یکی دیگر از اقدامات کشور مالزی که در سال ۱۹۳۸ اتفاق افتاد تصویب قانونی برای تشویق سرمایه گذاران داخلی و خارجی بود.

توسعه صادرات: مالزی از ابتدای دهه ۷۰ به سمت سیاست های توسعه صادرات روی می آورد. روند صادرات رو به افزایش بود که در سال ۱۹۸۶ برنامه کلان صنعتی (IMP) با تأکید بر استمرار راهبردی شدن بر اساس افزایش صادرات به اجرا در آمد. حرکت از تولید کالاهای کاربر به سمت کالاهای قابل عرضه به بازار جهانی این اقدام علاوه بر تضمین بقا و رشد واحدهای کوچک و متوسط، باعث تقویت جسارت بنگاه های کوچک و بزرگ مالزی در بازارهای بین المللی شد.

(ب) تجربه کشورها در جهش تولید

کشور چین

در چین، جهش اقتصادی از سال ۱۹۷۸ با روی کار آمدن دنگ شیائو پینگ کلید خورد و این کشور از یک اقتصاد کوچک به گول اقتصادی تبدیل شد. چین در دوره گذار، بر شناخت و پذیرش اشتباهات گذشته، تبیین دقیق اهداف اقتصادی، حرکت به سمت نوسازی با تأکید بر رفاه عمومی، تغییر از نیروی کار ارزان به نیروی کار نوآورتر و ماهرتر، تقویت بخش خصوصی و اولویت بخشی بر کارآفرینان صنعتی، اتحاد نخبگانی و بهره برداری از دستاوردهای فرهنگی و استفاده از تجارب سایر کشورها در حوزه رشد اقتصادی تمرکز داشت. در حال حاضر، چین

بر نوآوری درون‌زا و به ویژه نوآوری فناورانه تأکید دارد و بر صنعت مبتنی بر تکنولوژی‌های هزاره جدید استوار است. دستور کار اصلاح راهبردی در جهت خلق «چین نوآور و مولد» از سال ۲۰۲۱ در این کشور مطرح است که براساس آن، چند حوزه اصلاح ساختاری و نهادی برای ایجاد تحول اقتصادی و جهش تولید در این پروژه ملی در چین عبارتند از:

۱. **باز تعریف سیاست‌های صنعتی و حمایت از رقابت بازار:** تحقق اهداف این حوزه از طریق تغییر از سیاست‌های صنعتی عمودی به سیاست‌های افقی، تغییر سیاست‌های صنعتی برای حمایت از رقابت‌پذیری بازار، تشویق رقابت بیشتر در بخش خدمات، تشویق کارآفرینی و بهبود فضای کسب‌وکار، تضمین رقابت عادلانه و اصلاح شرکت‌های دولتی صورت می‌پذیرد.
۲. **تشویق نوآوری و اقتصاد دیجیتال:** عملیاتی‌سازی این حوزه در اقتصاد چین از طریق افزایش سریع ظرفیت نوآوری چین، تشویق اشاعه نوآوری و فناوری؛ بهبود تحقیق و توسعه، بهبود سیاست‌های مالکیت معنوی، بهبود مدیریت سیاست‌های نوآوری، حمایت از نوآوری برآمده از اشاعه دیجیتال، تشویق تجارت داده و جریان داده و زیرساخت ارتباطات از راه دور فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود.
۳. **تقویت و تجهیز فراگیر سرمایه انسانی در چین:** این حوزه بسیار حیاتی و مهم از طریق مواردی نظیر تأکید بر سرمایه‌گذاری روی سرمایه انسانی، توسعه مهارت‌های اساسی همگانی، ایجاد سیستم آموزش عالی در کلاس جهانی، آموزش تفکر خلاقانه و حل مساله، تقویت سیستم‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، تقویت یادگیری مادام‌العمر و استفاده از فناوری‌های نوین و مبتنی بر منطق روان‌شناسانه برای آموزش نوآوری و خلاقیت محقق شده است.
۴. **تخصیص موثر منابع در بستر اقتصادی:** تحقق این مهم از طریق تخصیص موثر منابع مالی و انسانی، بهبود کارایی تخصیص کار، توسعه بخش مالی چین، تامین مالی بنگاه‌ها و کارآفرینان کوچک و متوسط و ساده‌سازی جریان کار صورت می‌پذیرد.
۵. **توسعه و یکپارچگی منطقه‌ای:** سرمایه‌گذاری زیرساختی به عنوان بخشی از ابتکارات توسعه منطقه‌ای، افزایش کارایی شهرنشینی و برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، ۳ مورد از رئوس اجرایی این حوزه هدف‌گذاری شده هستند.
۶. **تشویق رقابت‌پذیری بین‌الملل و جهانی شدن اقتصادی:** اجرایی شدن و عملیاتی‌سازی این حوزه مبتنی بر یکپارچگی سازوکارهای تجاری و بازرگانی چین در سطح اقتصاد جهانی و بالا بردن قدرت رقابت‌پذیری نهادهای اقتصادی این کشور در عرصه بین‌الملل است.

کشور کره جنوبی

پس از اتمام جنگ کره در سال ۱۹۵۳، تلاش زیادی برای بازسازی اقتصاد این کشور صورت گرفت و دوره‌های بازسازی (۱۹۴۵-۱۹۶۱)، دوره رشد با محوریت صادرات (۱۹۶۲ - ۱۹۷۳)، دوره بحران و بهبود (۱۹۷۴-۱۹۸۲) و دوره تنظیم و رشد (۱۹۸۳-۱۹۹۲) را گذراند. به‌طور کلی، جهش کره جنوبی، در نتیجه یک راهبرد توسعه ملی آگاهانه بود که صنعتی شدن را تشویق می‌کرد و دولت بر ایجاد ظرفیت‌های صنعتی داخلی، توسعه آموزش و مهارت‌ها، ساخت و توسعه زیرساخت‌ها تمرکز داشت و بازارهای سرمایه را به‌طور فعال مدیریت می‌کرد. دولت کره جنوبی در این کشور از مدرن‌سازی و ارتقای فناوریانه صنایع بومی از طریق تشویق ایجاد قابلیت‌های علمی و فناوریانه بومی و حمایت از یادگیری و آموزش حمایت می‌کرد. در نخستین مرحله، دولت بر مهندسی معکوس و یادگیری از بهترین تجارب خارجی تمرکز کرد. در سال ۱۹۷۰ روی ایجاد نهادهای تحقیقاتی دولتی برای توسعه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بومی سرمایه‌گذاری شد. از دهه ۱۹۸۰ تا به امروز، دولت کره جنوبی به امر تحقیق و توسعه فراگیر و جامع در تمامی مشاغل اقتصادی موجود در این کشور، اهتمام ویژه ورزید و در این زمینه، تسهیلات و مشوق‌هایی را به بخش خصوصی اعطا کرد تا دپارتمان‌های تحقیق و توسعه خود را پویا نگه دارند. در سال‌های اخیر یعنی از سال ۲۰۱۸ به بعد، دولت کره طی یک برنامه مدون و مستمر با عنوان «پیش نوآوری اقتصادی»، علاوه بر پشتیبانی از سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای نوپای فناوری، بر خلاقیت و نوآوری تاکید دارد که این حوزه را مبتنی بر همگرایی علم و فناوری با صنعت، ادغام و ترکیب فرهنگ و صنعت و شکوفایی خلاقیت می‌داند. راهبردهای برنامه پیش نوآوری اقتصادی کره جنوبی به شرح زیر است:

- ایجاد اکوسیستمی که در آن، خلاقیت به صورت عادلانه پاداش داده شود.
- خلق بستری که راه‌اندازی یک کسب‌وکار اقتصادی را در پرشتاب‌ترین حالت ممکن با ساده‌ترین سازوکار، محقق سازد.
- تقویت پیشرفت جهانی و ایفای نقش راهبری در اقتصاد خلاقانه از طریق کمک مالی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط
- ایجاد موتور رشدی برای توسعه محصولات و بازارهای جدید
- آموزش استعدادهای خلاق جهانی
- تقویت صلاحیت‌ها برای نوآوری در S&T و ICT به عنوان بنیان‌های اقتصاد خلاقانه
- توسعه فرهنگ اقتصاد خلاقانه که در آن مردم و دولت با یکدیگر کار کنند.

مبتنی بر این برنامه «پیش نوآوری اقتصادی» حاکمیت اقتصادی کره جنوبی راهبردی به عنوان «استراتژی رشد» را تدوین کرده که شامل پیاده‌سازی تعهدات کلیدی قبلی و تعهدات جدیدی برای اصلاح ساختاری است. در کنار

پیشرفت فناوریانه و نوآوری در کره جنوبی، عوامل دیگری همچون چابکی اقتصاد، بنچ مارکینگ، همگرایی و تخصیص نیز به عنوان عوامل جهش اقتصادی و تولید در این کشور محسوب می‌شود.

کشور ژاپن

کشور ژاپن که به عنوان یک کشور جزیره ای شناخته می‌شود، دارای اقتصاد بسیار قدرتمند است. به طوری که از نظر میزان تولیدات ناخالص داخلی جایگاه سوم در جهان را به خود اختصاص می‌دهد. ژاپن از نظر منابع طبیعی، جزء کشورهای فقیر محسوب می‌شود اما این کشور با اتخاذ سیاست های مبتنی بر جهش تولید و همچنین حمایت های دولت در بخش های مختلف صنعتی و سرمایه گذاری در این بخش ها توانست تا خود را به عنوان یکی از پیشگامان موثر در تولید و تکنولوژی در جهان معرفی کند. صنایع تولیدی متنوع در این کشور و همچنین نام های تجاری بزرگ آن مانند تویوتا، میتسوبیشی، هوندا، سونی و... به خوبی معرف اقتصاد و تولیدات این کشور در سطوح بالای جهانی هستند. بخش اعظمی از درآمدهای این کشور از طریق صادرات محصولات تولید تامین می‌شود.

کشور مکزیک

در دهه ۱۹۸۰ کشور مکزیک یک سلسله اصلاحات مقرراتی را به عنوان عنصر اصلی در تبدیل از یک اقتصاد بسته به یک اقتصاد باز و مبتنی بر بازار اجرا کرد. سرعت بالا، قلمرو وسیع و عمق زیاد این اصلاحات حتی از اغلب کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بیشتر بوده است. تا یک دهه قبل از آن، اقتصاد مکزیک به شدت تحت مقررات خاص ناظر بر کسب و کارها اداره میشد. صنایع و خدمات در بسیاری از بخش ها از ارتباط با خارج و رقابت بین المللی منع شده بودند. دولت فدرال مسئول اداره هزاران بنگاه اقتصادی در بخش های مختلف از هتلداری تا حمل و نقل و معدن بود و صادرات نقش بسیار محدودی را در اقتصاد داشته و بیشتر صنایع بر بازارهای داخلی متمرکز بودند اصلاحات در کشور مکزیک در بخش های حمل و نقل هوایی، حمل و نقل جاده ای و ریلی بنادر ارتباطات و مخابرات، صنایع برق و صنایع مربوط به گاز طبیعی انجام شد که نتایج مطلوبی را برای این کشور در پی داشت.

مقایسه وضعیت تولیدات در ایران و سایر کشورهای آسیایی پیشرفته

ایران از جمله کشورهای آسیایی است که از نظر منابع طبیعی و منابع انرژی در رده اولین کشورهای جهان قرار دارد. جایگاه ویژه جغرافیایی ایران و قرارگیری در منطقه خاورمیانه سبب شده است تا بتوان بر روی پیشرفت اقتصاد آن حساب ویژه ای باز کرد. با این حال آنچنان که باید سرعت لازم برای رشد و جهش در تولید را در سالیان اخیر نداشته است. اما سیاست هایی که اخیرا در این حوزه اتخاذ شده است، نشان از عزم همه جانبه برای تقویت تولید در ایران دارد. ایران از لحاظ تولید ناخالص داخلی بر پایه برابری قدرت خرید، بیست و پنجمین

اقتصاد بزرگ جهان است، اما این فاکتور نسبت به جمعیت یا در واقع تولید ناخالص سرانه در رتبه صدم دنیا جای می گیرد. این فاکتور در حقیقت از فاکتورهای مهم در تعیین توسعه یافتگی کشورها شناخته می شود. اتخاذ سیاست های اقتصادی و همچنین حمایت همه جانبه دولت در این زمینه می تواند موجبات رشد اقتصادی و همچنین سرانه تولید ناخالص در کشور را افزایش دهد. استفاده از نیروی کار متخصص و همچنین بهره وری از استعدادها می تواند منجر به افزایش تکنولوژی داخلی و در نتیجه افزایش تولیدات شود. عدم اتکا به خام فروشی و فرآوری نفت و مشتقات آن می تواند اثرات مطلوبی بر روی اقتصاد کشور داشته باشد.



فصل ششم



الف) الزامات و راهکارهای جهش تولید با مشارکت مردم از دیدگاه مقام معظم رهبری^۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات نوروزی سال ۱۳۹۶ تکیه بر تولید داخلی را به عنوان توصیه و مطالبه خود ذکر کردند و همچنین بیان داشتند: «اساس کار فعلاً برای این برهه‌ی از اقتصاد کشور، مسئله‌ی تولید ملی و تولید داخلی است. این یک کلیدواژه است، سرفصل‌های متعددی از این مسئله ناشی می‌شود.» همچنین در نامگذاری سال ۱۳۹۷ حمایت از کالای ایرانی را مهم‌ترین عامل تحقق اقتصاد مقاومتی دانستند و متذکر شدند که اگر تولید ملی شتاب بگیرد، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. در جای دیگر از تولید داخلی به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی یاد کردند و این خود دلیلی دیگر بر اهمیت راهبردی موضوع تولید ملی و ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی و پیشرفت کشور است.

لذا مسئله تولید موضوعی است که رهبر انقلاب در نام‌گذاری سال‌های گذشته نیز به آن اشاره داشته‌اند. اما شعار سال ۱۴۰۳ علاوه بر تاکید بر جهش تولید حاوی کلید واژه ای تحت عنوان مشارکت مردم بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با کارگران (۱۴۰۳/۰۲/۰۵) کاهش مشکلات اقتصادی کشور را در گرو تحقق مشارکت مردم در اقتصاد دانستند و فرمودند: «تحقق جهش تولید براساس نظر کارشناسان و صاحب‌نظران، نیازمند مشارکت مردم است که در این صورت، مشکلات کاهش می‌یابد و با تقویت اقتصاد کشور، دست کارگر هم پر می‌شود». بر این اساس، به منظور دستیابی به این مهم برخی از مهم‌ترین اقدامات و راهکارهای ضروری از نظر مقام معظم رهبری به شرح زیر است (وکیلی، ۱۴۰۳):^۲

۱. **حمایت مالی هدفمند و هوشمند از تولید ملی مردم پایه:** حمایت مالی از تولید ملی، یکی از چالش‌های بزرگ تولیدکنندگان است. چرا که عدم تخصیص مناسب مالی و عدم سیاست‌گذاری مالی برای صنایع، منجر به تخصیص نامتوازن، ناقص یا دچار افراط و تفریط می‌شود که حاصل آن، رشد صنایع غیر مولد و رانتی و با بهره‌وری کم در اقتصاد ملی خواهد بود. لذا هدفمندی تخصیص منابع مالی مؤثر، به همراه هوشمندی تلفیقی رایانه‌ای و انسانی، در تعیین و اعطای تسهیلات و مشوق‌های مالیاتی برای تولیدکنندگان و پایش مستمر هزینه‌کرد صحیح و مطابق برآوردها و تعهدات، حائز اهمیت و مهم است.

۲. **ایجاد زنجیره‌های پیوسته به هسته‌های تولید مردم محور:** برای گسترش مشارکت مردم در تولید ملی، نیازمند هسته‌های تولید مردم‌محور هستیم که با ایجاد زنجیره‌های تأمین پیشینی و پسینی، زنجیره‌های ارزش، با

۱. کلیه مطالب این بخش برگرفته از سخنان و گزارش‌های دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (سایت: KHAMENEI.IR) می‌باشد.

۲. با اقتباس از رسانه KHAMENEI.IR؛ گزارش «الزامات شعار امسال و تحقق نقش مردم در تولید کشور» به قلم آقای جواد وکیلی، پژوهشگر حوزه برنامه‌ریزی و کارشناس ارشد بازار سرمایه

قابلیت خلق ارزش افزوده قابل توجه برای تولیدات و خلق ثروت ملی پدید خواهد آمد. نمونه‌هایی از این هسته‌ها می‌تواند تعاونی‌های تولیدی با اتصال به تعاونی‌ها و تشکلهای فعال در حوزه‌های توزیع و بازاریابی کالای تولیدی و تأمین مواد اولیه باشد. یا تشکلهای اتحادیه‌ای صنفی منطقه‌ای و ملی که زنجیره‌های تأمین اصناف یا صنایع عضو خود را تقویت نمایند و در مذاکرات ملی در حوزه تولید نقش داشته باشند.

۳. ایجاد ضمانت‌های اجرایی و قانونی حمایت از تولیدات مردم محور غیردولتی: برای اینکه بستری محکم و قوی برای نقش‌آفرینی فعال مردم در تولید ایجاد شود می‌بایست از تولید مردم‌محور در برابر رقابت‌های صنفی و صنعتی با بنگاه‌های تولیدی و صنعتی دولتی و یا عمومی غیر مردمی حمایت منطقی انجام پذیرد و از ضمانت‌های قانونی محکم و فراگیر از انحصارطلبی رقابت‌گریزی و عدم مشارکت با مردم بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی عمومی و دولتی غیر مردمی جلوگیری گردد. همچنین مشوق‌های مالی و مالیاتی نیز به موازات می‌بایست طراحی و با ضمانت‌های مربوطه اجرایی گردد.

۴. بهبود و بروزرسانی ابزارهای تأمین مالی گسترده مردم‌محور: با محدودیت‌های منابع بانکی و همچنین منابع سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل تحریم‌ها، یکی از بهترین ابزارها برای تأمین منابع مالی با تبعات توری کمتر، استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه و تأمین مالی خُرد و جمعی است. با توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی اسلامی که در واقع روش‌های نوین شرعی مبتنی بر بازار سرمایه است می‌توان امیدوار بود با توسعه زیرساخت‌های لازم و ساختاربخشی مناسب و همچنین اعتمادبخشی توأم با ضمانت‌های قانونی لازم برای مردم، بتوان از ظرفیت بازار سرمایه نسبت به تأمین منابع مالی بزرگ مقیاس، برای صنایع بزرگ و همچنین تأمین مالی جمعی برای صنایع متوسط و کوچک بهره برد. توسعه فرهنگ تعاونی و تأمین مالی تعاون‌محور نیز می‌تواند در این حوزه برای تأمین مالی‌های کوچک و بزرگ مردم‌محور بسیار موثر باشد.

۵. شناسایی مبادی و مبانی واردات کالای کم کیفیت و ارتقای روزافزون روش و فرآیند مقابله با قاچاق: واردات کالای کم کیفیت موجب می‌شود که محصول داخلی نتواند با آن رقابت کند؛ چرا که به علت پایین بودن کیفیت آن، هزینه تمام شده آن پایین می‌باشد. از طرفی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های خرید در جامعه، قیمت می‌باشد. یکی از مبادی ورود اینگونه کالاها قاچاق است. نبود نظارت دقیق بر ورود کالاهای قاچاق و رشد بی‌رویه واردات کالاهای خارجی و عدم توان رقابت سالم برای تولیدکنندگان ایرانی، نه تنها انگیزه تولید و خلاقیت را از این تولیدکنندگان می‌گیرد، بلکه کالای تولیدی ایرانی در شرایط کیفی مساوی با عدم استقبال بازار روبه‌رو می‌شود. لذا با ارتقای سامانه‌های هوشمند گمرکی و فرآیندهای ترخیص کالا با بهره‌مندی از سامانه‌های رهگیری کالا و برخورد‌های سنگین قضایی و کیفری با موضوع قاچاق و همچنین فراهم آوردن فضای کسب و کار شفاف و کارآمد

در معیشت عاملان محروم مانند کولبران، می‌تواند در کاهش روز افزون این پدیده ناهنجار و مضر تولید و اقتصاد ملی مؤثر باشد.

۶. **بروزرسانی قوانین کار و تأمین اجتماعی:** این دسته از قوانین، ضمن نکات مثبتی که دارد، بعضاً موجب اختلال در امر تولید شده است. از جمله عدم پیش‌بینی کار دیجیتال و قواعد دورکاری و تولید خارج از کارگاه است که راهکارها و راهبردهایی در برنامه‌های توسعه کشور و برنامه‌های دولت در نظر گرفته شده است که برخی نیز به تصویب رسیده‌اند و تسریع در اجرای آن‌ها راهگشای تولید ملی خواهد بود.

۷. **تلاش برای کارآمدی و بروزرسانی مستمر شبکه توزیع:** از جمله چالش‌های تولید؛ عدم شبکه توزیع کارآمد است. به تبع آن، تولیدکننده، محصولات خود را با هزینه تمام شده و سود اندک تولید می‌کند و به عوامل واسطه می‌فروشد؛ لکن به علت تعدد عوامل واسطه فروش، این اجناس به قیمت بسیار بالایی به دست مصرف‌کننده می‌رسد. سهم کم تولیدکننده از منفعت زنجیره تولید و فروش، موجب کاهش انگیزه تولیدکننده برای تولید می‌شود و از سوی دیگر، تمایل برای خرید را کاهش می‌دهد. در این میان است که بسترسازی رانتهای مصرف و قیمت و در نهایت فساد ایجاد می‌شود. لذا اقداماتی مانند سامانه‌های هوشمند سوخت و نان و اقلام اساسی باید علاوه بر شکل‌گیری مداوم، روزآمد و رفع اشکال شوند و به طور موازی ساختارهای توزیع ملی از سوی ساختارهای مردم‌نهاد، مانند پلتفرم‌های توزیع هوشمند کالا، تعاونی‌های توزیعی و بنگاه‌های خانوادگی توزیعی شکل‌گیری و توسعه یابند.

۸. **توجه به آمایش سرزمینی و نگاه راهبری به تولید ملی:** راهبرد صنعتی، مانند نقشه راهی برای صنایع عمل می‌کند که مانع بیراهه رفتن صنایع می‌شود. این موضوع به طور مستقیم دامن‌گیر موضوع تولید شده است؛ لذا تدقیق آمایش سرزمین و روزآمدی مطالعات، با تأکید بر محدودیت‌ها و ظرفیت‌های اقلیمی و راهبردهای سرزمین‌محور می‌تواند در همواری مسیر تولید و بسترسازی صادرات و گسترش حوزه تجارت تاثیر بسزایی داشته باشد.

۹. **تقویت فرهنگی و ترویج مصرف کالای ملی:** در پرتو مطالبه‌ی مؤکد «جهاد تبیین» از سوی رهبر انقلاب، نیازمند نهضت فرهنگی بزرگ و فراگیری هستیم که بتواند در گفت‌وگو و ارتباط با جمهور مردم، بر «اقتناع‌سازی» متمرکز شود؛ فهرست وسیعی از عناوین و موضوعاتی را می‌توان برشمرد که نیازمند تقویت وضعیت گفت‌وگویی آن‌ها در سطح عمومی هستیم، از جمله: تقویت روحیه‌ی کار و تولیدگرایی، پرهیز از مصرف‌گرایی و توجه به ساده‌زیستی، تقویت توجه به کالاهای داخلی، بهبود اتقان کاری، افشای اهداف دشمن در اعمال تحریم‌ها، قوت‌ها و دستاوردهای نظام اسلامی به‌ویژه در حوزه‌ی اقتصاد. علاوه بر این، در کشور ایران فرهنگ استفاده و حمایت از کالای وطنی همچنان در میان مردم نیازمند تقویت است. در شرایط کنونی حمایت از کالای داخلی در اقتصاد ایران حرف اول را می‌زند. این امر نیاز به بسترسازی و تولید محتوای فرهنگی مداوم جهت حمایت از کالای داخلی دارد. تمرکز بر

تولید محتوای خلاقانه، افزایش کیفیت محصولات و پایداری مسئولان و چهره‌های ملی به استفاده از تولیدات داخلی و همچنین نشان‌سازی برای تولیدات ملی فاخر و رقابت‌پذیر و جبران برخی از این هزینه‌ها توسط دولت می‌تواند کمک ارزشمندی به تولید ملی باشد.

۱۰. **رویکرد صادرات محور و دیپلماسی اقتصادی:** در ایران به خاطر وجود برخی مشکلات، صادرات به خوبی صورت نمی‌گیرد. این مشکلات فارغ از تبعات تحریم، به کیفیت تولید، قیمت حمل و نقل و بازاریابی، دسته‌بندی می‌شود. برای حمایت از صادرات، ظرفیت‌های قانونی مناسبی وجود دارد که همگرایی میان ارگان‌های سیاست‌گذار از قبیل وزارت صمت، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و همراهی راهبردی نهادهایی مانند اتاق‌های بازرگانی و تعاون و اصناف، در کنار استفاده از ظرفیت‌های مذاکرات بین‌المللی تجاری سازماندهی شده توسط وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد، به رونق تولید کمک خواهد کرد. علاوه بر این رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «اگر ما کاهش حضور مردم را داشته باشیم، از آن طرف افزایش فشارهای دشمن را خواهیم داشت؛ یعنی اینها با همدیگر به معنای واقعی کلمه یک نسبت معکوسی دارند. اگر چنانچه ما در کشور افزایش حضور مردم را کم داشته باشیم، از آن طرف افزایش فراوان فشار دشمنان را خواهیم داشت. اگر ما بخواهیم فشارهای دشمنان از قبیل فشارهای اقتصادی مثل تحریم و امثال اینها از بین برود یا کاهش پیدا کند، راهش این است که حضور مردم در کشور افزایش پیدا کند و پشته‌ای مردمی به رخ دشمنان کشیده بشود.»

۱۱. **بالفعل شدن ظرفیت‌های قانونی کشور در حوزه حمایت از تولید و تسهیل فضای کسب و کار:** در حوزه حمایت از تولید ملی با رویکرد مدبرانه رهبر معظم انقلاب و همراهی مجلس شورای اسلامی، قوانین خوبی به تصویب رسیده است. لکن بخش قابل توجهی از ظرفیت این قوانین به دلایل مختلف اجرایی نشده است که لازم است با تمرکز راهبردی مجلس شورای اسلامی و سوق دولت به اجرای قوانین با ظرفیت‌های نظارتی مجلس این کاستی رفع شود و از سوی دیگر با اقدام از سوی دولت، در قالب لوایح برای گسترش بستر نیازهای مردمی سازی، تولید مردم محور به سطح مطلوب رسیده و سرعت قابل توجهی خواهد یافت.

۱۲. **اجتناب از برداشت‌های اشتباه از مشارکت مردم در جهش تولید:** ذکر این نکته ضروری است که دولت قوی، دولتی است که با درس‌آموزی از تجربیات گذشته و اجتناب از برداشت‌های اشتباه در مورد «مشارکت مردم در جهش تولید» به تکرار سیاست‌های اشتباه نمی‌پردازد. برخی از این برداشت‌های اشتباه عبارتند از (بیگی، ۱۴۰۳):

۱. با اقتباس از رسانه KHAMENEI.IR، گزارش «اهمیت احیای دولت قوی به‌مثابه پیش‌نیاز تحقق جهش تولید با مشارکت مردم» به قلم آقای میلاد بیگی

- تکه تکه کردن بخش‌های مختلف زنجیره‌های ارزش تحت عنوان مشارکت عمومی: یکی از اشتباهات مهم در مورد مشارکت مردم در اقتصاد این است که وجود واحدهای بزرگ اقتصادی در تناقض با اقتصاد مردمی درک شود و تبدیل واحدهای بزرگ و بهره‌ور اقتصادی به کارگاه‌های متعدد در دستور کار قرار گیرد. در شرایط کنونی در بسیاری از حوزه‌ها، ساختار اقتصادی به نحوی است که با واحدهای تولیدی بسیار کوچک و پراکنده مواجه هستیم. واحدهایی که بسیار آسیب‌پذیر هستند و به دلیل عدم امکان دستیابی به صرفه‌های مقیاس، توان عمیق‌شدن در زنجیره‌های ارزش را از کشور سلب می‌کنند. در چنین شرایطی حرکت به سمت تکه تکه کردن بخش‌های مختلف زنجیره‌ی ارزش در ایران اشتباهی بزرگ است.
- خرد کردن مالکیت شرکت‌ها تحت عنوان مشارکت عمومی: این تلقی که «منظور از مشارکت عمومی، خرد کردن سهام شرکت‌ها میان مردم است» نیز صحیح نیست؛ چرا که عموماً به دلیل امکان‌ناپذیر بودن تجمع سهام‌های خرد در شرکت‌ها، یا با تداوم نقش‌آفرینی دولت در اداره آن بنگاه‌ها مواجه خواهیم شد و یا باید شاهد آشفتگی در اداره‌ی این بنگاه‌ها باشیم.
- خصوصی‌سازی کورکورانه با هدف تامین بودجه دولت: یک آفت بزرگ در مواجهه با مردمی‌سازی در دوره‌های وجود کسری‌های بودجه برای دولت، گرایش به خصوصی‌سازی صرفاً با هدف رد دیون دولت و تامین کسری بودجه، بدون توجه به پیش‌نیازها و ضرورت‌های واگذاری شرکت‌های دولتی است. متأسفانه در دو دهه‌ی گذشته به کرات این اتفاق افتاده و ثمره‌ی خصوصی‌سازی از یک سو خلع ید دولت و خالی‌شدن دولت از ابزارها و از دیگر سو، عدم تغییر محسوس کارآمدی و بهره‌وری در اداره شرکت‌ها -و حتی گاه از بین رفتن ساختار سرمایه‌ی بنگاه‌ها- بوده است.
- واگذاری شرکت‌های دولتی با هدف مسئولیت‌گریزی دولت از تعهدات ذاتی: همانطور که پیش‌تر اشاره شد، واگذاری شرکت‌های دولتی نباید با نگاه شانه خالی کردن دولت از مسئولیت و از روی ناچاری باشد. این تلقی ساده انگارانه است که صرفاً با واگذاری شرکت‌های بزرگ از سوی دولت به بخش خصوصی، بدون آنکه دولت توان تنظیم‌گری و نظارت را در خود ارتقا داده باشد و شکل جدیدی از مسئولیت را پذیرفته باشد، وضعیت شرکت‌های دولتی به‌سامان خواهد شد.

۱۳. نگرش زیست‌بومی به مشارکت مردم در جهش تولید: باید دقت کرد که مشارکت مردم در اقتصاد با نگاه بخشی، پروژه‌ای و مهندسی محقق نخواهد شد و باید نگاه زیست‌بومی، فرآیندی و بین بخشی داشت. لذا باید به همه موانع گره‌های سیاستی، ساختاری و حکمرانی مانع حضور مردم (موانعی مانند «عدم حمایت کافی از بخش مردمی در قوانین برنامه‌ای و عادی»، «غلبه سطح اجرایی در مشارکت اجتماعی نسبت به سطوح دیگر مشارکت از جمله نظارت، تصمیم‌گیری، مطالبه‌گری و اجرا»، «کم توجهی به تقویت ساختاری بخش مردمی»، «وجود موانع در مسیر تشکلیابی گروه‌های مردمی بدون قدرت از جمله کارگران»، «نامشخص بودن منطق درونی

و ارتباطی بخش مردمی با سایر بخش‌ها»، «دولتی شدن امور مردمی و مردمی شدن امور دولتی»، «ناکارآمدی بخش مردمی اسمی و به محاق رفتن بخش مردمی واقعی»، «سیاست‌گذاری بخش تعاون مشابه با بخش خصوصی»، و «عدم انجام تعهدات دولت به بخش تعاونی» توجه کرد. هر کدام از این بخش‌ها نیازمند توجه ویژه‌ای است تا «همه ظرفیت مردم» وارد عرصه اقتصاد شود (نصر اصفهانی، ۱۴۰۳).

۱۴. توسعه زنجیره فناوری‌های مردمی سازی حکمرانی: لازمه شکوفایی اقتصاد کشور، توسعه زنجیره فناوری‌های مردمی سازی حکمرانی مانند شوراها، انجمن‌های صنفی، گروه‌های جهادی، خیریه‌ها و گروه‌های مردم نهاد، بخش خصوصی، تعاونی‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، شفافیت داده باز، دسترسی مردم به داده‌های حاکمیتی، و پلتفرم‌های جمعی است. در سایه توسعه همه بخش‌های زنجیره فناوری‌های نرم حکمرانی، امکان حضور همه مردم در فرآیندهای مختلف کشور فراهم خواهد شد (نصر اصفهانی، ۱۴۰۳).^۱

۱۵. لزوم تدوین سند توسعه صنعتی: پیش‌نیاز هرگونه سیاست‌گذاری برای جهش تولید، در اختیار داشتن برنامه‌ای مشخص برای توسعه‌ی صنعتی کشور است. با این وجود با گذشت بیش از دو سال از مطالبه رهبر معظم انقلاب در خصوص تدوین سند توسعه صنعتی کشور، هنوز یک سند لازم الاجرا در این زمینه تدوین و تصویب نشده است. با توجه به تأکیدات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین الزام دولت مبنی بر تهیه سند «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور» در برنامه هفتم، ضروری است این سند هر چه سریع‌تر تهیه و به چارچوبی برای حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها تبدیل شود. فقدان چنین سند راهنمایی، افت شدید کارایی و بهره‌وری در هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولت را به همراه خواهد داشت. محدودیت منابع ریالی و ارزی کشور ایجاب می‌کند منابع در بهترین پروژه‌ها - و نه در پروژه‌های صرفاً خوب - هزینه شوند و این تشخیص، مبتنی بر یک چارچوب راهنما ممکن می‌شود. در حال حاضر شاهد هستیم که منابع برای پروژه‌هایی نظیر ساخت ورزشگاه و فاز دوم فرودگاه امام خمینی (ره) تأمین می‌شود ولی برای جلوگیری از افت فشار در میدان گازی پارس جنوبی یا نوسازی ناوگان حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای با مشکل تأمین منابع مالی مواجه هستیم. در حالی که اهمیت پارس جنوبی بارها در بیانات رهبر معظم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین ایشان حمل‌ونقل ریلی را نیز یکی از «زیرساخت‌های پیشرو» و «بسیار بسیار مهم» می‌دانند. خسارت دیگر در فقدان چنین راهنمایی، کور بودن حمایت‌ها و به تعبیری آبیاری عرقایی در برابر آبیاری قطره‌ای است؛ در حالی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند «در این جهش تولید، برخی از بخش‌ها، بخش‌های پیشرو هستند، به اینها باید اولویت داده بشود» (بنی‌طبا، ۱۴۰۳).

۱۶. لزوم توجه به زیرساخت‌های تولید در ایران: با وجود اینکه ایران جایگاه اول بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز در دنیا را دارد، تاکنون حدود ۴۰ درصد از ذخایر قابل استحصال نفت و تنها حدود ۱۷ درصد از ذخایر قابل

۱. با اقتباس از رسانه KHAMENEI.IR، گزارش «راهکارهای تحقق گفتمان مشارکت مردم در جهش تولید» به قلم آقای علیرضا نصر اصفهانی

استحصال گازی کشور به تولید رسیده است که نشان‌دهنده ظرفیت بالای توسعه میادین نفت و گاز - به‌ویژه میادین گازی - کشور است. اما به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و همچنین عدم حرکت به سمت بهینه‌سازی مصرف انرژی در ایران، ناترازی‌های شدیدی در حوزه انرژی در حال وقوع است. این ناترازی‌ها - که رهبر معظم انقلاب نیز اخیراً به آن‌ها اشاره کردند. تأمین زیرساخت‌های لازم برای تولید در ایران را با چالش مواجه کرده است. به همین دلیل مجبور به خاموشی گاز صنایع در زمستان هستیم. این مهم ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه میادین هیدروکربوری را از دو منظر «ناترازی انرژی کشور» و «جایگاه رو به افول منابع انرژی فسیلی در جهان» نشان می‌دهد (همان).

۱۷. ایجاد توازن بین حمایت از تولید کننده و مصرف کننده: هر معامله‌ای دو طرف دارد: خریدار (مصرف کننده) و فروشنده (تولید کننده). اقتصاد صحنه تعامل این دو گروه با یکدیگر است. دولت‌ها گاه با هدف افزایش رفاه جامعه، در این معاملات دخالت‌هایی انجام می‌دهند. رعایت عدالت و انصاف در این مداخلات امری ضروری و البته دشوار است و همواره این نگرانی وجود دارد که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت - که حمایت از مصرف کننده است - به زیان تولید کننده حکم کنند. در حالی که بر اساس آیهی شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۲۹)، قرآن کریم در معامله، رضایت طرفین را شرط می‌داند. برخی از مصادیق این دخالت‌های غلط عبارتند از: تبدیل قیمت‌گذاری دستوری کالاهای تولید داخل به قاعده در سیاست‌گذاری اقتصادی، اولویت دادن به مصرف کننده‌ی خانگی در مواقع کمبود گاز و برق و تحمیل خاموشی به بخش صنعت، الزام صادر کننده به فروش ارز حاصل از صادرات به قیمت ارزان، تغییرات خلق الساعه در مقررات تجاری (ممنوعیت صادرات و امثال آن) با هدف تنظیم بازار داخل و از این دست مداخلات. به‌طور کلی اگر جهش تولید هدف اصلی اقتصاد باشد، باید به تولید کننده اطمینان داد که در مواقع تنگنا، توسط دولت، قربانی نخواهد شد و حقوقش پایمال نمی‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند «رشد سریع و مستمر» با کمک مردم حاصل خواهد شد؛ لازمه‌ی حضور مردم نیز آن است که «مسئولان محترم دولتی و همچنین نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی مردم را به ایفای نقش مؤلف در اقتصاد ترغیب کنند و آن‌ها را هدایت کنند؛ برای بخش خصوصی اعتماد ایجاد کنند که سرمایه‌گذاری کند، کارآفرینی کند.» بنابراین اگر چه هدایت بخش خصوصی توسط دولت ضروری است اما هر اقدامی که منجر به کاهش اعتماد بخش خصوصی شود، انگیزه‌ی فعالیت مولد را از بین برده، مردم را به سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد با ریسک پایین‌تر تشویق می‌کند و خلاف تحقق هدف «جهش تولید» عمل می‌کند.

۱۸. ضرورت تسهیل تأمین مالی تولید: یکی از مأموریت‌های دولت و به طور خاص بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، تسهیل تأمین مالی تولید است و این هدف باید در کنار هدف کنترل تورم به صورت جدی در دستور کار قرار گیرد به همین دلیل رهبر انقلاب ضمن تأیید سیاست کنترل ترازنامه، فرمودند: «مراقبت کنید که

تسهیلات بانکی نسبت به واحدهای تولیدی ضربه نبینند.» یا مثلاً در دیدار اخیرشان با فعالان اقتصادی، ضمن تأکید بر ضرورت کاهش رشد نقدینگی، تذکر دادند که در تخصیص منابع بانکی به بنگاه‌های اقتصادی عدالت مراعات شود. بنابراین اولاً باید مراقب بود که توان تأمین مالی اقتصاد به نفع دولت و بخش‌های متصل به دولت مصادره نشود. ثانیاً در پرداخت تسهیلات بر اولویت‌های تولید و سرمایه‌گذاری کشور که جنبه منفعت عمومی دارد، تمرکز شود که لازمه آن تمرکز بر کیفیت تسهیلات پرداختی در کنار کمیت عددی است. یکی از موضوعات مهم دیگر در حوزه تأمین مالی، نقش بانک‌هاست. کارشناسان بارها تذکر داده‌اند که منابع بانکی نباید صرف سرمایه‌گذاری‌های غیرضرور - اعم از ساخت مجتمع‌های تجاری و غیره - شود؛ بلکه ضروری است به بانک‌ها در توسعه کشور نقش داده شود و از آنان مسئولیت‌پذیری نیز مطالبه گردد (بنی‌طبا، ۱۴۰۳).^۱

ب) الزامات و راهکارهای جهش تولید با مشارکت مردم از دیدگاه کارشناسان اقتصادی

۱) آمایش محور کردن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی (آمایش تقنینی): سیاست محدودیت در پرداخت تسهیلات نباید برای تمامی استان‌ها به یک شکل اجرا گردد چرا که استان‌هایی که دارای سرمایه‌گذار کمتری هستند (یا شرایط آن استان برای جذب سرمایه‌گذار (هم داخلی و هم خارجی) مناسب نیست) و نیاز به منابع داخلی و بانکی بیشتری برای افزایش تولید دارد؛ باید توجه بیشتری شود. بنابراین، تجویز سیاست مشابه محدودیت تسهیلات برای تمامی استان‌ها توسعه یافته و کمتر توسعه یافته امری نادرست است و باید این محدودیت برای استان‌های کمتر توسعه یافته نسبت به توسعه یافته کمتر باشد.

۲) پرداخت تسهیلات باید برای استان‌های مختلف بسته به سطح توسعه آن‌ها دارای نرخ سود متفاوتی باشد. بدون شک مناطق یا استان‌هایی که دارای سطح درآمدی کمتری هستند و بخش اعظمی از مردم آن جزء قشر کم درآمد می‌باشند و سرمایه‌گذاران چندانی تمایل به سرمایه‌گذاری در این مناطق ندارند، زمانی که ببینند نرخ بهره این مناطق نسبت به مناطق توسعه یافته تر کمتر است، ترغیب خواهند شد که برای سرمایه‌گذاری به این مناطق بیایند (به عبارتی نرخ بهره بر اساس آمایش سرزمینی تعیین شود).

۱. با اقتباس از رسانه KHAMENEI.IR، گزارش «ملاحظات راهبردی برای تحقق جهش تولید» به قلم آقای سید مهدی بنی‌طبا

۳) توسعه زیرساخت ها و زیربناهای لازم جهت مشارکت مردمی: شاید مهم ترین پیش نیاز اقتصاد مردم پایه توسعه زیرساخت ها و زیربناهای اقتصادی باشد. بدون ایجاد زیرساخت ها و توسعه زیربناهای نمی توان انتظار تحقق اهداف را داشت.

۴) هدف دار کردن مشارکت مردمی: لازم است مشارکت مردمی به سمت و سویی حرکت کند که ضرورت کشور ایجاب می کند. به عبارتی اگر حمایتی مانند اعطای تسهیلات انجام می شود باید به گونه ای باشد که در سال های آتی منافع آن متوجه کشور باشد و صرفا این حمایت ها منتج به مصرف گرایی نشود.

۵) شناسایی و توسعه بازارهای هدف اقتصاد مردم پایه

۶) استفاده از تامین مالی جدید در جهت مشارکت مردمی مانند روش تامین مالی جمعی، اوراق گام، برات الکترونیکی، اعتبار اسناد داخلی، فاکتورینگ و غیره.

۷) حمایت و تامین مالی تولیدات مردم پایه و ارائه بسته های تشویقی جهت حمایت از تولیدات آنان؛ به عنوان مثال تسهیلاتی در ازای خرید محصولات داخلی داده شود.

۸) موقتی بودن دوره حمایت (مانند اعطای یارانه، تسهیلات، تخفیف مالیاتی، گمرکی و غیره) از واحدهای تولیدی مردم پایه: کمک های دولت باید به گونه ای باشد که واحدها و بنگاه های اقتصادی را صرفا در همان مراحل اولیه تشکیل یا احیا حمایت نماید و بعد از اینکه این واحدها سرپا شدند، حمایت ها از آن ها قطع شود. چرا که حمایت همیشگی اولاً باعث افزایش هزینه های دولت، کسری بودجه، افزایش نقدینگی و به دنبال آن تورم و بی ثباتی اقتصاد می شود و دوماً، وابستگی بنگاه های اقتصادی را به دولت افزایش می دهد.

۹) آموزش مردم برای ورود به محیط اقتصادی مردم پایه: لازم است آموزش های لازم در خصوص کسب و کارهای مختلف جهت افزایش مشارکت مردمی در اقتصاد انجام پذیرد.

۱۰) تقویت بنیه و پایه اقتصاد مردم پایه به منظور کاهش آسیب پذیری از نوسانات اقتصادی: باید زمینه و شرایط لازم برای مشارکت مردم در اقتصاد انجام پذیرد تا اگر اقتصاد دچار نوسانات و شوک هایی گردد کسب و کارهای مردمی کمتر آسیب را ببینند.

۱۱) احیای اعتماد عمومی برای جلب مشارکت مردم در جهش تولید: گام دیگر برای تحقق شعار سال و تحول در تولید همچنان که اشاره شد، احیای اعتماد عمومی است که در سال های گذشته ضعف های آن آشکار شده است؛ از ناهمراهی اکثریت مردم با خواست دولت پیشین جهت انصراف از دریافت یارانه تا بروز

رفتارهای سوداگرانه در هنگامه‌های ریزش ارزش ریال که بارها منجر به برهم خوردن تعادل در عرصه اقتصادی کشور شده است.

۱۲) تاکید بر هوشمندسازی اقتصاد به منظور کاهش وقفه زمانی، ریسک و ناطمینانی، عدم تقارن اطلاعات، شفافیت مالی و غیره.

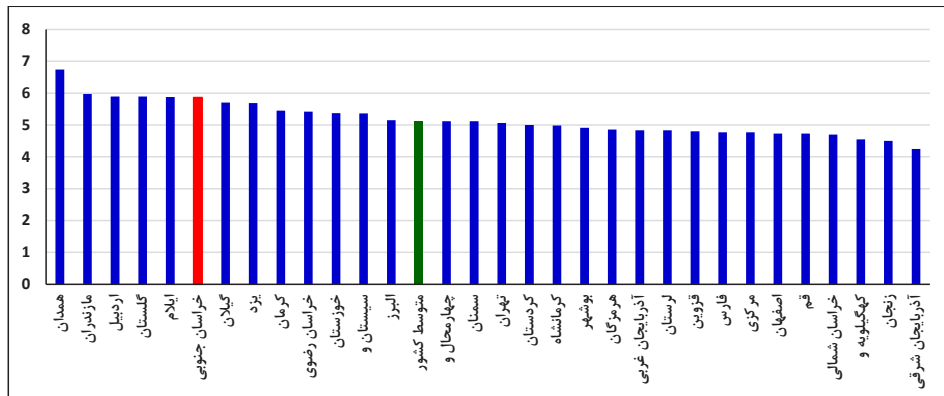
۱۳) تولید بدون کارخانه با استفاده از ظرفیت مردمی: تولید بدون کارخانه و یا در معنای عام آن، برون سپاری تولید، یک استراتژی در فرایند کسب و کار است که از طریق آن بخشی از فرایند تولید از طریق برون سپاری به شریک تجاری واگذار می‌شود که این استراتژی امکان تنوع بخشی به تولید و تکمیل سبد محصولات تولیدی با استفاده از ظرفیت سایر واحدهای تولیدی، بدون تأسیس کارخانه را فراهم می‌آورد. علاوه بر این می‌توان از ظرفیت خالی کارخانه‌ها نیز استفاده نمود. در این روش، صاحبان برند می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت اضافی موجود در یک کارخانه، بدون نیاز به تأسیس کارخانه یا تهیه تجهیزات، نیروی انسانی و متخصص، محصول خود را تولید و بسته‌بندی نمایند.

۱۴) حرکت اقتصاد مردم پایه به سمت اقتصاد فناور محور و اقتصاد دانش بنیان و افزایش بهره‌وری عوامل تولید

۱۵) تسهیل صدور مجوزها و راه‌اندازی کسب و کارها به منظور افزایش مشارکت مردمی
۱۶) حذف واسطه‌گران و دلالتان در شبکه توزیع به منظور کاهش قیمت تمام شده و افزایش درآمد تولیدکنندگان از طریق ایجاد سامانه مدیریت آنلاین توزیع کالا بین فروشندگان و خریداران
۱۷) فرهنگ سازی در جهت مصرف تولیدات داخلی:

بر اساس اطلاعات مرکز پایش کسب و کار، استان خراسان جنوبی از نظر تمایل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بی‌ربطی به خرید محصولات ایرانی در رتبه ۶ قرار دارد که نیازمند توجه ویژه است.

تمایل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بی رغبتی به خرید محصولات ایرانی



منبع: مرکز پایش کسب و کار

۱۸) جلب مشارکت مردمی در داخل و خارج از کشور: مشارکت مردمی صرفاً مختص به قشر خاص یا داخل کشور نباشد؛ بلکه حمایت هایی در جهت جذب نخبگان خارج از کشور و نگهداشت نخبگان داخلی نیز انجام شود.

۱۹) توجه به بنگاه های تولیدی در قالب تعاونی: بنگاه های کوچک و زودبازده از بخش های بسیار مهمی است که فعال سازی و حمایت از آن ها باید در دستور کار دولت و مسؤولان قرار گیرد، چرا که نگاه ویژه به این بخش می تواند اتفاق بزرگی را در عرصه رشد تولید رقم بزند. از مهم ترین مشکلات این بخش تأمین مواد اولیه با قیمت و کیفیت مناسب و خرید ملزومات و ماشین آلات مورد نیاز با قیمت و شرایط مناسب است که به ویژه در شرایط تحریم و نوسانات ارزی، تولیدکنندگان را با چالش جدی مواجه کرده است. اگر مشکلات این بخش مرتفع نشده و موانع موجود رفع نشود، بخش بزرگی از ظرفیت کشور که در این بخش نهفته است مغفول می ماند.

۲۰) ورود جریان پول به بخش تولید با پیش بینی پذیر کردن اقتصاد: متأسفانه در سال های اخیر به دلیل کاهش ارزش پول ملی مردم سعی کرده اند برای حفظ ارزش پول خود به فعالیت های سوداگرانه روی آورند که این یک فعالیت ضد تولید است.

۲۱) توجه ویژه به اقتصاد دانش بنیان: مقصود از اقتصاد دانش بنیان آن است که تمام فعالیت های اقتصادی در حوزه تولید، توزیع و مصرف در همه بخش های اقتصادی، مبتنی بر جدیدترین دانش آن حوزه شکل گیرد.

این امر ممکن است با دو نوع رویکرد صورت گیرد: اول نهادینه شدن دانش در بدنه اقتصادی، دوم ایجاد شرکت‌های دانش بنیان و استفاده از نتایج علمی آن‌ها در فرایند اقتصادی. اهمیت دانش بنیانی از آن جهت است که با رشد تکنولوژی با تکیه بر دانش بومی و داخلی، علاوه بر ایجاد ارزش افزوده بالا، سبب رشد اقتصادی مداوم و پایدار خواهد شد. بنابراین توجه به اقتصاد دانش بنیان نقشی کلیدی در جهش تولید دارد.

۲۲) استفاده از ظرفیت بسیج و نیروهای جهادی برای تقویت و توسعه هسته علمی و پژوهشی به منظور افزایش مشارکت مردمی

۲۳) حرکت به سمت بازار اجتماعی رقابتی و مبارزه با انحصار گری

۲۴) مدیریت تعارض منافع در زمینه فرهنگی و اقتصادی

۲۵) ایجاد زنجیره ارزش تولیدات راهبردی کشاورزی و معدنی با توجه به پتانسیل هر شهرستان با سرمایه گذاری مردم محلی

۲۶) تسهیل فرآیند تولید در استان از طریق کاهش پیدا کردن هزینه های صدور مجوزهای تولید، برقراری

۲۷) معافیت های مالیاتی کسب و کار های کوچک، نوپا و دانش بنیان، تخفیف در واگذاری زمین و ایجاد شرکت های خدماتی تامین مواد اولیه تولید در استان و ...

۲۸) اصلاح قوانین تولید و سرمایه گذاری به نفع کارآفرینان و تولید کنندگان بومی در بخش های اقتصادی توسط مدیران و ثبات و پیش بینی پذیری قوانین وضع شده.

۲۹) اجرای سیاست میانه ای برای دولت و کنار گذاشتن دخالت در سیستم قیمت گذاری

۳۰) تدوین برنامه توانمند سازی مدیران بنگاه های تولیدی در امور تولیدی و تجاری و سرمایه گذاری توسط مدیران اتاق های بازرگانی و بخش خصوصی

۳۱) تدوین برنامه مهارت آموزی و آموزش فعالیت های نوین تولید و بازار یابی به مردم توسط مدیران آموزشی

۳۲) برنامه ریزی برای تقویت سرمایه اجتماعی مردم و بستر سازی برای افزایش مشارکت مردمی در سطوح تصمیم گیری، مطالبه گری، نظارت و اجرای امور اقتصادی

۳۳) تغییر روش و تکنولوژی تولید با اعطای تسهیلات به نوسازی ماشین آلات و خط تولید

۳۴) برقراری یک نظام پرداخت یارانه کارآمد (اعطای یارانه به مواد اولیه تولیدی به تولید کننده و افزایش یارانه غیر نقدی خرید کالاهای تولیدی برای مصرف کنندگان)

۳۵) مقررات زدایی و تسهیل ورود کسب و کارهای مردمی

۳۶) اتخاذ بیانات رهبری در اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی به منظور هدایت و بهره گیری صحیح از مشارکت مردمی

منابع و مآخذ

الف) کتب و مقالات

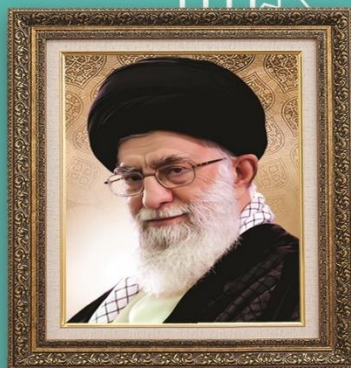
- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲)، به سوی پارادایم جدید توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، آذر و دی، ۱۳۸۲، شماره ۱۹۵ و ۱۹۶، صص ۱۱۵-۱۰۴.
- لشکری، محمد، (۱۳۹۲)، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- متوسلی، محمود، (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.
- ویلیس، کتی (۱۳۹۳)، نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه‌ایمانی جاجرمی و پیمان پوررجب، نشر پژوهاک، چاپ اول.
- هینز، جفری، (۱۳۹۳)، مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی، ایران پایان نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ص ۱۴۷.
- جهان‌دیده، طوبی، و عباسی، رسول. (۱۳۹۱). نقش مشارکت مردمی در پیشرفت کشور و جلب مشارکت آن‌ها. کنگره پیشگامان پیشرفت. SID. <https://sid.ir/paper/863658/fa>
- بهمنی، مجتبی، (۱۴۰۱)، مبانی حقوقی خصوصی‌سازی در پرتو سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، شماره ۸۵.
- اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (۱۳۸۵)، برگرفته از بولتن سازمان خصوصی‌سازی بازرگانی خصوصی‌سازی در ایران سازمان خصوصی‌سازی ایران، ش ۱۰.
- پاکدامن، رضا (۱۳۸۸)، رویکردهای اجرایی و مبانی قانونی خصوصی‌سازی، ج ۱، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران
- تار، فتح اله (۱۳۸۵)، «استفاده از مقررات زدایی در رفع موانع تولید»، نشریه مرکز پژوهشهای مجلس، س ۱۳، ش ۵۲.
- حیدری کرد، زنگنه غلامرضا (۱۳۸۸)، راهکارهای ارتقاء خصوصی‌سازی در ایران، چ ۱، تهران: انتشارات پندار پارس.
- جنیدی جعفری، مهدی و سلیمی، غلامرضا، (۱۴۰۰)، نقش مردم در اقتصاد از منظر رهبر معظم انقلاب، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی.

- رنجبران، رضا و قربانی، عبدالعظیم، (۱۳۹۴)، استخراج شبکه مفهومی اقتصاد مردم بنیاد مبتنی بر بیانات و اندیشه های رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).
- خانی، علیرضا (۱۳۸۴)، چالشهای اقتصادی دولت مجله، اقتصاد اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۱۳.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵)، خصوصی سازی چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عباسی، منصوره (۱۳۸۸)، چالشها و الزامات خصوصی سازی و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، چ ۱، تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر
- کریم، محمدحسین و دیگران (۱۳۹۴)، «ارزیابی فرآیند خصوصی سازی در راستای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی)»، مجله کار و جامعه، دوره ۳، ش ۱۱.
- انصاری، محمداسماعیل. (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی. فرهنگ رسانه. SID. <https://sid.ir/paper/477597/fa>
- سعیدی، محمدرضا، (۱۴۰۱)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیردولتی، تهران، انتشارات سمت.
- ادیب، محمد و جوانی، لیل، (۱۳۹۰)، مشارکت فرهنگی محور اصلی توسعه، ماهنامه موج عصر، ش ۱۳ و ۱۴.
- یوسفی، احمدعلی ؛ غفاری، مجتبی؛ (۱۳۹۵)، نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تاکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب)، پژوهش های اقتصاد مقاومتی، شماره ۱، صص ۱۱۳ تا ۱۴۲.
- سلطانی، محمدرضا، (زمستان ۱۳۹۶)، شناسایی مولفه های فرهنگ و مدیریت جهادی در حوزه کسب و کار (با تاکید بر پیاده سازی اقتصاد مقاومتی)، دوفصلنامه اسلام و مدیریت، مقاله ۴، دوره ۶، شماره ۱۲، صفحه ۸۵-۱۱۲.
- ابراهیم زاده عیسی، اسکندری ثانی محمد، رمضان پور صغری، (پاییز ۱۳۹۵)، راهبرد تعدیل فقر در محلات شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی مطالعه موردی: کلان شهر تهران، جغرافیا و توسعه، دوره ۱۴، شماره ۴۴؛ از صفحه ۱ تا صفحه ۲۳.
- اصغری، محمود، (۱۳۹۳)، خانواده و نقش آن در اقتصاد مقاومتی، پژوهشهای اجتماعی اسلامی، سال بیستم، شماره سوم، پیاپی ۱۰۲.
- جامی، علیرضا، ایمانی مقدم، حمیدرضا و تنها، مجتبی، (۱۳۹۲)، راهبردهای افق روشن (با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی)، انتشارات سخن گستر، مشهد، چاپ اول
- شیرزاد کمانگر، حسن، (۱۳۹۸)، درآمدی بر راهبردهای عملی اقتصاد مقاومتی در آموزه های قرآن، مطالعات علوم قرآن، سال ۱، شماره ۲؛ صص: ۱۶۱ - ۱۸۹.
- زارعی، موسی، (۱۳۹۱)، الزامات اقتصاد مقاومتی، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۶۲.

- مکیان سیدنظام الدین، کربلایی بادی فریبا، بهرامی فرشته. سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی مطالعه مقایسه ای بین کشورهایی با سرمایه اجتماعی بالا و کشورهایی با سرمایه اجتماعی پایین. سیاست های راهبردی و کلان [Internet]. 1400؛ ۹(۱) (پیاپی ۳۳): ۱۸۴-۲۰۹.
- علمی، زهرا (میلا)، شارع پور، محمود، حسینی، سید امیرحسین. (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد. مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۰(۴).
- sarli, zobaydeh and Gorzyn, Abbas Ali, (2016), Economic resistance and lifestyle, International Academic Journal of Social Sciences, Vol. 3, No. 5, pp. 8-15.
- Keshavarzi, Ali and Fathi, Sarvoldin, (2014), Resistance Economy, Turning the Sanction to Opportunity, International Journal of Management, Accounting and Economics, Vol. 1, No. 1, pp: 93-100.

ب) مراکز و سازمان های ارائه دهنده آمار و اطلاعات

- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مقام معظم رهبری)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- بانک مرکزی ایران
- مرکز آمار ایران
- مرکز پژوهش های مجلس
- بانک جهانی
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- وزارت راه و شهرسازی
- وزارت نیرو
- گمرک جمهوری اسلامی ایران
- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
- سازمان برنامه و بودجه کشور
- سازمان خصوصی سازی ایران
- سازمان ملی بهره وری ایران
- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران
- مرکز پایش کسب و کار



رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی):

اگر ما بخواهیم جهش تولید داشته باشیم، بایستی اقتصاد را مردمی کنیم، باید پای مردم را به عرصه‌ی تولید به نحو محسوسی باز کنیم، موانع حضور مردم را برطرف کنیم. در بخش مردمی ظرفیت‌های بزرگی وجود دارد که این ظرفیت‌ها بایستی فعال بشود. هر جا مردم وارد شده‌اند ما پیشرفت کرده‌ایم. در دفاع مقدس مردم وارد شدند، ما پیروز شدیم؛ در مسائل سیاسی کشور مردم هر جا وارد شدند ما پیروز شدیم؛ در مسائل اقتصادی هم همین جور است؛ اگر مردم وارد بشوند، آحاد مردم وارد بشوند، ما پیروز خواهیم شد، موفق خواهیم شد؛ منتها مردم چه جور وارد بشوند؟ باید نقشی ورود مردم در حوزہ‌ی اقتصادی را به مردم نشان داد. اگر چنانچه بتوانیم نه در حرف که دائماً گفته‌ایم، بلکه در عمل مشارکت مردم را جلب کنیم، رشد تولید قطعی خواهد بود. آن چیزی که قطعاً رشد تولید را به وجود می‌آورد، حضور مردم در تولید است؛ در بخشهای مختلف و از تولیدات اندک و کوچک تا تولیدات بزرگ به وسیله‌ی مردم انجام شود.

ISBN : 978-600-8923-78-7



9 786008 923787

